



پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

## ترجمان استراتژیک خاورمیانه

# اسرائیل در آستانه تنش:

# چالش‌های گوناگون: مستلزم راهبردی نو

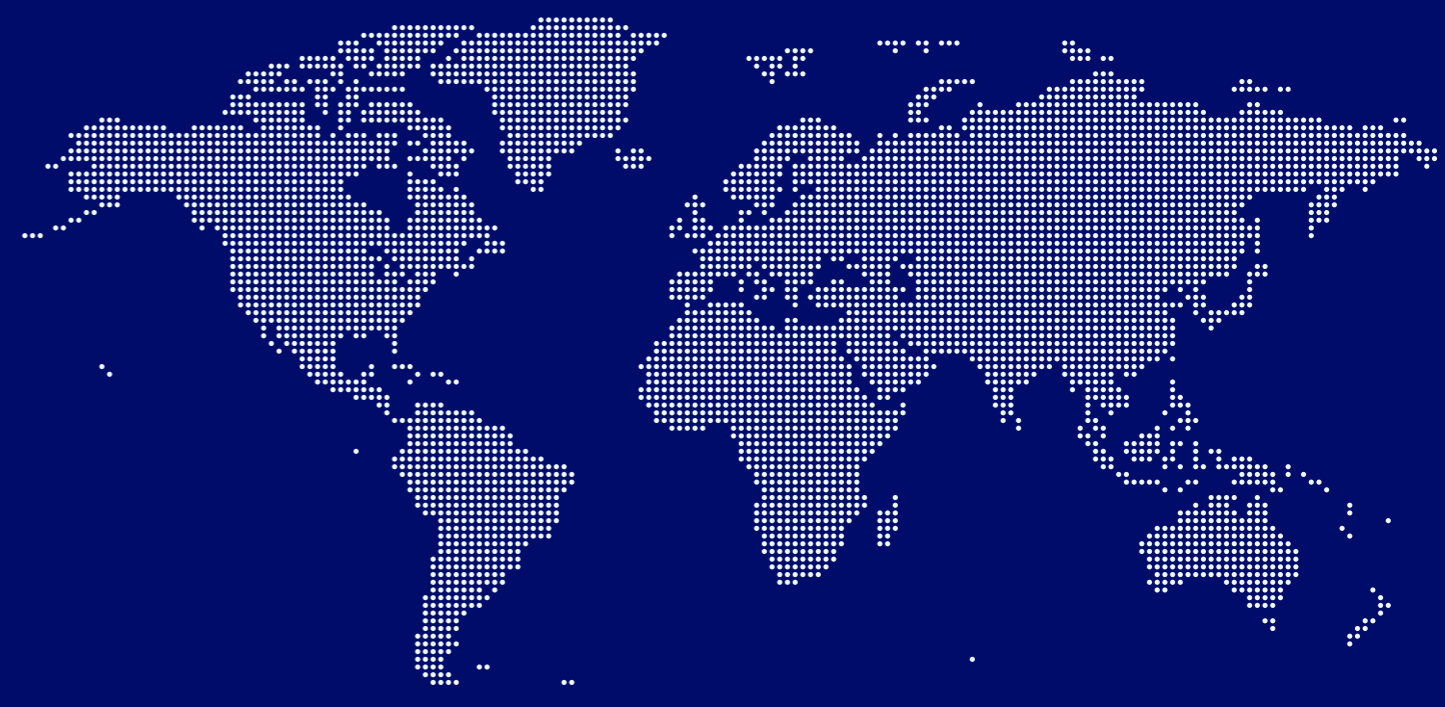
### سخن پژوهشکده

سیر سریع تحولات در منطقه غرب آسیا به مرز رسیده است که هر محقق حرفه ای را جا می گذارد، اما اشتباه نباید کرد! نباید تسلیم سرعت و تغییر شد. چرا که دقت و اقدام سنجیده، مستلزم زمان و غور عمیق و مباحثه مستدل است و اینها میسر نمی شوند مگر با فهم دقیق متون و تصمیم آگاهانه با برآورد نتایج هر اقدام. بر این اساس، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و بازوی فکری آن یعنی پژوهشکده بر آن شدند تا برخی متون مهم و دوران ساز و فوری را به مترجمان کاربرد و متخصص بسپارند و این متون در کنار انتشار مجازی، نسخه چاپی هم داشته باشند.

انتظار این است که مجموعه ترجمان استراتژیک خاورمیانه بتواند ضمن تولید ادبیات شایسته و مرتبط، راهی یا الگویی باشد برای نگارش، گزارش و پایش رخدادهایی که مورد نیاز و اطلاع دانشوران و سیاست‌گزاران می تواند بود. پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه در فصل نوین فعالیت های خود، در نظر دارد با گزینش و سفارش این قسم متن های اساسی به شناخت و توسعه منافع ملی یاری برساند و یاور تصمیم سازان و اصحاب آکادمی باشد تا به جای دوییدن در پی حوادث، مدیرانه و دوراندیشانه بیندیشند. همین جا فرصت را مغتنم شمرده از جمیع پژوهشگران مسایل جدید خاورمیانه دعوت می کنیم متن های تازه، معتبر و متمایز و مانا را انتخاب و جهت انتشار در قالب ترجمان استراتژیک خاورمیانه، پیشنهاد نمایند. به امید سرفرازی میهن اسلامی مان، ایران، با یاری حضرت یزدان و رهنمایی استادان حرفه ای و کاربرد.

گفتنی است نظر مطروحه در این اسناد به هیچ وجه نظر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیست و نشر آن به منزله تأیید محتوا نمی باشد. مقصود اصلی، اطلاع از نحوه نگاه و نقشه راه دیگری است که در مورد ایران اندیشه و کار می کنند.

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه



تهیه و تدوین: ایتای برون و ایتای شاپیرا

مترجم: عارف بیژن

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان شهید نادری، نرسیده به خیابان ایتالیا، پلاک ۸  
تلفن: ۰۹۰-۸۸۹۷۲۱۸۷ ایمیل: info@cmess.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه



## ترجمان استراتژیک خاورمیانه

# اسرائیل در آستانه تنش: چالش‌های گوناگون: مستلزم راهبردی نو

تهیه و تدوین: ایتای برون و ایتای شاپیرا

مترجم: عارف بیژن؛ پژوهشگر مهمان و عضو گروه ملاحظات استراتژیک روسیه در خاورمیانه

منبع: Strategic Assessment of Israel, INSS, 2019-2020

ناظر علمی: دکتر قدیر نصری

ویراستار ادبی علمی: سحر تقی پور

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: علی رودگر صفاری

شماره سند: ۱/۵۰۱

تاریخ انتشار: ۲۳ آذرماه ۱۳۹۹

**INSIS**

**המכון למחקרי ביטחון לאומי**  
THE INSTITUTE FOR NATIONAL SECURITY STUDIES  
INCORPORATING THE JAFFEE CENTER FOR STRATEGIC STUDIES  
AT TEL AVIV UNIVERSITY אוניברסיטת תל-אביב

عنوان گزارش:

**بررسی استراتژیک اسرائیل**

(۲۰۲۰-۲۰۱۹)

در آستانه تنش: چالش‌های متعدد نیازمند استراتژی جدید

ویراستاران: ایتای برون و ایتای شاپیرا

مترجم: عارف بیژن

مهر ۱۳۹۹

## چکیده:

موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل طبق رسم هر ساله خود ارزیابی ۲۰۱۹-۲۰۲۰ خود از وضعیت امنیتی اسرائیل را در قالب یک گزارش راهبردی منتشر کرده است. این گزارش در هفت فصل مجزا که عبارتند از: فصل اول، سیستم بین‌المللی؛ رقابت ابرقدرت و دشواری‌های عملکردی؛ فصل دوم، سیستم منطقه‌ای؛ کشمکش برای شکل‌دهی به خاورمیانه؛ فصل سوم، ایران؛ سرپیچی و جسارت و چالش‌های درونی؛ فصل چهارم، مناطق شمالی؛ به سوی یک نزاع گسترده؛ فصل پنجم، سیستم فلسطینی؛ تضعیف شده و نزدیک به تشدید؛ فصل ششم، جامعه اسرائیلی؛ چالش‌ها در برابر انعطاف‌پذیری اجتماعی؛ فصل هفتم، محیط عملیاتی؛ قابلیت‌های جدید محور رادیکال شیعه تدوین شده، تلاش دارد تا چالش‌های امنیتی اسرائیل را شناسایی کند و توصیه‌های لازم به مقامات سیاسی صهیونیست ارائه گردد. از یک سو، آنچه در ارزیابی راهبردی ۲۰۲۰ اسرائیل قابل ذکر است اینکه نشان می‌دهد رویکرد اسرائیل به مجموعه‌ای از چالش‌های عمده امنیت ملی شامل: تنش فزاینده با ایران در خصوص موضوع هسته‌ای، تلاش آن برای تاسیس پایگاه نظامی در سوریه و دیگر نواحی، استقرار تجهیزات عملیاتی در برابر اسرائیل؛ تلاش حزب الله برای دستیابی به توانایی‌های حمله در مقیاس بزرگ؛ و اقدامات حماس برای کاهش فشار بر غزه و تأثیرگذاری بر پارامترهای توافق با اسرائیل است. از سوی دیگر، ترور هدفمند سردار قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین نیروی قدس ایران، توسط ایالات متحده در اوایل سال ۲۰۲۰، ارزیابی بیشتری را در مورد پتانسیل این درگیری‌ها افزایش می‌دهد. این رویداد زمینه جدیدی را ایجاد کرده و می‌تواند به یک نقطه عطف استراتژیک تبدیل شود. اینها و چالش‌های دیگر در برابر بحران سیاسی مداوم در اسرائیل و رقابت استراتژیک بین قدرت‌های جهانی در حال آشکار شدن است که به نوبه خود مشکلات عملکردی در سیستم بین‌المللی ایجاد می‌کند. نتیجه‌گیری ناگفته از این تحولات، نیاز اسرائیل را برای تدوین یک استراتژی جدید بیشتر می‌کند. بنابراین، آنچه در این گزارش مفصل برای سیاست‌گذاران اسرائیلی توصیه شد اینکه پس از چندین سال بهبود در وضعیت استراتژیک اسرائیل، "پنجره فرصت" استراتژیک، که به اندازه کافی استفاده نشده است، به نظر می‌رسد در حال بسته شدن است. تهدیدهای رو به رشد نیازمند بازنگری در مفهوم امنیتی اسرائیل، سیاست دفاعی، تخصیص منابع و استراتژی‌های رو به روز است. دو راهکار ممکن برای استراتژی اسرائیل وجود دارد: یکی احتیاط و ثبات است - تأکید بر گفت و گو، تنظیمات و کنار آمدن با تهدیدهای موجود و در حال توسعه، برای خنثی کردن آنها تا تحقق نیافته باشند. مورد دوم پیش‌دستانه و پیشگیرانه-هجومی است و تهدیدات را برطرف و از بین می‌برد اما می‌تواند به جنگ در عرصه‌های مختلف منجر شود.

## فهرست مطالب

|    |   |
|----|---|
| ۸  | بررسی راهبردی ۲۰۲۰: چالش‌های در حال رشد برای استراتژی فعلی اسرائیل<br>ایتای برون و ایتای شاپیرا   |
| ۲۶ | ۱. رقابت ابرقدرت‌ها و مشکلات عملکردی سیستم بین‌المللی<br>آصف اوریون، الداد شاویت، شَهر ایلام و روتَم اورِگ  |
| ۳۲ | ۲. تلاش برای شکل سیستم منطقه‌ای خاورمیانه:<br>سارا فوئر، ایتای برون، گالیا لیندنستراوس، اودن اِران، یورام شویتزر، اوفیر ویتتر، یول گوزانسکی، رمی دانیل، الداد شوویت<br>و آری هیستین |
| ۴۰ | ۳. ایران: سرپیچی و جسارت، در کنار چالش‌های داخلی<br>سیما شاین، راز زیمت و امیلی بی لاندو  |
| ۴۶ | ۴. منطقه شمالی: به سوی درگیری در مقیاس بزرگ<br>یودی دکل، کارمیت والنسی و اورنا میزراهی  |
| ۵۴ | ۵. نظام فلسطینی: ضعیف شده و در آستانه فروپاشی<br>یودی دِکل، نوآ شوسترمن و آنات کورز   |
| ۶۳ | ۶. جامعه اسرائیلی: چالش‌های سازگاری جامعه<br>میر الران، کارمیت پادان، پنینا شارویت باروخ، ساسون حداد، زیپی اسرائیلی، شموئل اِون و یهودا بن میر                                      |
| ۷۱ | ۷. محیط عملیاتی: قابلیت‌های جدید محور شیعه رادیکال<br>ایتای برون و ایتای شاپیرا   |
| ۷۸ | نتیجه‌گیری: ارزیابی و توصیه‌های سیاسی برای سال ۲۰۲۰<br>آموس بادلین  |

## بررسی راهبردی ۲۰۲۰: چالش‌های در حال رشد برای استراتژی فعلی اسرائیل

ایتای برون<sup>۱</sup> و ایتای شاپیرا<sup>۲</sup>



| توصیه‌ها:   | نگاهی کوتاه:  |
|---|---|
| احتیاط لازم در ماه‌های آتی، دولت جدید می‌بایست راهبردهای امنیت ملی اسرائیل را به روز رسانی کند، ضمن تعیین اولویت‌ها در میان جبهه‌های مربوطه و بحث بر سر مفاهیم اساسی امنیتی | <ul style="list-style-type: none"> <li>انبوهی از چالش‌های امنیت ملی در چندین جبهه</li> <li>سیاست فعلی اسرائیل می‌تواند منجر به تنش و جنگ تمام عیار شود.</li> <li>بحران سیاسی اسرائیل مانع تدوین استراتژی مرتبط با آن می‌شود.</li> </ul> |

### افزایش احتمال جنگ

در هسته ارزیابی استراتژیک سال ۲۰۲۰ تنش بین قدرت آشکار اسرائیل و موفقیت‌هایش در زمینه‌های مختلف، و این احتمال که وضعیت مثبت امور خود را موقت و شکننده باشد، وجود دارد. این تنش ریشه در چند عامل مختلف دارد که می‌تواند در سالهای آتی منجر به یک اختلاف و نازع تمام عیار و حتی جنگ شود. این موارد شامل رویکرد اسرائیل به یک سری چالش‌های امنیت ملی می‌شود: افزایش جسارت ایران بر سر مساله هسته‌ای و تلاش در تجمع نیرو در سوریه و دیگر مناطق، تلاش برای قرار دادن قابلیت‌های عملیاتی در برابر اسرائیل، تلاش حزب الله جهت کسب قابلیت‌های دقیق حمله در

1. Itai Brun  
2. Itai Shapira

مقیاس بالا، و تلاش حماس برای کم کردن فشار از روی غزه و اثر گذاری بروی پارامترهای موجود جهت دستیابی به قراردادی با اسرائیل.

ترور هدفمند قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس ایران توسط ایالات متحده در اوایل سال ۲۰۲۰، به ارزیابی در مورد پتانسیل تشدید جنگ، اهمیت بیشتری می‌دهد. این رویداد زمینه جدیدی ایجاد می‌کند و ممکن است تبدیل به یک نقطه عطف استراتژیک شود. این چالش‌ها و چالش‌های دیگر در برابر پس‌زمینه بحران سیاسی در حال پیشرفت در اسرائیل و رقابت استراتژیک بین قدرت‌های جهانی آشکار می‌شود که به نوبه خود مشکلات عملکردی در سیستم بین‌المللی ایجاد می‌کند. نتیجه روشن این تحولات نیاز اسرائیل به تدوین یک استراتژی جدید است.

### فروپاشی جهانی

در آغاز دهه سوم قرن بیست و یکم، واضح است که نظم جهانی عمدتاً با بی‌نظمی روبرو است. بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل هنوز دولت‌ها هستند که توسط قدرت‌های جهانی (ایالات متحده، چین و روسیه) رهبری می‌شوند، اما سنگینی بازیگران غیردولتی (غول‌های تکنولوژی و جهانی سازی، سازمان‌های تروریستی، و بازیگران مستقل) افزایش یافته است. نگرانی اقتصادی در همه جا مشهود است و از این میان به قیامی عمومی علیه نخبگان و علیه جهانی شدن (و همچنین جنگ‌های تجاری) منجر می‌شود. جهان به گونه‌ای شبکه‌ای شده است که انتقال سریع‌تر ایده‌ها را ممکن می‌سازد، و پدیده‌های اجتماعی محلی و فرهنگی جهانی می‌شوند. رویدادهایی که در گذشته غیرقابل تصور تلقی می‌شدند بیشتر اتفاق می‌افتند. در همین حال، نفوذ سیاستمداران پوپولیستی افزایش یافته است. آن‌ها حمایت عمومی را از طریق پیام‌های ساده و جذاب که احساسات مردم را جلب می‌کند و ارائه «حقایق جایگزین» که به نفع آن‌ها است، بسیج می‌کنند.

### سیستم بین‌المللی رقابت ابر قدرتی و مشکلات عملکردی

فصل اول بررسی استراتژیک سیستم بین‌المللی را مورد بحث قرار می‌دهد که از مشکلات عملکردی در مقابل پس‌زمینه رقابت استراتژیک بین قدرت‌های جهانی و چالش‌های داخلی مربوطه خود رنج می‌برند. بازیگران غربی به دلیل اهمیت فزاینده آسیای شرقی، ترس از درگیری نظامی و تغییر در بازار انرژی، مشتاق هستند که خاورمیانه از اولویت کمتری برای آن‌ها برخوردار باشد. با این حال، به نظر می‌رسد که پیشرفت‌های آشکار مانع از این هدف می‌شوند.

- ایالات متحده از لحاظ منابع و توانایی‌ها به عنوان قوی‌ترین قدرت جهانی باقی می‌ماند، اما تحت رهبری ریاست جمهوری دونالد ترامپ، تمرکز بیشتر بر منافع ملی محدود شده است. این امر یک سال انتخاباتی آشفته را آغاز می‌کند که در سایه استیضاح برگزار خواهد شد. حمله به آمریکایی‌ها و نمادهای

آمریکایی (به عنوان مثال سفارت آمریکا در عراق) ایالات متحده را به کشتن سلیمانی و تقویت موضع خود در منطقه هدایت کرد. با این حال، به نظر نمی‌رسد که آمریکا به دنبال رویارویی گسترده‌ای با ایران باشد.

● روسیه بخشی از این خلا را که سیاست آمریکا در خاورمیانه بر جای گذاشته است را به شدت پر می‌کند. هرچند، پوتین، رئیس‌جمهور کهنه‌کار روسیه، در حال کنار آمدن با چالش‌های داخلی است که بخشی از آن ناشی از خستگی عمومی از نمایش‌های بین‌المللی است. این امر کسانی را که به دنبال نشان دادن رویکردی واقع‌گرایانه‌تر نسبت به غرب و ایجاد فرآیندهای تنش‌زدایی هستند، تقویت می‌کند.

● چین از قدرت اقتصادی خود در جهت نفوذ سیاسی و افزایش قدرت نظامی بهره می‌برد، اما میزان رشد چین نیز کم شده و او هم با چالش‌هایی در رابطه با ثبات داخلی خود مقابله می‌کند، که منجر به تخصیص منابعی برای تشدید کنترل خود در عرصه داخلی می‌شود. چین در خاورمیانه فعال است، اما منافع آن عمدتاً بر حوزه اقتصادی، همراه با فعالیت سیاسی نمادین و نشانه‌های اولیه حضور نظامی متمرکز است.

● ثبات اروپا با گسترش شکاف‌های اقتصادی، چالش‌های پناهندگان و مهاجرت، تقویت افراط‌گرایان در جناح راست و چپ، و تشدید بحث بین طرفداران اتحادیه و کسانی که از ملی‌گرایی حمایت می‌کنند، تضعیف شده است. علاوه بر این، تغییراتی در تعادل قدرت درون اروپایی (در پیش‌بینی پایان دوره مرکل) و درک فزاینده از نیاز به کاهش وابستگی نظامی و اقتصادی به ایالات متحده وجود دارد.

ترور هدفمند سلیمانی حداقل در کوتاه‌مدت به نفع اسرائیل است و بر نیاز به همکاری استراتژیک اسرائیل با ایالات متحده تاکید می‌کند. با این وجود، اسرائیل ظاهراً باید با بیشتر چالش‌های منطقه‌ای به تنهایی مقابله کند. علاوه بر این، خطرات برخورد با آمریکا در چند حوزه وجود دارد: روابط با چین، پتانسیل (هرچند بعید) برای توافق آینده با ایران، کانال‌های گفتگو با روسیه، و بحران روابط بین رهبری فعلی اسرائیل و حزب دموکرات در ایالات متحده، به خصوص اگر دموکرات‌ها به کاخ سفید بازگردند. در عین حال، رقابت استراتژیک بین قدرت‌های جهانی نیز فرصتی برای اسرائیل است، که باید سیاست مبتنی بر همکاری با ایالات متحده (شاید حتی ایجاد یک «اتحاد نوآوری استراتژیک»<sup>۱</sup>) را شکل دهد، در حالی که ورود آن به بازارهای در حال رشد و تقویت روابط با اروپا عمیق‌تر می‌شود. همه اینها نیازمند مدیریت دقیق خطرات در روابط استراتژیک اسرائیل با قدرت‌های جهانی، و به طور خاص، گفتگو و هماهنگی با تمام نهادهای مربوطه در ایالات متحده است: دولت، مردم، رسانه‌ها، و یهودی‌های آمریکایی.

1. strategic innovation alliance



## وضعیت مکتب لیبرال دموکرات

سه دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، مکتب لیبرال - دموکرات حتی یک دشمن جهانی ندارد که نشان‌دهنده یک جایگزین ایدئولوژیک مخالف مانند کمونیسم یا فاشیسم باشد. با این حال، این مکتب با دشمنان متعددی مواجه است که با ارزش‌های آن مخالف هستند، با نهادهای آن مبارزه می‌کنند، و جهان و نظم دولتی «غیر لیبرال» متفاوتی را پیش می‌برند. این چالش در سه زمینه در جریان است: با نیروهای رقابتی در جنگ بر سر نظام جهانی؛ با عناصر براندازنده - در راست و چپ سیاسی - در درون خود دموکراسی‌های لیبرال غربی؛ و با یک الگوی جایگزین از حکمرانی و ساز و کارهای پیچیده تری از سرکوب و نظارت در کشورهای غیر دموکراتیک. مکتب لیبرال دموکرات هنوز هم از حمایت گسترده برخوردار است، اما شاخص‌های مختلف نشان‌دهنده کاهش جایگاه و گسترش آن است. به طور همزمان، به نظر می‌رسد اقتصاد کاپیتالیسم پیروز است، چرا که برخی از واضح‌ترین حامیان نظام غیر لیبرال نیز به شکل‌های مختلف آن را پذیرفته‌اند.

## سیستم منطقه‌ای: تلاش برای شکل دادن خاورمیانه

فصل دوم سیستم منطقه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد که به تجربه مبارزه آشفته بر سر شکل دادن خاورمیانه ادامه می‌دهد. در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل سال ۲۰۱۱، مردم عرب به خیابان‌ها ریختند و خواستار سرنوشتی تعدادی از رژیم‌های سنی عرب شدند. این تظاهرات، آغاز تحولات منطقه‌ای را نشان داد که منجر به توالی چشمگیری از وقایع در سال‌های پس از آن شد. نه سال بعد، تحولات منطقه‌ای ادامه دارد و خاور میانه همچنان با بی‌ثباتی قابل توجه، عدم اطمینان و بی‌ثباتی مشخص می‌شود. منطقه در میانه یک بحران عمیق قرار دارد که در فرآیندهای اهمیت تاریخی منعکس شده است. مبارزه بر سر شخصیت خاورمیانه در دو حوزه و در طول خطوط متعدد اشتباه همچنان ادامه دارد:

- در نظم منطقه‌ای - بین چهار اردوگاه که بر سر ایده‌ها، قدرت، نفوذ و بقا مبارزه می‌کنند (محور شیعه رادیکال، دولت‌های سنی عملگرا، جریان اخوان المسلمین، و جریان سلفی - جهادی). قدرت‌های بین‌المللی نیز در این مبارزه درگیر هستند و اسرائیل نیز نقش غیر مستقیمی ایفا می‌کند.
- در درون خود کشورها - بین حکومت و مردم. اساس این مبارزه مشکلات اساسی منطقه است که در طول دهه تحولات منطقه‌ای (بیکاری، فساد، نابرابری و اتکای بیش از حد به نفت و کمک‌های خارجی) تشدید شده است. در طول سال گذشته، فضای داخلی به طور قابل توجهی متشنج شده است و اعتراضات گسترده‌ای در سودان، الجزایر، مصر، عراق، لبنان و حتی ایران رخ داده است.

در نتیجه مبارزه در این دو حوزه، همه رژیم‌های خاورمیانه با چالش‌هایی برای ثبات خود مواجه هستند.

در یک طرف طیف، کشورهایی هستند که در حالت جنگ باقی مانده‌اند - مانند یمن، لیبی و سوریه. در سوی دیگر، کشورهایی هستند که نسبتاً پایدار هستند، اگر چه ثبات آن‌ها شکننده است - اردن، مراکش، تونس، کشورهای خلیج فارس و ترکیه. در میانه، کشورهایی هستند که در آن‌ها اعتراضات مدنی در پاسخ به مشکلات اساسی در حال پیشرفت آغاز شد - مانند سودان، الجزایر، مصر، عراق، لبنان و ایران. تظاهرات در عراق و لبنان به ویژه قابل توجه است، زیرا از اختلافات قومی فراتر رفته و بازتاب احساسات ضد ایرانی در میان بخش قابل توجهی از تظاهر کنندگان است. در عین حال، ترور سلیمانی موجب تشدید احساسات ضد آمریکایی می‌شود.

اسرائیل یک بازیگر منطقه‌ای پیشرو است که برای محدود کردن نفوذ محور شیعه افراطی کار می‌کند و در این راستا همکاری رو به افزایشی را با دولت‌های سنی عملگرا حفظ می‌کند. هر چند درگیری با اسرائیل همچنان یک موضوع حساس در میان مردم منطقه است، اما مساله اصلی اشغال رژیم‌ها نیست. با این حال، ۲۵ سال پس از امضای توافقنامه صلح بین اسرائیل و اردن، روابط دو جانبه در سطح بحران رو به وخامت گذاشته، وضعیتی که نیازمند توجه فوری اسرائیل است.


#### چهار اردوگاه خاورمیانه



**Radical Shiite**  
Iran, Syria, Hezbollah, the Houthis in Yemen, Shiite militias, Palestinian Islamic Jihad



**Pragmatic Sunni**  
Saudi Arabia, Egypt, Jordan, Morocco, United Arab Emirates, and most Gulf states



**Salafi-Jihadist**  
Islamic State (ISIS), AlQaeda

**Muslim Brotherhood**  
Turkey, Qatar, Hamas, remnants of the Muslim Brotherhood in other states

#### ایران: مقاومت و جسارت در کنار چالش‌های داخلی

فصل سوم به ایران می‌پردازد که محور رادیکال شیعه را رهبری می‌کند و جدی‌ترین تهدید برای امنیت اسرائیل است. در میان اردوگاه‌های منطقه، این اردوگاه سازمان‌یافته‌ترین و انسانی‌ترین اردوگاه است، از ابزارهای گوناگون سیاسی و نظامی برای نفوذ استفاده می‌کند، در بسیاری از حوزه‌ها فعالیت می‌کند، و در حال پیشرفت در تلاش‌های خود برای ایجاد یک نظم منطقه‌ای متفاوت، طرفدار ایران و ضد غربی است.

سال ۲۰۱۹ در مورد مساله هسته‌ای ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای آن مشخص شد، و در طول سال رویارویی با ایالات متحده شدت گرفت. در سال اول پس از اینکه آمریکا از قرارداد هسته‌ای در ماه می ۲۰۱۸ کناره‌گیری کرد، ایران به تعهدات خود براساس این توافقنامه پایبند ماند، اما در سال ۲۰۱۹ سیاست آن تغییر کرد و با دقت و به تدریج شروع به کاهش این تعهدات کرد. علاوه بر این، (بر مبنای ادعای اسرائیلی‌ها) ایران فعالیت نظامی تحریک‌آمیز در خاورمیانه علیه متحدان ایالات متحده، به ویژه حمله به تاسیسات نفتی عربستان سعودی (آرامکو)، و علیه خود ایالات متحده، در حمله به هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی و هدایت نمایندگان در عراق برای حمله به پایگاه‌های ایالات متحده و حمله به سفارت در بغداد را به عهده گرفت. از سال ۲۰۱۸، ایران و اسرائیل نیز در یک رویارویی مستقیم اما محدود بوده‌اند، که امسال شاهد درگیری ایران در سوریه هستیم.

پشت سر هم، ایران به تقویت نیروهای نظامی خود در سوریه، عراق، لبنان و یمن با هدف افزایش نفوذ خود، کاهش نفوذ آمریکا و ایجاد پایگاه‌های فعالیت بالقوه برای حمله به اسرائیل و عربستان سعودی ادامه می‌دهد. برای چنین فعالیت‌هایی، ایران به نیروهای محلی وابسته است که به آن آزادی عملیات (نظامی و دیگر موارد) می‌دهند - اولین و مهم‌ترین شان حزب‌الله در لبنان و رژیم سوریه، همراه با شبه نظامیان شیعه طرفدار ایران در سوریه، عراق و لبنان و حوثی‌ها در یمن می‌باشد. در عرصه فلسطین، حمایت ایران از جهاد اسلامی و حماس ادامه دارد، که در سرمایه‌گذاری و دانش فنی برای تولید راکت و موشک و سلاح‌های دیگر نمود پیدا کرده‌است. پس از کشته شدن سلیمانی، ایران پاسخ محدودی را انتخاب کرد که منجر به درگیری تمام‌عیار با ایالات متحده نشود. خود سلیمانی بود که تحلیل و برنامه‌ریزی اقدامات از این دست را در منطقه هماهنگ و روابط ایران را با نمایندگی‌ها در منطقه کنترل کرده بود. به علاوه، پس از سقوط هواپیمای اوکراین، ایران با بحران داخلی مواجه شد. با این وجود، هنوز خیلی زود است که بخواهیم تاثیر ترور سلیمانی را بر عزم و استقامت ایران ارزیابی کنیم، چرا که در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ به رهبری قابلیت‌های آن علیه اسرائیل و پروژه موشکی هدایت دقیق حزب‌الله آشکار شد.

در مورد مساله هسته‌ای، طرفین به بن‌بست رسیده‌اند: ایالات متحده هیچ استراتژی بلند مدتی به جز ادامه تحریم‌های اقتصادی و تلاش برای توافقی که پارامترهای آن تعریف نشده است، ندارد. اروپائیان نگران تشدید درگیری‌ها هستند و ترجیح می‌دهند اقدامات جسورانه ایران را کم‌اهمیت جلوه دهند. و خود ایران قصد ندارد در صورت عدم برآورده شدن خواسته‌های خود در مورد تحریم‌ها، به مذاکرات بازگردد و همچنان به پیشبرد اهداف هسته‌ای خود ادامه می‌دهد.

برای اسرائیل در سال ۲۰۲۰، در صورتی که ایران تصمیم به انجام این کار بگیرد، پیامد اصلی، مدت‌زمان کوتاه شده مورد نیاز برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. موقعیت سیاسی ترامپ و ماهیت رفتار او در یک سال انتخاباتی، خطر دیگری برای اسرائیل محسوب می‌شود - احتمال موفقیت در مذاکرات در مورد یک معامله هسته‌ای جدید که ظاهراً به عنوان یک توافق بهبود یافته ارائه خواهد شد، اما منافع اسرائیل را بیشتر نخواهد کرد. مخصوصاً در سایه ترور قاسم سلیمانی، چشم‌انداز این توسعه اندک است. با توجه به تعدادی از شاخص‌ها، به نظر می‌رسد که با وجود تداوم وضعیت دشوار اقتصادی، اقتصاد ایران در حال تثبیت و سازگاری با رژیم تحریم‌ها است. با این حال، این شکل‌های اقتصاد کلان، زندگی شهروندانی که در ماه نوامبر به اعتراضات گسترده عمومی خشونت‌آمیز پیوسته‌اند را بهبود نبخشیده‌اند. این اعتراضات بر سر مساله اقتصادی متمرکز بوده و بر مخالفت با رژیم تاکید داشتند. مهم‌ترین چالش اسرائیل در مقابل ایران در سال‌های پیش رو شکل دادن استراتژی‌ایی است که بتواند در جنبه‌های مختلف و زمینه‌های مختلف اعمال فشار کند، بدون آنکه بخواهد وارد تقابلی در مقیاس بزرگ با ایران و حزب الله شود در حالی که نزدیکی خود با ایالات متحده را حفظ کند. در عین حال، اسرائیل می‌بایست روی گزینه معتبری کار کند تا بتواند روی ایران اعمال فشار نماید و درک متقابلی با ایالات متحده بر روی سه سناریوی مشکل ساز داشته باشد: اولین مورد از سر دادن دوباره مذاکرات بین ایران و ایالات متحده است، تا توانایی ایران برای غنی سازی اورانیوم را محدود سازند بدون آنکه امتیازی در مقابل بدهند. دومین مورد تشدید نظامی بین ایران و اسرائیل است، و سومین مساله پیشرفت ایران در برنامه هسته‌ای می‌باشد، درحالی‌که ایران به جمع آوری مواد شکاف پذیر و دستیابی به سطوح بالاتر غنی سازی ادامه می‌دهد که به کاهش چشمگیری در زمان دستیابی به سلاح‌های اتمی منجر می‌شود. اسرائیل و ایالات متحده بر سر این سه مساله خاص می‌توانند به توافقات خوبی برسند مخصوصاً در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ.

### منطقه شمالی: به سوی درگیری در مقیاس بزرگ

فصل چهارم به منطقه شمالی می‌پردازد که بزرگ‌ترین تهدید نظامی برای اسرائیل به شمار می‌رود. این تهدید از جانب ایران و نمایندگان در منطقه نشات می‌گیرد: اولین و مهم‌ترین شان حزب الله لبنان، رژیم اسد و نیروهای شبه نظامی در سوریه و عراق که تحت رهبری ایران هستند. نیروهای ایرانی و همچنین نیروهای حزب الله که در سوریه فعال هستند. در سوریه نیروهای پیشرفته عملیاتی روسی نیز حضور دارند، که اگر روسیه تصمیم بگیرد می‌توانند بطور چشمگیری آزادی عمل اسرائیل را در لبنان و سوریه بگیرند.

در سال‌های اخیر استراتژی اسرائیل در این منطقه به نام "مبارزات بین جنگ‌ها" شناخته شده است. تحلیلی درست از شرایط در زمینه‌های مختلف منجر به ارزیابی رهبران سیاسی و رهبران ارشد نظامی شد که با مدیریت صحیح می‌توانند خطرات و تهدیدهای پیش رو را کاهش دهند بدون آنکه وارد درگیری با مقیاس بزرگ شوند، چیزی که اسرائیل نمی‌خواهد.

این ارزیابی دقیق باعث فعالیت‌های عملیاتی مداوم، جسورانه و تخیلی شد که از سال ۲۰۱۳ شامل صدها حمله به مجموعه‌ای از اهداف در قلمرو سوریه و در صحنه‌های دیگر بوده است این فعالیت در درجه اول علیه انتقال سلاح‌های پیشرفته به حزب‌الله و در طول دو سال گذشته، همچنین علیه تلاش‌های بسیج نظامی ایران در سوریه و تلاش‌های آن برای ایجاد یک کریدور زمینی از ایران، از طریق عراق و سوریه به لبنان بود. در طول سال ۲۰۱۹ مشخص شد که سرزمین عراق نیز توسط ایران به عنوان یک پایگاه احتمالی برای حمله به اسرائیل با موشک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بررسی گسترده این استراتژی اسرائیل نشان می‌دهد که دستاوردهای مهمی به دست آورده است. در حالی که این امر منجر به خروج نیروهای ایرانی از سوریه نشده است (و به احتمال زیاد هدف این هدف بلند پروازانه را در وهله اول دنبال نکرده است)، نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که میزان تجمع نیروهای ایران کاهش یافته است، و ماهیت استقرار نیروها نیز ممکن است تحت تاثیر اقدامات اسرائیل قرار گرفته باشد. با این حال پس از هفت سال، به نظر می‌رسد که تلاقی عوامل منجر به وضعیتی شده است که در آن ارزش استراتژی فعلی اسرائیل به اوج خود رسیده است، با ریسک‌های بیش از حد مقابله می‌کند، و می‌تواند منجر به یک درگیری در مقیاس بزرگ و حتی جنگ شود. حزب‌الله هنوز هم مصمم و مهار شده است، اما مصمم به حفظ خطوط قرمز در مقابل اسرائیل (جلوگیری از حملات در قلمرو لبنان، و ظاهراً تلفات میان اعضای سازمان در سوریه) و تبدیل تعداد زیادی موشک و راکت در اختیار خود به سلاح‌های دقیق است. انتقال مرکز ثقل فعالیت‌های مربوط به پروژه موشکی هدایت دقیق از سوریه به لبنان بر چالشی که اسرائیل با آن مواجه است تاکید دارد. خطرات تشدید به وضوح توسط حوادث اواخر آگوست و اوایل سپتامبر ۲۰۱۹ نشان داده شد، به خصوص اگر اسرائیلی‌ها توسط موشک‌های ضد تانک حزب‌الله کشته می‌شدند. چنین افزایشی، اگر به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شود، می‌تواند در دو سناریوی اصلی تحقق یابد: «جنگ سوم لبنان» تنها با حزب‌الله در لبنان، که بسیار شدیدتر و مخرب‌تر از جنگ دوم لبنان خواهد بود؛ و «اولین جنگ شمالی» علیه حزب‌الله لبنان و همچنین علیه نیروهای سوریه و عراق، و شاید حتی ایران و کشورهای دیگر. در صورتی که ایران به اهداف اسرائیلی در پاسخ به ترور سلیمانی حمله کند، مقیاس سازی نیز می‌تواند گسترش یابد. در این سناریوها، انتظار می‌رود که اسرائیل با یک

موشک زمین‌به‌زمین بزرگ در جبهه داخلی مواجه شود، که برخی از آن‌ها موشک‌های با هدایت دقیق هستند؛ تلاش برای نفوذ نیروهای زمینی به قلمرو خود؛ و یک حمله شناختی گسترده برای تضعیف بنیه عمومی و اعتماد به رهبری سیاسی و نظامی.

خطرات تشدید همچنین اسرائیل را ملزم می‌کند تا یک بحث اساسی در مورد منافع کلی و خطرات تلاش‌ها برای جلوگیری از فرآیندهای تقویت متعارف دشمن انجام دهد (بر خلاف تلاش‌های انباشت هسته‌ای، که در آن توافق گسترده‌ای وجود دارد که در آن باید از زور برای جلوگیری از آن‌ها استفاده شود، همانطور که در دکترین شروع می‌شود). با توجه به پروژه موشکی هدایت دقیق، بحث باید آسیب احتمالی ناشی از استفاده از سلاح‌های دقیق را در مقابل امکانات (دفاعی و تهاجمی) برای اقدام علیه آن ارزیابی کند. در این چارچوب، یک بحث عمیق نیز باید در مورد ایده حمله پیشگیرانه به حزب‌الله و زمان‌بندی مناسب برای چنین حمله‌ای، در مواجهه با پیشرفت در پروژه دقیق صورت گیرد.

### روش‌های بررسی دقیق پروژه موشکی

- به مبارزه بین جنگ‌ها ادامه دهید - افزایش فعالیت برای آشکار کردن و حمله به «پروژه دقیق» به عنوان بخشی از مبارزه بین جنگ‌ها (در انواع حوزه‌ها). با این حال، اثربخشی این احتمال محدود است، و می‌تواند منجر به تشدید ناخواسته شود.
- دفاع - مبنا قرار دادن پاسخ بر روی قابلیت‌های دفاعی فعال (سیستم‌های دفاع هوایی) و قابلیت‌های منفعل (سپر). با توجه به دامنه و دامنه قابلیت‌های دشمن، این گزینه نمی‌تواند پاسخ کاملی ارائه دهد.
- بازدارندگی - مبنا قرار دادن پاسخ بر قابلیت‌های بازدارندگی اسرائیل و ایجاد آن‌ها در یک تهدید صریح و روشن با توجه به پیامدهای استفاده از سلاح‌های دقیق. با این حال، این احتمال شامل عدم قطعیت زیادی است، و تعداد موشک‌های دقیق می‌تواند بازدارندگی را خنثی کند، که تا حد زیادی به زمینه و شرایط درگیری بستگی دارد.
- ضربه پیش‌دستانه<sup>۱</sup> - مبنا قرار دادن پاسخ در مقیاس بزرگ حمله به سیستم سلاح دقیق و زیرساخت‌های تولید آن در آغاز جنگ، قبل از استفاده. با این حال، این گزینه شامل عدم قطعیت زیادی است و به هوش دقیق و عوامل اضافی بستگی دارد.
- حمله پیشگیرانه<sup>۲</sup>. حمله غافلگیرانه پیشگیرانه به حزب‌الله در زمانی که برای اسرائیل بهینه است. با این حال، نتایج چنین حمله‌ای، که می‌تواند به خوبی منجر به جنگ شود (با احتمال زیاد جنگ اول شمالی)، می‌تواند برای اسرائیل دشوار باشد.

1. Preemptive strike  
2. Preventive attack

## سیستم فلسطینی: ضعیف و نزدیک به تشدید

فصل پنجم سیستم فلسطین را مورد بحث قرار می‌دهد که به دو زیر سیستم تقسیم می‌شود: تشکیلات خودگردان فلسطین که بر کرانه باختری حکومت می‌کند و حماس که بر نوار غزه حکومت می‌کند. استراتژی دولت اسرائیل در طول دهه گذشته مدیریت درگیری به دنبال ممانعت از ایجاد یک دولت فلسطینی در کرانه باختری بوده است. با توجه به نوار غزه، اسرائیل (بدون یک جایگزین) در واقع اقدام کرده است تا حماس را به عنوان یک نهاد سیاسی - هرچند ضعیف - حفظ کند که هم بازیگران سرکش را محدود می‌کند و هم از حملات بزرگ مهار می‌شود. در عمل، سیاست اسرائیل در مورد تفکیک غزه از کرانه باختری بر علیه آشتی بین حماس و مجلس عمل می‌کند.

اهداف فوری تشکیلات خودگردان<sup>۱</sup> فلسطین بقاء، تثبیت حکومت فتح و تضمین میراث محمود عباس است. فتح که رهبری تشکیلات خودگردان را به عهده دارد، هدف انتقادات شدید قرار گرفته و در حال حاضر بر سر دوراهی قرار دارد: چگونه می‌توان بدون از دست دادن دستاوردهایی که از پیمان اسلو به دست آورده است، به سوی اهدافش پیش رفت. در حالی که گاه به گاه چهره‌های ارشد تهدید به از بین بردن تشکیلات خودگردان و «بازگرداندن کلیدها»<sup>۲</sup> به اسرائیل می‌شوند، اما در عمل به نظر می‌رسد که تشکیلات خودگردان در مورد چنین اقدامی محتاط است. هماهنگی بین نیروهای امنیتی خودگردان و ارتش اسرائیل، مطابق با منافع خودگردان در جلوگیری از وقوع خشونت و در پرتو رد مداوم عباس از مسیر تروریسم ادامه دارد. این امر علی‌رغم نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده حمایت فزاینده مردم فلسطین از مبارزه خشونت‌آمیز است. در عین حال، مساله فلسطین به تدریج مرکزیت خود را در گفتمان منطقه‌ای و بین‌المللی از دست می‌دهد.

در زیر این ظاهر، رقابت برای رهبری فلسطین در روز بعد از عباس در جریان است. حماس احتمالاً به تلاش برای تسلط بر نهادهای PA و نفوذ در صفوف ساف ادامه خواهد داد و سپس از عزیمت عباس برای عمیق‌تر کردن نفوذ خود در کرانه باختری استفاده خواهد کرد. اسرائیل توانایی به حداقل رساندن آسیب و حتی ارتقای فرصت‌ها را دارد. پس از خروج عباس، تا زمانی که رهبر بعدی «تاج‌گذاری» نکند، به تقویت رهبری کمک می‌کند که توسط دستگاه فتح یا در انتخابات عمومی انتخاب می‌شود.

حماس بین مسئولیت خود برای اداره نوار غزه و هویت آن به عنوان یک جنبش مقاومت گیر کرده است. از مارس ۲۰۱۸، پس از سه سال و نیم سکوت نسبی پس از عملیات تیغه حفاظتی<sup>۳</sup> (نامگذاری شده توسط نیروهای اسرائیلی) و عملیات بنیاد استوار (نامگذاری شده توسط

1. Palestinian Authority (PA)

2. return the keys

3. Operation Protective Edge

فلسطینی‌ها)، نوار غزه به یک انفجار شدید نزدیک شده‌است، حتی اگر اسرائیل و حماس علاقه‌ای به تشدید آن نداشته باشند. رهبری حماس در غزه انتخاب تشدید یا تنظیم را به اسرائیل ارائه کرده‌است. این امر امکان تنظیم محدود با اسرائیل را فراهم کرد که شامل اجازه دادن به پول قطر به غزه، در عوض تعهد به کاهش مقاومت مردمی در امتداد حصار است. در پشت سر هم، رهبران حماس در حال تشدید بازدارندگی نظامی خود علیه اسرائیل هستند - این سازمان در پاسخ به فعالیت نظامی اسرائیل، به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل در مذاکرات، به منظور تسهیل وضعیت غیر نظامی در غزه، شروع به تیراندازی موشکی می‌کند. مصر نقش مرکزی در ثبات غزه دارد و خود را به عنوان میانجی انحصاری بین اسرائیل و حماس و جهاد اسلامی قرار داده‌است.

گزینه ارجح و امکان پذیر برای پیشبرد منافع امنیتی اسرائیل، آتش‌بس طولانی مدت بین اسرائیل و حماس با میانجیگری مصر است. آتش‌بس از این نوع (به شکل «توافق») شامل کاهش قابل ملاحظه بسته شدن غزه و پیشبرد پروژه‌های زیربنایی خواهد بود. اگر اسرائیل و حماس به توافق بر سر آتش‌بس گسترده نرسند و آن را اجرا نکنند، احتمال درگیری‌های بزرگ نظامی در نوار غزه افزایش خواهد یافت. برای اطمینان، یک توافق پس از جنگ گسترده نظامی به اسرائیل اجازه داد تا از یک موقعیت سودمندتر و با بازدارندگی تقویت شده در مقابل حماس، با این حال با هزینه آسیب زیاد و زیان‌های زیاد، به آتش‌بس دست یابد. علاوه بر این، این تردید وجود دارد که آیا به اسرائیل شرایط مذاکره بهتری نسبت به آنچه که در حال حاضر می‌توان به آن دست یافت، می‌دهد یا خیر. از راه‌های جایگزین قبل از اسرائیل، هیچ راهی برای جلوگیری از تجمع نظامی توسط حماس یا جهاد اسلامی در طول زمان وجود ندارد، اما یک توافق، بهبود وضعیت امنیتی در پیرامون غزه و توجه به وضعیت بشر دوستانه در نوار غزه را ممکن می‌سازد.

پیامدهای بحران استراتژیک در سیستم فلسطین به نفع اسرائیل نیست و احتمال افزایش شدت جنگ در نوار غزه و کرانه باختری وجود دارد. با این حال، وضعیت فعلی اسرائیل را قادر می‌سازد تا معماری مطلوب تری از روابط با فلسطینی‌ها، حتی بدون توافق جامع، ترویج جدایی سیاسی، ارضی و جمعیتی و یک نهاد مستقل و متمایز فلسطینی در کرانه باختری را شکل دهد. این امر، همراه با گام‌های محدود در یک قرار داد در نوار غزه، حداقل به تعویق انداختن درگیری آینده را ممکن می‌سازد. برای رسیدن به این هدف، اسرائیل باید در طول دو کانال عمل کند:

- اولین هدف، تقویت تشکیلات خودگردان فلسطین به عنوان تنها نهاد مشروع برای توافق آینده، و تنظیم یک هدف سیاسی برای دستیابی به ترتیبات انتقالی است که تفکیک را شکل داده و شرایط را



برای واقعیت آینده دو کشور براساس طرح موسسه مطالعات امنیت ملی<sup>۱</sup>، یک چارچوب استراتژیک برای منطقه اسرائیلی - فلسطینی طرح‌ریزی می‌کند.

• دومین این است که حماس را به عنوان نهادی که به طور موقت مسئول نوار غزه است ببینیم و در ازای منافع اقتصادی قابل توجه، به آتش بس گسترده با آن دست یابیم.

### جامعه اسرائیل: چالش‌های سازگاری اجتماعی

فصل ششم جامعه اسرائیل را در سال ۲۰۱۹ مورد بحث قرار می‌دهد که در درجه اول با پیامدهای گسترده بحران سیاسی در حال پیشرفت پس از دو دور انتخابات ملی و آماده‌سازی برای دور سوم در مارس ۲۰۲۰ مشخص می‌شود.

این بن‌بست انتخاباتی شامل ناتوانی در تشکیل دولت ائتلافی، و محدود کردن عملکرد منظم ادارات دولتی و توانایی دولت انتقالی برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل بحرانی بود. به دنبال آن، سال ۲۰۱۹ با گسترش مناقشات عمومی ناشی از جهان‌بینی‌های مختلف، به ویژه با توجه به توازن لازم بین ارزش‌های ملی و مذهبی و آرمان‌های دموکراتیک، لیبرال و سکولار مشخص شد.

سال گذشته نیز شاهد تضعیف بیشتر حس همبستگی در جامعه اسرائیل بودیم. این امر با شکاف اقتصادی - اجتماعی بین فقیر و غنی و بین مرکز و پیرامون مشخص می‌شود. به طور کلی به نظر می‌رسد که حتی اگر اسرائیل کشوری با قدرت داخلی قابل توجه باشد، سال گذشته نشانه‌های نگران‌کننده‌تر را مشاهده کرده‌است که به روند تسریع شده تضعیف همبستگی اجتماعی در گروه‌های اجتماعی، بین گروه‌های اجتماعی و دولت، و بین فرد و دولت اشاره می‌کند.

تحت شرایط یک درگیری گسترده نظامی، بسیج عمومی و تظاهرات حمایت از ارتش اسرائیل مانند گذشته انتظار می‌رود. با این حال، درگیری‌های طولانی‌مدت و تعداد زیاد تلفات و خسارات به جبهه داخلی، بدون آمادگی کافی شهروندان، ممکن است مقاومت اجتماعی را تضعیف کند. این امر می‌تواند در توانایی‌های اقتصادی و مدنی دولت برای مدیریت موفق زندگی روزانه در طول زمان‌های اضطراری و حفظ تداوم عملکردی در طول یک درگیری منعکس شود، و حتی می‌تواند فرآیند بهبود بعدی را مختل کند. بنابراین، اسرائیل باید در تلاش‌های آماده‌سازی سیستم گسترده، مطابق با یک برنامه بلند مدت سرمایه‌گذاری کند، به طوری که آمادگی جبهه غیر نظامی در اسرائیل را از طریق ساخت و توانمندسازی مکانیسم‌های مقاومت جدید و موجود تقویت کند.

1. The Institute for National Security Studies (INSS)

روابط حساس دولت اسرائیل با اقلیت عرب، نوسانات و تغییرات عمیقی را تجربه کرده است. این رابطه با سه گرایش اصلی که مملو از تناقضات داخلی است شکل می گیرد: اول، آرزوی روشن در میان اعراب در اسرائیل، به ویژه در میان نسل جوان، برای یکپارچگی مدنی و حتی سیاسی، همراه با تمایل آن‌ها به حفظ هویت ملی جداگانه است. دومی دشمنی و فاصله بخش بزرگی از مردم یهودی نسبت به اقلیت عرب را نشان می دهد. روند سوم اجرای نسبتاً موفق تصمیم دولت در توسعه اقتصادی جمعیت‌های اقلیت در اسرائیل ۲۰۲۰ - ۲۰۱۶ است (تصمیم ۹۲۲)، که در حال حاضر به تسریع ادغام جامعه عرب در بافت اجتماعی اسرائیل کمک کرده است. یک آزمون اساسی از روابط حساس دولت با بخش عرب این خواهد بود که چگونه به افزایش خشونت و جنایت در جامعه می پردازد. موفقیت احتمالی در این زمینه حیاتی تا حد زیادی به تلاش‌های مشترک - هنوز در مراحل اولیه خود - بین موسسات دولتی و جامعه عرب و رهبران آن بستگی دارد.

## محیط عملیاتی: قابلیت‌های جدید محور رادیکال شیعه

فصل هفتم محیط عملیاتی را مورد بحث قرار می دهد و به طور عمده بر بهبود قابلیت‌های نظامی دشمنان اسرائیل - به خصوص آن‌هایی که به محور رادیکال شیعه تعلق دارند - همانطور که امسال توسط حمله ایران به تاسیسات نفتی در عربستان سعودی تاکید شد. این پیشرفت، نتیجه چندین تلاش نظامی مرتبط به هم است: افزایش تعداد موشک‌ها و راکت‌ها، هم به منظور بهبود قابلیت زنده ماندن سازمانی و هم به منظور اشباع سیستم‌های دفاع هوایی اسرائیل؛ تلاشی برای مسلح شدن به راکت‌ها و موشک‌های هدایت‌شونده دقیق که بتوانند به مناطق غیرنظامی آسیب‌پذیر (برق، گاز و دیگر زیرساخت‌های ملی) و سایت‌های نظامی آسیب‌پذیر (پایگاه‌های نیروی هوایی و مکان‌های فرماندهی نظامی) حمله کنند؛ هواپیماهای بدون سرنشین و سایر وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین نیز به منظور حملات دقیق؛ بهبود اقدامات دفاعی هوایی به منظور خنثی کردن تاثیر نیروی هوایی اسرائیل، با توجه به نقش محوری شناخته‌شده آن در دکترین جنگی اسرائیل؛ بهبود سیستم‌های دفاعی ساحلی و جنگ دریایی؛ توسعه قابلیت‌های سایبری؛ و برنامه‌هایی برای عملیات نیروهای زمینی در قلمرو اسرائیل، از جمله تونل‌های حمله (که برخی از آن‌ها در سال جاری در معرض خطر قرار گرفته و خنثی شده‌اند)، به منظور مختل کردن قابلیت‌های تهاجمی و دفاعی ارتش اسرائیل و افزایش آسیب‌پذیری به جبهه داخلی اسرائیل.

این تلاش‌های انباشت نیروهای نظامی ظاهراً به یک تغییر اساسی در جریان یک تفکر نظامی کسانی که با محور شیعه رادیکال شناخته شده‌اند، مرتبط است. این تغییر آن‌ها را از یک دکترین پیروزی براساس فرسایش جمعیت اسرائیل (پیروزی با عدم شکست<sup>۱</sup>) به دکترین متفاوتی هدایت می‌کند که به دنبال آسیب رساندن به زیرساخت‌های ملی اسرائیل و قابلیت‌های ضروری نظامی از عرصه‌های مختلف (لبنان، سوریه، عراق و شاید یمن) به منظور تضعیف سیستم اسرائیل و از بین بردن تعادل آن است. توصیه‌های اصلی این فصل نهایی کردن و تامین بودجه یک برنامه چند ساله برای IDF است؛ آماده شدن برای جنگ چند منطقه‌ای به عنوان سناریوی مرجع اولیه؛ شکاف‌های بسته در انتظارات عمومی از جنگ در عصر حاضر، هزینه‌های آن و نتایج احتمالی آن؛ و از دیدگاه طرح چند ساله IDF و یک چشم‌انداز ملی وسیع‌تر، بحث در مورد مفاهیم پیروزی و تصمیم نظامی در عصر حاضر را عمیق‌تر می‌کند - همه در چارچوب احتمالات ارائه‌شده توسط فناوری‌های پیشرفته.

## دینامیک مقیاس پذیری

آیا دو طرف که علاقه‌ای به تشدید جنگ ندارند، می‌توانند به یک درگیری گسترده و حتی یک جنگ کشیده شوند؟ در حالی که به نظر می‌رسد احتمال کمی وجود دارد، در عمل، افزایش غیر عمدی یک واقعیت تاریخی است که حتی منجر به برخی از جنگ‌های اسرائیل (اخیراً عملیات تیغه حفاظتی) شده است. تشدید ناخواسته می‌تواند ناشی از محاسبات غلط دشمن، شناسایی اشتباه آستانه تشدید، و انحرافات مفهومی در فرآیند تصمیم‌گیری باشد. این موارد با مشکلات فزاینده برای تشخیص بین اقدامات تهاجمی و دفاعی و معضل استفاده یا از دست دادن دارایی‌های ضروری به هم متصل می‌شوند. ماهیت چرخشی فعالیت، واکنش و واکنش متقابل، ممکن است چنین افزایشی را ایجاد کند، حتی اگر با سیاست‌ها و منافع دو طرف مخالف باشد. این نوع پویایی می‌تواند در سال ۲۰۲۰ در میدان شمالی و نوار غزه رخ دهد.

## جمع بندی

مرسوم است که فرض کنیم بازدارندگی اسرائیل در برابر جنگ یا درگیری در مقیاس بزرگ هنوز پایدار است. در واقع، همه دولت‌ها و سازمان‌های اطراف اسرائیل به خوبی از قدرت آن و آسیبی که در صورت چنین درگیری متحمل می‌شوند آگاه هستند. بنابراین، آن‌ها ترجیح می‌دهند از درگیری در مقیاس بزرگ با اسرائیل و قطعاً از جنگ خودداری کنند.

1. victory by non-defeat



با این حال، برخی عوامل نشان می‌دهند که چنین کشمکش می‌تواند با این حال در سال ۲۰۲۰ رخ دهد: طرح‌های مشکل‌ساز توسط برخی از احزاب (پروژه موشکی هدایت دقیق حزب‌الله، استحکامات ایران در عرصه‌های مختلف، و تلاش‌های حماس برای تحمیل ترتیبات بر اسرائیل با توجه به شرایط سازمان) اسرائیل را به اقدامات پیشگیرانه که می‌تواند منجر به تشدید درگیری شود، سوق می‌دهد. افزایش خطرات در قالب عملیاتی فعلی اسرائیل در مبارزات بین جنگ‌ها و تغییر در سیاست واکنش ایران و دیگران به اقدامات اسرائیل؛ درگیری احتمالی بین ایران و ایالات متحده که ممکن است شامل اسرائیل شود؛ و سال‌هایی که از جنگ‌های ۲۰۰۶ (در لبنان) و ۲۰۱۴ (در غزه) گذشته‌است به طور طبیعی منجر به تضعیف عوامل بازدارنده می‌شود. در کنار این تهدیدها، اسرائیل باید با چالش‌های نفوذ خارجی در فرایندهای سیاسی مقابله کند. دشواری تبیین واقعیت و تصمیم‌گیری در عصر «پس از حقیقت» و «اخبار جعلی»؛ و حمایت از سرمایه‌های فکری و فناوری آن در برابر نفوذ خارجی. بنابراین اسرائیل با عرصه‌های فعال و مجموعه‌ای از مسائل راهبردی و عملیاتی چالش برانگیز مواجه است. یک ارزیابی استراتژیک نیاز فوری به یک استراتژی بزرگ به روز و جامع اسرائیل را نشان می‌دهد که می‌تواند مانع از تهدیدات موجود و در حال ظهور بدون تشدید جنگ و درگیری در مقیاس بزرگ شود. هفت فصل ارزیابی، نوشته شده توسط محققان INSS، شرایط پیچیده در عرصه‌های مختلف را توصیف کرده و شامل توصیه‌هایی در مورد اقدامات اسرائیل می‌باشد. فصل آخر توسط سرلشکر (بازنشسته) آموس یادلین، رئیس INSS، مجموعه‌ای از توصیه‌ها را ارائه می‌دهد تا اسرائیل را قادر سازد تا با تصویر پیچیده، شکل دادن به محیط عملیاتی و تقویت مقاومت داخلی خود، به منظور تحقق اهداف امنیت ملی خود، کنار بیاید.

### امنیت ملی، اخبار جعلی و نبرد شناختی در عصر دیجیتال

عصر کنونی به طور سنتی به عنوان عصر پس از حقیقت و اخبار جعلی نامیده می‌شود که در آن باورها، عقاید و احساسات تاثیر بیشتری نسبت به حقایق دارند. در این عصر، انتشار دروغ‌ها، تحریفات، خطاها، نیزه‌ها، و تئوری‌های توطئه آسان است. چارچوب‌های تصمیم‌گیری امنیت ملی نسبت به این پدیده‌ها مصون نیستند و باید با دشواری فزاینده‌ای برای کشف رمز و درک واقعیت دست و پنجه نرم کنند و از آن پس تصمیمات درستی بگیرند. این مشکل نتیجه یک عامل نیست بلکه از تلاقی عناصر مربوط به تغییرات سیاسی، تکنولوژیکی، اجتماعی و مفهومی در دوران معاصر ناشی می‌شود. این تغییرات، نبرد شناختی میان تصمیم‌گیرندگان و عموم مردم را به یک عنصر مرکزی در درگیری‌های سیاسی و نظامی تبدیل می‌کند.

## خلاصه وضعیت استراتژیک اسرائیل ۲۰۲۰ - ۲۰۱۹

| گرایش‌های منفی  | گرایش‌های مثبت  |
|---|---|
| <p>از سوی دیگر، اسرائیل در تبدیل قدرت خود به دستاوردهای سیاسی موفق نبوده و فاقد یک استراتژی کامل و منسجم برای مقابله با بسیاری از چالش‌ها و ویژگی‌های متنوع آن‌ها است. محور رادیکال شیعیه محکم، تهاجمی است و ابزارهای مختلفی را علیه اسرائیل به کار می‌گیرد؛ ایران در فعالیتهای نظامی و برنامه هسته‌ای خود جسارت نشان داده‌است؛ توجه بین‌المللی به خاورمیانه کاهش یافته و با آن تمایل به کمک به حل مشکلات منطقه‌ای کاهش یافته است. نوسانات زیادی در سیستم فلسطین وجود دارد، تا حدی با توجه به بن‌بست سیاسی در مقابل دولت فلسطین، پریشانی عمیق در نوار غزه، و محدودیت‌های توافق با حماس؛ پروژه موشکی هدایت دقیق به رهبری ایران با وجود تلاش برای مسدود کردن آن پیشرفت کرد. احتمال افزایش چند صحنه در پی فعالیت اسرائیل در جنگ افزایش یافته است و در این زمینه ایران و حزب‌الله شروع به استفاده از نیروی نظامی در پاسخ به فعالیتهای اسرائیل کرده‌اند. مقاومت اجتماعی اسرائیل رو به کاهش است و جبهه داخلی برای آسیب گسترده در درگیری‌های نظامی آماده نیست؛ و بحران سیاسی مداوم در اسرائیل فلج‌کننده است و از امکان گرفتن تصمیمات جدی جلوگیری می‌کند.</p> | <p>از یک طرف، وضعیت استراتژیک اسرائیل قوی و پایدار به نظر می‌رسد. بازدارندگی جنگی اسرائیل به خوبی تثبیت شده‌است و احتمال حمله عمدی در مقیاس بزرگ توسط دشمنان مختلف پایین به نظر می‌رسد؛ هیچ تهدید جدیدی وجود ندارد و تهدید قراردادی محدود باقی می‌ماند؛ اتحاد با آمریکا در حال افزایش است (به ویژه در پرتو ترور سلیمانی)، در حالی که اسرائیل موفق به حفظ روابط خوب با روسیه و چین نیز می‌شود. اسرائیل در به تاخیر انداختن برخی از تلاش‌های جبهه‌گیری ایران در خاورمیانه موفق بوده‌است (و ترور سلیمانی ممکن است این روند را تشدید کند)؛ همکاری با کشورهای عربی عملگرا (اردن، مصر و کشورهای خلیج فارس) به خوبی تثبیت شده‌است، در حال توسعه است و در برخی موارد حتی عمومی است؛ مدیریت اسرائیل در مساله فلسطین از طریق جدایی کرانه باختری از نوار غزه، آزادی سیاسی و نظامی عملیات آن را محدود نمی‌کند؛ سطح ترور یسم فلسطین در کرانه باختری نسبتا پایین است و حماس از اعمال نیروی قابل توجهی در نوار غزه منع می‌شود؛ اقتصاد اسرائیل ثابت است؛ و دارایی‌های اسرائیل در فناوری، قلمرو سایبری، و مقابله با تروریسم در خاورمیانه و جهان به رسمیت شناخته شده‌است.</p> |

## تحولات احتمالی در سال ۲۰۲۰

شکست ایران در مورد مساله هسته‌ای که مدت زمان لازم برای دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای را کوتاه می‌کند؛ آغاز مذاکرات و شاید حتی انعقاد یک توافق ظاهراً بهبود یافته بین غرب و ایران در مورد مساله هسته‌ای؛ یک «پویایی تشدید» غیر عمدی در مقابل ایران و در عرصه شمالی به دنبال فعالیت اسرائیل یا آمریکا در مبارزات بین جنگ‌ها، که منجر به یک درگیری بزرگ و حتی جنگ خواهد شد؛ پیشرفت پروژه موشکی هدایت دقیق حزب‌الله، تا حد آغاز تولید صنعتی در خاک لبنان؛ اعمال نیروی نظامی علیه اسرائیل تحت رهبری ایران از سوریه، عراق یا یمن؛ اعمال نیروی نظامی ایران از قلمرو ایران علیه اسرائیل؛ عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از منطقه و افزایش حضور و نفوذ روسیه؛ بازسازی مستمر سیستم نظامی سوریه از جمله در زمینه سلاح‌های شیمیایی؛ توافقی با حماس در غزه که اعمال نیروی اسرائیل را محدود خواهد کرد و می‌تواند بحرانی را با دولت فلسطین ایجاد کند؛ تضعیف بیشتر PA تا حد هرج و مرج دولتی در کرانه باختری، با مساله جانشینی مورد بحث؛ بحران انسانی در نوار غزه که می‌تواند حماس را به سمت اعمال نیروی نامحدود علیه اسرائیل سوق دهد؛ و تشدید و درگیری‌های گسترده علیه غزه در پی فعالیت گروه‌های سرکش، بر خلاف موقعیت حماس.

## توصیه‌های اصلی

سرلشکر (بازنشسته) آموس یادلین<sup>۱</sup>، رئیس سرویس امنیت ملی، با جزئیات بیشتر در ارزیابی خالص مورد بحث قرار گرفت.

۱. با توجه به ایران، گفتگو با ایالات متحده، بحث در مورد سناریوهایی که برای اسرائیل مشکل ساز هستند (پیشروی به سمت سلاح‌های هسته‌ای، به ظاهر بهبود یافته، و تشدید نظامی)؛ و به موازات آن یک گزینه معتبر برای حمله به ایران آماده کنید.
۲. روش‌ها، حوزه‌ها، و میزان فعالیت در مبارزات بین جنگ‌ها، که قالب فعلی آن‌ها پتانسیل دستیابی به دستاوردها را بدون تشدید جنگ و حتی جنگ در مقیاس بزرگ به چالش می‌کشد؛ بحث عمیقی درباره حمله پیشگیرانه علیه پروژه موشکی دقیق حزب الله در مقابل سایر گزینه‌ها انجام دهید.
۳. آماده شدن برای یک جنگ چند منطقه‌ای (جنگ اول شمالی) به عنوان سناریوی اصلی مرجع، و کاهش شکاف‌های انتظارات عمومی در مورد ماهیت جنگ و نتایج احتمالی آن؛ شروع یک تلاش سیاسی و نظامی برای جلوگیری از جنگ و به طور کامل از بین بردن جایگزین‌های دیگر برای پیشبرد اهداف اسرائیل در منطقه شمالی.

1. Amos Yadlin

۴. تقویت تشکیلات خودگردان فلسطین به عنوان تنها نهاد مشروع برای توافق آینده، و تعیین یک هدف سیاسی از توافقات انتقالی که تفکیک را شکل می‌دهد و شرایط را برای واقعیت دو دولتی ترسیم می‌کند (طرح INSS).
۵. حماس را به عنوان نهادی که موقتاً مسئول نوار غزه است، شناسایی کرده و با آن، در ازای بهبود اوضاع غیرنظامی و زیرساخت های غزه، همراه با تلاش برای کاهش تجمع نظامی حماس، به یک آتش بس طولانی برسید. در صورت درگیری - تمرکز بر اقدامات ارتش اسرائیل را بر ایجاد یک ضربه شدید به جناح نظامی حماس.
۶. تقویت روابط استراتژیک با ایالات متحده در قالبی که آزادی عمل اسرائیل را محدود نکند، و حمایت دو جانبه از اسرائیل را بازیابی کنید.
۷. حفظ کانال های گفتگو و هماهنگی استراتژیک با روسیه؛ توسعه روابط با چین، با هماهنگی نزدیک با ایالات متحده، و گسترش پایه تخصصی اسرائیل در چین؛ تقویت روابط با اروپا.
۸. اصلاح روابط دوباره با اردن و گسترش همکاری با دولت های سنی عملگرا در خاورمیانه با آگاهی از محدودیت های آن.
۹. یک برنامه چند ساله برای ارتش اسرائیل را نهایی کرده و بودجه بندی کنید. به عنوان بخشی از طرح و از منظر ملی، به پالایش بحث پیرامون معنای پیروزی و تصمیم گیری نظامی در عصر کنونی ادامه دهید. تقویت آمادگی جبهه غیرنظامی اسرائیل با ایجاد و تقویت مکانیسم های مقاومتی جدید و موجود.
۱۰. ادامه تقویت مزیت نسبی اسرائیل در زمینه امنیت سایبری و فناوری هوش مصنوعی، به عنوان راهی برای ارتقاء سطح کیفی نظامی اسرائیل و به عنوان مولفه مرکزی تقویت اقتصاد آن و جایگاه بین المللی.

## ۱. رقابت ابرقدرت‌ها و مشکلات عملکردی سیستم بین‌المللی

آصف اوریون<sup>۱</sup>، الداد شاویت<sup>۲</sup>، شهر ایلام<sup>۳</sup> و روتیم اورگ<sup>۴</sup>



| توصیه‌ها:  | نگاهی کوتاه:  |
|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>● بهبود هماهنگی با ایالات متحده، ضمن تلاش برای پشتیبانی هر دو حزب</li> <li>● از روسیه: گفتگوی مداوم</li> <li>● در برابر چین: پیشرفت دقیق</li> <li>● در برابر اروپا: احیای گفتگوی استراتژیک با اتحادیه اروپا.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>● رقابت استراتژیک میان قدرت‌های جهانی، در حالی که آن‌ها با چالش‌های داخلی رو به رشد رو به رو هستند،</li> <li>● تمرکز ایالات متحده بر آسیا با یک روند شتاب زده چرخش به سمت داخل، در آغاز یک سال انتخابات دوقطبی.</li> </ul> |

1. Assaf Orion  
2. Eldad Shavit  
3. Shahar Eilam  
4. Rotem Oreg



## رقابت استراتژیک در منطقه بین‌المللی

پس از سه دهه تسلط ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت جهانی، سومین دهه قرن بیست و یکم در میان رقابت‌های استراتژیک در عرصه بین‌المللی در سطوح مختلف آغاز می‌شود. کشورها، سازمان‌ها و شرکت‌های بین‌المللی بخشی از این رقابت هستند که توسط قدرت‌های جهانی رهبری می‌شود: ایالات متحده که هنوز از نظر منابع و توانایی‌ها قوی‌ترین کشور جهان است؛ چین که از قدرت اقتصادی خود به عنوان اهرمی برای نفوذ سیاسی و افزایش قدرت نظامی استفاده می‌کند، حتی اگر نرخ رشد آن کند شده باشد؛ روسیه که پوتین، رئیس‌جمهور آن با چالش‌های پیچیده داخلی دست و پنجه نرم می‌کند؛ و اتحادیه اروپا که در حال مبارزه با مسائل مهاجرت و برگزیت و چالش‌های مختلف روسیه است.

در حالی که هسته رقابت با تضمین نیازهای اساسی بشر (آب، غذا، انرژی و شرایط آب و هوایی پایدار)، بر خلاف تلاش‌های دهه‌های گذشته برای تقویت همکاری، در عصر حاضر بدیهی است که بازیگران در سیستم بین‌المللی برای پیشبرد منافع محدود و دستیابی به برتری عمدتاً از طریق چهار بعد مکمل رقابت: ایدئولوژی و سیاست (هنجارها، ارزش‌ها، حقوق، نهادها) تلاش می‌کنند؛ اقتصاد (تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی، حمل و نقل، ابزار تولید، زیرساخت)؛ فناوری و نوآوری (هوش مصنوعی، ارتباطات پیشرفته، محاسبات کوانتومی، داده‌ها)؛ و دفاع (رباتیک و سلاح‌های خودمختار، سایبری، رقابت فضایی، کنترل سلاح‌های کشتار جمعی).

به عنوان بخشی از این رقابت، «نظم بین‌المللی لیبرال» - به رهبری ایالات متحده، و از زمان پایان جنگ جهانی دوم وجود داشته‌است - به تدریج به چالش کشیده شده‌است و عمدتاً توسط چین و روسیه و همچنین توسط دولت ترامپ تضعیف شده‌است. در عین حال، بسیاری از دولت‌ها در تلاش برای بازیابی کنترل بر حاکمیت و رهبری در حوزه‌هایی هستند که به عنوان بخشی از فرآیندهای جهانی‌سازی از آن‌ها سلب مالکیت شده بود.

سیستم بین‌المللی کنونی تقسیم‌بندی و قطبی شده‌است و در سراسر جهان رهبران پوپولیستی بیشتری ظهور کرده‌اند و سیاست انزوا گرایی، انزوای ملی، ضد جهانی شدن و از بین رفتن هنجارهای لیبرال را پیش برده‌اند. این فرایندها تاثیر مستقیمی بر محدودیت‌های عملکرد، توجه و تمایل به سرمایه‌گذاری منابع در زمینه‌های بین‌المللی دارند. توافقنامه‌هایی که در گذشته به دست آمدند بازگشایی و نقض شدند (آب و هوا، موسسات، کنترل تسلیحات، درگیری‌ها)، و کاهش تمایل به همکاری، کنار آمدن با مشکلات موجود و آینده و با چالش‌های مرزی را دشوار می‌سازد. در پس زمینه، انتظار کاهش اقتصاد

جهانی و احتمالاً یک بحران اقتصادی وجود دارد، تا حدی به دلیل افزایش رقابت که به رقابت تبدیل شده است که نه تنها در جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین، بلکه بین دیگر شرکای تجاری و اقتصادی نیز انعکاس یافته است.

این قطبی شدن جهانی تا حدی تحت تاثیر چالش‌های داخلی عمده‌ای است که هر یک از چهار قدرت جهان با آن مواجه هستند: ایالات متحده در حال ورود به یک سال انتخاباتی آشفته است که روندهای موجود قطبی شدن داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و رویکرد انزواگرایانه‌ای را تشدید می‌کند که تلاش دارد سرمایه‌گذاری در امور خارجی را کاهش دهد، به جز برای هدف کوتاه‌مدت منافع سیاسی؛ چین با ادامه رشد اقتصادی و تکنولوژی خود، همراه با افزایش قدرت و گسترش نفوذ در عرصه خارجی، با کاهش رشد و چالش‌های ثبات داخلی روبرو است و منابع خود را برای تشدید کنترل در عرصه داخلی کنترل می‌کند؛ در روسیه، چالش‌های داخلی و خستگی عمومی در مورد ماجراهای بین‌المللی، آن‌هایی را که در کرملین به دنبال آشتی با غرب هستند تقویت می‌کند، در حالی که از بحران‌هایی مانند اوکراین و سوریه به عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده می‌کنند و در اروپا، ثبات با چالش‌های داخلی تضعیف می‌شود (گسترش شکاف‌های اقتصادی بین جمعیت، پناهندگان و مهاجرت، قدرت رو به رشد افراط‌گرایان در جناح راست و چپ، و تشدید بحث بین طرفداران اتحادیه و کسانی که از ملی‌گرایی حمایت می‌کنند، که بحران برگزیت برجسته‌ترین نماد آن است). علاوه بر این، تغییراتی در تعادل قدرت درون اروپایی (پایان دوره مرکل و افزایش جایگاه ماکرون) و گفتمان رو به رشد در مورد نیاز به کاهش دفاعی و وابستگی اقتصادی به ایالات متحده وجود دارد.



خاورمیانه به دلیل محدودیت های داخلی مربوطه، نگرانی های درهم تنیدگی نظامی و مهمتر از همه، افزایش اهمیت شرق آسیا، در بین بازیگران برجسته بین المللی از اولویت های نزولی است.

به طور کلی، اهمیت خاورمیانه در میان بازیگران بین المللی پیشرو به دلیل محدودیت های داخلی، نگرانی های مربوط به درهم تنیدگی نظامی، و مهمتر از همه، افزایش اهمیت شرق آسیا، نزول کرده است. در نتیجه، منطقه عمدتاً به عنوان منطقه ای برای پوشش ریسک یا بهره برداری از فرصت های محلی در نظر گرفته می شود. تمایل ایالات متحده به سرمایه گذاری نظامی و سیاسی در منطقه کاهش یافته است، در حالی که علاقه چین به این منطقه عمدتاً اقتصادی است. استقلال انرژی ایالات متحده دلیل دیگری برای کاهش علاقه به خاورمیانه است. گروه هایی که به دنبال عقب نشینی تدریجی آمریکا - شامل خروج نیروها از شمال شرق سوریه، امکان کاهش نیروها در عراق، و حتی مذاکرات با طالبان در افغانستان - ایجاد شدند تا حدودی توسط روسیه (در خلیج فارس، سوریه، لیبی و ترکیه)، چین (در افغانستان) و اروپا (در فعالیت دیپلماتیک در مقابل ایران و در تامین امنیت حمل و نقل در خلیج فارس) پر شده اند.



ماکرون، رئیس جمهور فرانسه و مرکل، صدر اعظم آلمان در اجلاس جی ۲۰ در اوساکا، ژوئن ۲۰۱۹. اروپا در آستانه دوران پس از مرکل

با این حال، هنوز مشخص نیست که این اقدام شواهدی از تمایل سیاست های ایالات متحده در قبال یک کارزار نظامی پیشگیرانه علیه فعالیت های منطقه ای ایران است.

ترور هدفمند قاسم سلیمانی این پتانسیل را دارد که به درگیری گسترده ای بین آمریکا و ایران منجر شود. با این حال هنوز مشخص نیست که آیا این اقدام شواهدی از تمایل سیاست های ایالات متحده در قبال یک کارزار نظامی پیشگیرانه علیه فعالیت های منطقه ای ایران است یا خیر. متناوباً، این ممکن است یک اقدام مشخص باشد که برای اهداف پیشگیری و بازدارندگی انجام شده است که برای تعیین تلفات سنگین فعالیت های عناصر طرفدار ایران به رهبری سلیمانی طراحی شده بود، از جمله مرگ یک

شهروند آمریکایی (۲۷ دسامبر ۲۰۱۹) و حمله به سفارت آمریکا در بغداد در ۳۱ دسامبر. این رویداد باعث اعزام نیروهای آمریکایی بیشتر به منطقه شد، اما ممکن است پویایی ایجاد کند که منجر به خروج نیروهای آمریکایی از عراق و افزایش نفوذ ایران در آنجا شود.

## مفاهیم ضمنی برای اسرائیل

سیاست « فشار حداکثری » دولت ترامپ مشکلات اقتصادی شدیدی را برای ایران ایجاد کرد که منجر به اعتراضات گسترده در ایران و کاهش منابع موجود برای پیشبرد تلاش‌های منفی در منطقه شد. با این حال، این استراتژی تاکنون به هدف خود دست نیافته است و بعید است که به تنهایی تغییر مورد نظر در سیاست ایران را به همراه داشته باشد. تا زمان ترور سلیمانی، بسیج منطقه‌ای و براندازی ایران پاسخ بین‌المللی قابل توجهی دریافت نکرد و برای دشمنان ایران به ویژه اسرائیل باقی ماند. مفاهیم گسترده‌تر ترور هدفمند هنوز روشن نیست. کشورهای اروپایی، چین و روسیه نیز به نوبه خود همچنان به ایجاد کانال دیپلماتیک با ایران امید دارند.

مناقشه اسرائیل و فلسطین به حاشیه توجه بین‌المللی (از جمله ایالات متحده و اروپا) سقوط کرده است و تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری منابع سیاسی در آن وجود دارد. در نتیجه، سیاست اسرائیل در مورد این مساله اهمیت بیشتری به عنوان عامل شکل‌دهی اصلی دارد. با این حال، تمایل آمریکا به دستاوردهای پیش از انتخابات می‌تواند دولت را وادار کند تا به دنبال توافقات جزئی سریع (در مورد ایران، مساله فلسطین، و چین) با دید بالا باشد که لزوماً با منافع اسرائیل همخوانی ندارد.

در کنار چالش‌های رو به رشد، اسرائیل دارای «برابری دوگانه»<sup>۱</sup> برای ابرقدرت‌ها در مزایای نسبی ورزشی در زمینه‌های کلیدی (فناوری، نظامی، سایبری، ضد تروریسم) است در حالی که پتانسیل ایجاد آسیب و تشدید را دارد. با وجود روابط نزدیک با دولت ترامپ، اسرائیل می‌تواند خود را در افزایش اصطکاک با ایالات متحده در پرتو عوامل متعدد بیابد: مواضع مختلف و منافع متناقض، مانند تعمیق روابط با چین - رقیب اصلی ایالات متحده - در تجارت، نوآوری و فناوری؛ ابتکارات سیاسی آمریکا در مورد موضوعات اصلی اسرائیل (ایران و فلسطین) که می‌تواند با مواضع و منافع اسرائیل ناسازگار باشد؛ و فعالیت اسرائیل در ایران و عراق که می‌تواند به عنوان به خطر انداختن نیروهای آمریکایی تلقی شود.

در این زمینه، به نظر می‌رسد که هرچ و مرج در دولت ایالات متحده، فراز و نشیب‌های سیاسی، و شکاف‌های آشکار و مکرر بین رئیس‌جمهور و تشکیلاتش، تاثیر اسرائیل بر سیاست ایالات متحده در مسائل حیاتی را به چالش می‌کشد. نزدیکی با رئیس‌جمهور ترامپ، بر خلاف پیش‌زمینه افزایش تضاد سیاسی - اجتماعی در ایالات متحده، حمایت دو حزبی از اسرائیل - مهم‌ترین روابط اساسی بین کشورها

1. dual equity

- را از بین می‌برد و در طول زمان می‌تواند حمایت از اسرائیل در میان جامعه یهودی و عموم مردم، و در نتیجه، در کنگره را تضعیف کند.

در یک موضوع متفاوت، همراه با روند دو قطبی شدن اجتماعی - سیاسی در غرب، بحران‌های داخلی در برخی از کشورهای اروپایی، و تقسیمات اجتماعی و سیاسی و انتخابات آینده در ایالات متحده، افزایش ضد سامی‌گرایی جهانی (از جمله در بریتانیا، آلمان، مجارستان و لهستان)؛ مشروعیت زدایی بیشتر از اسرائیل (در میان گروه‌های لیبرال - مترقی، اقلیت‌ها و جمعیت‌های جوان)؛ و بیگانگی رو به رشد دایاسپورا از اسرائیل (به ویژه در میان یهودیان ایالات متحده).

اسرائیل باید سیاست خود را در عصر رقابت استراتژیک بین قدرت‌های جهان مطابق با سه دستور العمل اصلی تنظیم کند:

- اول؛ آماده‌سازی در میان‌مدت و بلندمدت برای روز پس از ترامپ و مرکل (مهم‌ترین دوستان اسرائیل) با بازگرداندن و تحکیم حمایت دو حزبی در ایالات متحده (به طور خاص، گفتگو با حزب دموکرات و حامیان، و عدم مداخله در انتخابات و عدم مشارکت در مسائل مورد مناقشه در گفتمان سیاسی داخلی)؛ و برقراری مجدد یک گفتگوی استراتژیک با اروپا، براساس منافع و ارزش‌های مشترک و فناوری، نوآوری و دارایی‌های دفاعی اسرائیل.

- دوم؛ ارتقای دارایی‌های تکنولوژیکی اسرائیل، از جمله در چارچوب رقابت استراتژیک بین قدرت‌های جهانی، از طریق یک سیاست ترکیبی متمرکز بر توسعه همکاری با ایالات متحده (ایجاد یک «اتحاد استراتژیک نوآوری») و عمیق کردن ورود به بازارهای در حال رشد، در حالی که به دقت ریسک‌های روابط استراتژیک با ایالات متحده را مدیریت می‌کند (و به طور خاص نیاز به هماهنگی عمیق در ارتباط با روابط با چین و کانال‌های ارتباطی با روسیه).

- سوم؛ نشان دادن علاقه و مشارکت فعال‌تر در چالش‌های پیش روی جوامع یهودی در سراسر جهان (تداوم، ارتباط با اسرائیل، مبارزه علیه یهودی‌ستیزی)؛ تعریف توسعه روابط اسرائیل با شبه نظامیان به عنوان یک مأموریت ملی با اولویت بالا (زیرساخت آموزشی، جلسات و گفتگو، فعالیت مشترک)؛ و توجه به جامعه جهانی یهود در فرآیند تصمیم‌گیری داخلی در مورد مسائل اصلی که بر آن‌ها نیز تاثیر می‌گذارد.



## ۲. تلاش برای شکل سیستم منطقه‌ای خاورمیانه:

سارا فوئر<sup>۱</sup>، ایتای برون<sup>۲</sup>، گالیا لیندنستراوس<sup>۳</sup>، اودن اِران<sup>۴</sup>، یورام شویتزر<sup>۵</sup>، اوفیر ویتتر<sup>۶</sup>، یول گوزانسکی<sup>۷</sup>، رمی دانیل<sup>۸</sup>، الداد شوویت<sup>۹</sup> و آری هیستین<sup>۱۰</sup>

| نگاهی کوتاه:  | توصیه‌ها:   |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>● محور رادیکال شیعه همچنان متحد و مصمم باقی می‌ماند،</li> <li>● دولتهای عمل‌گرای اهل سنت موفق به ایجاد اتحاد پایدار منطقه‌ای نشدند،</li> <li>● آشوب‌های منطقه‌ای همچنان ادامه دارد و رژیم‌ها با چالش‌های جدی ناشی از مشکلات اصلی اجتماعی-اقتصادی مواجه هستند.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>● روابط دوباره با اردن</li> <li>● تقویت همکاری با دولت‌های عمل‌گرای سنی می‌شود، ضمن تأیید محدودیتهای موجود در آن (که عمدتاً ناشی از خشم عمومی اسرائیل است).</li> </ul> |

### مقدمه

نه سال پس از رویدادهای دراماتیک اواخر ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱ (به اصطلاح بهار عربی)، آشوب منطقه‌ای ادامه دارد و خاورمیانه همچنان با بی‌ثباتی، عدم قطعیت و نوسان مشخص می‌شود. توافق گسترده‌ای بین محققان و ناظران وجود دارد که این منطقه در یک بحران عمیق فرورفته است، در حالی که درگیر فرایندهایی با پیامدهای بلند مدت حیاتی است و درگیر یک رقابت آشفته بر سر ماهیت آن است.

این رقابت در دو حوزه در حال گسترش است: نخست، بین چهار اردوگاه اصلی که بر سر ایده‌ها، قدرت، نفوذ و بقا رقابت می‌کنند تا مرزهای نظم منطقه‌ای را تعریف کنند؛ دوم، بین حاکمان و عامه مردم در

1. Sarah Feuer
2. Itai Brun
3. Gallia Lindenstrauss
4. Oded Eran
5. Yoram Schweitzer
6. Ofir Winter
7. Yoel Guzansky
8. Remi Daniel
9. Eldad Shavit
10. Ari Heistein

درون هر دولت، که بیشتر آن‌ها همچنان از مشکلات اساسی اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند که تنها از زمان «بهار» بدتر شده‌اند.

## مبارزه بر سر نظم منطقه‌ای

اولین سطح از این مبارزه گسترده‌تر در مورد شکل خاورمیانه رقابت بین گروه گروه از بازیگران مایل به دیدن یک نظم منطقه‌ای است که منافع آن‌ها را در انواع مسائل اصلی منعکس خواهد کرد: نفوذ ایران، روابط با غرب، تمامیت ارضی کشورها، اسلام سیاسی، فرقه‌گرایی و شیوه‌های حکومت. چهار اردوگاه عبارتند از:

- محور شیعه: این گروه توسط ایران رهبری می‌شود و شامل بشار اسد در سوریه، حزب‌الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن، شبه نظامیان شیعه فعال در عرصه‌های مختلف در سراسر خاورمیانه و جهاد اسلامی فلسطین (با وجود هویت سنی آن) می‌شود. از میان چهار اردوگاه، این یکی سازمان‌یافته‌ترین و انسانی‌ترین اردوگاه است. این سازمان از ابزارهای مختلف قدرت نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی برخوردار است و در چندین تئاتر فعالیت می‌کند و در حال پیشرفت در تلاش‌های خود برای ایجاد یک نظام منطقه‌ای تجدیدنظرطلب، طرفدار ایران و ضد غربی است.

- دولت‌های سنی عملگرا: این بلوک شامل مصر، اردن، مراکش، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سایر کشورهای خلیج عرب (به جز قطر) است. این بازیگران با ساختارهای حکومتی استبدادی خود، در حال پیشرفت یک دیدگاه طرفدار غرب، ضد ایرانی، ضد اسلامی و ناسیونالیستی هستند. این گروه به طور کلی به عنوان یک اردوگاه متحد عمل نمی‌کند، چرا که تقسیم‌بندی‌هایی بین اعضا وجود دارد، و اتحادها اغلب بسته به زمینه و منافع خاص طرفین به صورت موقت شکل می‌گیرند. بنابراین، این اردوگاه هنوز در ایجاد جبهه‌ای منسجم و متحد علیه ایران و متحدانش موفق نبوده است.

- اسلام‌گرایان سنی: این گروه شامل حامیان اسلام سیاسی به سبک اخوان المسلمین است: ترکیه، قطر، حماس و بقایای اخوان المسلمین و جنبش‌های منبعث از آن در سراسر منطقه مانند النهضة، حزب سیاسی حاکم در تونس. این اردوگاه همیشه متحد نیست و تاثیر آن در منطقه رو به کاهش است. با این حال، ایده اصلی در هسته آن - که «اسلام راه‌حل است» - همچنان از حمایت گسترده در خاورمیانه برخوردار است.

- جهادی‌ها: این اردوگاه شامل دولت اسلامی (داعش) و القاعده و سازمان‌های تروریستی مرتبط با آن‌ها است. در سال‌های اخیر، این اردوگاه متحمل ضربات جدی شده است که مهم‌ترین آن‌ها شکست داعش است و در این سال گذشته رهبر این سازمان کشته شد. بنابراین، حتی در حالی که عقاید سلفی - جهادی در هسته آن همچنان در جهان اسلام حمایت می‌کنند، نفوذ اردوگاه در حال کاهش است.



محمد بن سلمان و محمد بن زاید. اردوگاه عمل‌گرایی مبتنی بر انجمن‌های موقت و اتحادهای سیالی است که به زمینه و منافع بازیگران خاص بستگی دارد.



بشار اسد و آیت‌الله خامنه‌ای محور شیعه متحد، کنترل‌شده توسط تهران و در عملیات‌های خود در چندین صحنه تهاجمی است.

## مبارزه در درون کشورها

دومین عرصه مبارزه منطقه‌ای در داخل کشورها مشهود است، که در آن رژیم‌ها با چالش‌های جدی از سوی جمعیت خود مواجه هستند. در قلب این مبارزه مشکلات اساسی منطقه قرار دارد که تنها از زمان آغاز این تحولات در حدود یک دهه پیش تشدید شده‌اند - مشکلاتی مانند بیکاری، فساد، نابرابری و اتکا بیش از حد به نفت یا منابع خارجی کمک مالی. در کنار این مشکلات، دولت‌ها با درگیری‌های مربوط به هویت که در سرکوب اقلیت‌ها، تنش‌های بین سنی‌ها و شیعیان و درگیری‌های قبیله‌ای منعکس شده‌است، دست و پنجه نرم می‌کنند. در سال گذشته، قلمرو داخلی مبارزه منطقه‌ای با شیوع اعتراضات



گسترده در سودان، الجزایر، مصر، عراق، لبنان و حتی ایران به طور قابل توجهی افزایش یافت.

### ویژگی فراگیر منطقه: بی ثباتی

در نتیجه مبارزات منطقه‌ای، خاورمیانه در سال ۲۰۱۹، به طور ذاتی بی ثبات باقی ماند. در یک طرف طیف، کشورهایی بودند که به تجربه جنگ ادامه دادند - یمن، لیبی و سوریه. در سوی دیگر، کشورهایی بودند که ثبات نسبی را تجربه می‌کردند، اگرچه شکننده بودند. این کشورها شامل اردن، مراکش، تونس، کشورهای خلیج فارس و ترکیه بودند. در میانه، کشورهایی بودند که اعتراضات گسترده در پاسخ به مشکلات اساسی در حال پیشرفت، از جمله سودان، الجزایر، مصر، عراق، لبنان و ایران آغاز شد. تظاهرات در حال انجام در عراق و لبنان به خاطر ضدیت با فرقه‌گرایی قابل توجه است و احساسات ضد ایرانی در میان بخش بزرگی از تظاهر کنندگان ابراز شده است. ترور قاسم سلیمانی نیز احساسات ضد آمریکایی در عراق را افزایش داده است.

یک نتیجه دیگر از این مبارزه پدیده مداوم حاکمیت محدود است که به توصیف برخی از کشورها ادامه می‌دهد. علی‌رغم پیش‌بینی‌های قبلی در مورد نابودی آن، دولت - ملت به عنوان واحد اصلی قلمرو و چارچوب دستور کار زنده مانده است. با این حال، اگرچه مرزهای دولتی در توافقنامه سایکس-پیکو باقی مانده است، اما حاکمیت در بسیاری از این کشورها تا حدی که بازیگران خارجی - از جمله قدرت‌های بزرگ، شبه نظامیان و سازمان‌های تروریستی - در آن حضور دارند، محدود است. مشکل حاکمیت محدود در لبنان، سوریه، عراق، یمن و لیبی بیشتر نمایان است.

در زمینه درگیری‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۱۹، حداقل تا زمان ترور قاسم سلیمانی، آمریکا به کاهش دخالت خود در خاورمیانه و نفوذ روسیه ادامه داد. محور رادیکال شیعه همکاری با روسیه را در بسیاری از مناطق حفظ می‌کند، و در حالی که اکثریت قریب به اتفاق دولت‌های سنی متحد یا شریک ایالات متحده هستند، آن‌ها نیز روابط خود را با روسیه تقویت می‌کنند.

### درگیری با اسرائیل

اسرائیل خود را به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای برجسته که برای محدود کردن نفوذ محور شیعه رادیکال کار می‌کند، تثبیت کرده است و تا آن زمان افزایش همکاری با دولت‌های سنی عملگر را حفظ کرده است. اگر چه درگیری با اسرائیل هنوز هم در آگاهی مردم در سراسر منطقه وجود دارد، در بسیاری از کشورها این مساله اصلی پیش از اشغال رژیم‌ها نیست. بحران فلسطین، با وجود تلاش‌های آمریکا برای افزایش دخالت کشورهای عربی در آن، تقریباً به طور کامل از دستور کار منطقه‌ای خارج شده است. با این حال، شکستن سقف شیشه‌ای همکاری با کشورهای عملگر سنی مشروط به پیشرفت در حل و فصل مناقشه اسرائیل و فلسطین است.

اسرائیل باید روابط خود را با اردن، که در حال حاضر در میان بحران قرار دارد، با تجدید گفتگوی دو جانبه در بالاترین سطوح برای روشن کردن تمام مسائل برجسته بین دو کشور، اصلاح کند. در شرایط منطقه‌ای فعلی، اسرائیل باید آماده مقابله با نفوذ ایران عمدتاً به خودی خود، به طور ایده‌آل با ایجاد سیاستی مبتنی بر حمایت آمریکا و مشارکت (محدود) با دولت‌های سنی عملگرا باشد. در عین حال، اسرائیل باید همکاری خود را با اردن و مصر به ویژه در زمینه‌های اقتصادی، انرژی و مقابله با تروریسم تقویت کند. اسرائیل باید برای افزایش احتمال سرمایه‌گذاری کشورهای خلیج عرب در سلاح‌های پیشرفته (هم آمریکایی و هم روسی) و حتی بررسی جدی مسیرهای هسته‌ای شدن آماده شود. علاوه بر این، اسرائیل باید برای تنش‌های افزایش یافته در مدیترانه شرقی آماده شود و به وضوح میزان حمایت اسرائیل از قبرس را مشخص کند. در مورد ترکیه، اسرائیل باید به محدود کردن فعالیت‌های آنکارا در اورشلیم و مشارکت آن با شهروندان عرب اسرائیل ادامه دهد، در حالی که به افشای فعالیت‌های حماس در خاک ترکیه ادامه می‌دهد.



نیروهای امنیتی آمریکا بر روی سقف سفارت آمریکا در بغداد در زمانی که توسط معترضان محلی مورد حمله قرار گرفت. آیا عراق صحنه تقابل آمریکا و ایران خواهد بود؟

اصلاحات قانون اساسی که در آوریل ۲۰۱۹ به تصویب رسید، تسلط رئیس‌جمهور عبدالفتاح السسی بر قدرت را تقویت کرد. با این حال، تظاهراتی که در ماه سپتامبر آغاز شد تعدادی از شاخص‌های

اقتصادی و اجتماعی را نشان داد که ثبات رژیم او را تهدید می‌کنند، از جمله: ثبت سطوح فقر، کاهش استاندارد زندگی، و افزایش خشم در مورد فساد. از دیدگاه اسرائیل، مهم‌ترین توسعه در رابطه با مصر در سال گذشته، ایجاد انجمن گاز مدیترانه شرقی در ماه ژانویه بود. این انجمن که مقر آن در قاهره است، اسرائیل، مصر، یونان، قبرس، اردن، ایتالیا و مقامات فلسطینی را گرد هم می‌آورد و ابعاد ژئوپلیتیک و اقتصادی جدیدی را به روابط اسرائیل و مصر اضافه می‌کند.

## اردن

اقتصاد اردن همچنان از کمبود منابع طبیعی و دیگر منابع درآمد محلی به همراه فشارهای مربوط به هجوم پناهندگان از سوریه رنج می‌برد. در سپتامبر سال ۲۰۱۹، بر خلاف تعهداتی که دولت به عنوان بخشی از برنامه بهبود صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۶ داد، ناکامی در وضعیت اقتصادی باعث اعتصاب یک ماهه معلمان شد و دولت مجبور به افزایش دستمزدها شد. هیچ جایگزین جدی برای سلطنت وجود ندارد و حامیان شاه عبدالله در خلیج فارس، اروپا و ایالات متحده همچنان زنده ماندن رژیم سلطنتی را به عنوان محور ثبات منطقه‌ای می‌بینند. در سال ۲۰۱۹، روابط بین اسرائیل و اردن به طور قابل توجهی رو به وخامت گذاشت و با تصمیم پادشاه مبنی بر عدم تجدید توافق دو جانبه ۲۵ ساله در مورد محاصره باقوره<sup>۱</sup> و غمر<sup>۲</sup>، به پایین‌ترین حد خود رسید.

## عربستان سعودی

در پایان سال ۲۰۱۹، به نظر می‌رسد قدرت و جایگاه منطقه‌ای ریاض رو به کاهش است و تاثیر آن بر گرایش‌های اساسی در خاورمیانه تضعیف شده است. به نظر می‌رسد که عربستان سعودی برای بهبود موقعیت خود به دنبال پایان دادن به بحران با قطر و جنگ در یمن است. این پادشاهی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی داخلی خود، آزادی بیشتری را نشان می‌دهد، اما قیمت‌های پایین نفت و ترس از برهم زدن قرارداد اجتماعی سنتی، انجام اصلاحات عمیق‌تر را برای رژیم دشوار کرده است. حقارت نظامی عربستان سعودی نسبت به ایران ممکن است باعث شود که ریاض به دنبال کاهش تنش‌ها با ایران با تلاش برای رسیدن به توافق با دشمنان دیرینه خود باشد، همانطور که امارات متحده عربی انجام داده است. چنین توافق‌نامه‌هایی برای تعدادی از مسائل، از جمله جنگ در یمن، که در سال جاری شکاف‌های گسترده‌ای در اتحاد ریاض - ابوظبی رخ داد، پیامدهایی خواهد داشت.

## ترکیه

با وجود شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات محلی، به نظر نمی‌رسد که تسلط اردوغان بر قدرت در خطر باشد و ترکیه حتی یک بهبود اقتصادی متوسط را تجربه کرده است. همانطور که در خرید

1. Naharayim  
2. Tzofar



سیستم اس-۴۰۰ از روسیه (علی‌رغم هشدارهای واشنگتن) منعکس شد، آنکارا مایل به پذیرفتن خطراتی است که اتحاد ناتو را از داخل به چالش می‌کشد. علی‌رغم سیاست منطقه‌ای قوی‌تر در سال گذشته، که شامل اعزام کشتی‌های حفاری و قایق‌های توپدار به مدیترانه شرقی و عملیات نظامی ۹ اکتبر در شمال شرق سوریه بود، ترکیه نتوانسته نفوذ منطقه‌ای خود را به عنوان رهبر اردوگاه اسلام گرایان سنی افزایش دهد.

## عراق

هدف از انتخابات سال ۲۰۱۸ افزایش ثبات در عراق پس از شکست داعش (علی‌رغم حضور مداوم این سازمان) بود. با این حال، اعتراضات گسترده در پاسخ به اتهامات فساد رژیم و شکست آن در حل مشکلات اقتصادی، ثبات را تهدید کرده و خطر جنگ داخلی را افزایش می‌دهد. این ناآرامی با این احتمال تشدید می‌شود که به ویژه پس از کشته شدن سلیمانی و پاسخ ایران، عراق به تفتاری برای رویارویی ایران و آمریکا تبدیل خواهد شد. احساسات ضد ایران که در اعتراضات رایج است و خطری که تهران را تهدید می‌کند، انگیزه ایران و شبه نظامیان شیعه متحد را برای جلوگیری از هر گونه آسیب به نفوذ ایران و رسیدن به هدف عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی افزایش می‌دهد.

## یمن

جنگ در یمن به مدت سه سال به بن‌بست رسیده‌است و انگیزه طرفین درگیر برای ادامه درگیری‌ها کاهش یافته‌است. در واقع، امارات متحده عربی عقب‌نشینی خود را در ژوئن ۲۰۱۹ اعلام کرد؛ در ماه سپتامبر، حوثی‌ها آتش‌بس یک‌جانبه را در مورد سرزمین‌های عربستان سعودی اعلام کرد؛ جدایی طلبان تحت حمایت امارات و دولت مرکزی یمن که تحت حمایت عربستان سعودی است در ماه نوامبر به توافق تقسیم قدرت رسیدن؛ و حملات هوایی عربستان به طور قابل توجهی کاهش یافت. با این حال، ابداع راه حلی که یمن را دوباره متحد کند و منافع کلیدی فعالان متعدد درگیر را برآورده سازد، چالشی مهم و شاید غیرقابل رفع باقی خواهد ماند. عبور سلطان قابوس عمان نیز ممکن است شکست مذاکرات صلح سعودی - حوثی را که میانجی‌گری کرده بود به اثبات برساند.

## شمال آفریقا و سودان

کشورهای شمال آفریقا (مغرب) و سودان نقاط مختلف طیف ثبات را به خود اختصاص داده‌اند. در لیبی، دور جدیدی از جنگ داخلی در آوریل آغاز شد. در الجزایر، رئیس‌جمهور ۸۲ ساله، عبدالعزیز بوتفلیقه<sup>۱</sup> استعفای خود را پس از ۲۰ سال قدرت تسلیم کرد، اما در انتخاباتی که در ماه دسامبر برگزار شد (عمدتاً تحت نظر ارتش)، وزیر سابق مرتبط با رژیم بوتفلیقه انتخاب شد. به نظر می‌رسد که چشم‌اندازها در

1. Abdelaziz Bouteflika

سودان خوشبینانه‌تر هستند، جایی که پس از ماه‌ها اعتراضات مردمی علیه رژیم، ارتش رئیس‌جمهور عمر البشیر را پس از یک دوره تصدی ۳۰ ساله برکنار کرد. تونس و مراکش با موفقیت قابل توجه در دور سوم انتخابات ملی در زادگاه بهار عربی، سال نسبتاً پایداری را پشت سر گذاشتند.

### سلفی - جهادگرایان

دولت اسلامی عراق (داعش) به عنوان یک نهاد سیاسی حاکم بر منطقه، پس از شکست نظامی این سازمان و از دست دادن کنترل بر خاک سوریه و عراق، همه چیز را از دست داد و رهبر آن در یک عملیات نظامی آمریکا کشته شد. با این وجود، دولت اسلامی عراق همچنان به فعالیت به عنوان یک سازمان تروریستی ادامه می‌دهد که با سازمان‌های تروریستی جهادی سلفیه، شبکه‌های تروریستی و افراد فعال در سراسر جهان مرتبط است. در سوریه، این سازمان پتانسیل قابل توجهی برای جذب نیروی انسانی از میان کسانی که علیه رژیم در جنگ آن کشور مبارزه کردند، دارد. اگر چه اسرائیل در اولویت اصلی داعش نیست، اما امکان فعالیت‌های تروریستی علیه اهدافی در سراسر جهان که با اسرائیل و یهودیان شناسایی شده‌اند، وجود دارد. القاعده و متحدانش نیز به انجام حملات تروریستی در آفریقا، جنوب آسیا و خاورمیانه (عمدتاً در سوریه، لیبی و شبه‌جزیره سینا) ادامه می‌دهند.



## ۳. ایران: سرپیچی و جسارت، در کنار چالش‌های داخلی

سیما شاین<sup>۱</sup>، راز زیمت<sup>۲</sup> و امیلی بی لاندو<sup>۳</sup>

| توصیه‌ها:   | نگاهی کوتاه:   |
|---|--|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• آماده کردن یک گزینه معتبر برای حمله نظامی در ایران</li> <li>• آمادگی برای احتمال توافق هسته‌ای «بهبود یافته»</li> <li>• ممانعت از استحکامات منطقه‌ای ایران و پروژه موشکی هدایت دقیق</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• نقض مداوم توافقنامه هسته‌ای</li> <li>• جسارت ایران در استفاده از زور در خلیج فارس و عراق، که منجر به ترور هدفمند سلیمانی توسط آمریکا شد،</li> <li>• افزایش خطر تشدید جنگ</li> </ul> |

### مقدمه

سال ۲۰۱۹ با اقدامات ایران در مورد موضوع هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای مشخص شد، و در طول سال رویارویی با ایالات متحده شدت گرفت. تحریم‌هایی که دولت آمریکا بر ایران پس از خروج از معامله هسته‌ای در می ۲۰۱۸ و به ویژه لغو معافیت از واردات نفت از ایران در نوامبر ۲۰۱۸ تحمیل کرد، چالش‌های جدی را برای اقتصاد ایران ایجاد کرده‌است. ایران به تعهدات مقرر شده در قرارداد هسته‌ای به مدت یک سال، به امید تقسیم اروپا از دولت ترامپ و دریافت غرامت اقتصادی مناسب از سایر شرکا به این توافقنامه، وفادار ماند. با این حال، عدم موفقیت اروپا در ایجاد یک مکانیسم جایگزین برای انجام معاملات با ایران و افزایش سیاست « فشار حداکثری » آمریکا همراه با انتقاد عمومی از فعالیت منطقه‌ای ایران، منجر به تغییراتی در سیاست تهران شد. اولین نشانه عدم پایبندی ایران به محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه هسته‌ای خود بود. علاوه بر آن، ایران در خاورمیانه فعالیت‌های تحریک آمیز نظامی علیه متحدان ایالات متحده، به ویژه با حمله به تاسیسات نفتی در عربستان سعودی، و علیه خود ایالات متحده، که با سرنگونی پهباد بدون سرنشین آمریکایی آغاز شد و منجر به حمله به شهروندان آمریکایی (از جمله یک مورد مرگ) و متهم کردن سفارت در عراق شد، که باعث سلسله واکنش‌هایی شد که منجر به ترور هدفمند سلیمانی شد.

1. Sima Shine  
2. Raz Zimmt  
3. Emily B. Landau

## برنامه هسته‌ای

در مواجهه با سیاست « فشار حداکثری » که ایالات متحده از ماه می ۲۰۱۸ اتخاذ کرده است، که در عمل عمدتاً به شکل اقدامات اقتصادی (تحریم‌ها) و اقدامات سیاسی (فشار دیپلماتیک) است، ایران از سیاست « مقاومت حداکثری » استفاده می‌کند که نشان‌دهنده ارزیابی خود است که می‌تواند عوارض اقتصادی ناشی از تحریم‌ها را تحمل کند. در پاسخ به رئیس‌جمهور ترامپ، که مکرراً بر تمایل خود برای انجام مذاکراتی که منجر به توافق جدید خواهد شد تاکید می‌کند، رهبری ایران اصرار دارد که بدون جبران خسارت ناشی از توافق به مذاکرات باز نخواهد گشت و حتی پس از آن نیز تنها در چارچوب چند جانبه ۱ + ۵ این کار را انجام خواهد داد.

در حال حاضر، ایران در حال تلاش برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود است - با گام‌هایی که به شیوه‌ای محدود و سنجیده آغاز شده اما با گذشت زمان شدت یافته است - و در عین حال در حال پی‌گیری عملیات نظامی در خلیج فارس، خطرات بیشتری را متحمل می‌شود. هدف آسیب رساندن به متحدان اصلی واشنگتن در منطقه و بازار جهانی نفت و نشان دادن هزینه‌های سیاست آمریکا در قبال ایران است. از سوی دیگر، ایران به حفظ روابط خود با کشورهای اروپایی ادامه می‌دهد و در عین حال بر تمایل خود برای بازگشت به توافق هسته‌ای در صورت لغو تحریم‌ها تاکید می‌کند. بنابراین، امکان ادامه مذاکرات دیپلماتیک برای افزایش روابط با ایالات متحده را باز می‌گذارد. روابط با روسیه نیز براساس منافع مشترک در سوریه که مخالف با آمریکا است، حفظ و تقویت می‌شود. به این معنا، امیدهای اسرائیل برای ایجاد تفرقه بین مسکو و تهران، با وجود فاصله موجود بین آن‌ها، نتیجه نداده است.

بنابراین، در مورد مساله هسته‌ای، طرفین به بن‌بست رسیده‌اند: آمریکا هیچ استراتژی بلند مدتی به جز ادامه تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای تغییر سیاست ایران (بدون قصد تغییر رژیم کنونی) و بازگرداندن ایران به میز مذاکره ندارد. اروپایی‌ها نگران تشدید درگیری‌ها هستند و ترجیح می‌دهند اقدامات جسورانه ایران را کم‌اهمیت جلوه دهند و خود ایرانی‌ها نیز قصد ندارند در صورت عدم برآورده شدن خواسته‌های خود در مورد تحریم‌ها، به مذاکرات بازگردند و همچنان به پیشرفت خود در زمینه پروژه هسته‌ای ادامه می‌دهند.

در نتیجه، سال ۲۰۲۰ احتمالاً با چالش‌های مداوم ایران همراه خواهد بود که شامل گام‌های فزاینده در برنامه هسته‌ای است. چشم‌انداز مذاکرات جدید بین ایران و ایالات متحده آمریکا اگرچه بسیار ضعیف است، اما تا حد زیادی به تمایل رئیس‌جمهور ترامپ برای کاهش تحریم‌ها بستگی دارد. اهمیت اصلی این مساله برای اسرائیل در سال ۲۰۲۰ ادامه غنی‌سازی اورانیوم ایران و تجمع مواد شکاف‌پذیر (در این

مرحله پایین است)، پیشرفت مداوم در سانتریفیوژهای پیشرفته، اقدامات تشدید کننده احتمالی در رابطه با سطوح غنی‌سازی و شاید حتی کاهش در ترتیبات بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. در صورتی که ایران تصمیم به انجام این کار بگیرد، این وضعیت مدت‌زمان لازم برای پیشرفت به سوی سلاح‌های هسته‌ای را کاهش خواهد داد.

### راکتور تحقیقاتی آب سنگین، نزدیک اراک

جدول ۱: چگونه ایران برجام را نقض می‌کند، ژانویه ۲۰۲۰

| موضوع                           | تعهد   | تخلف  | اهمیت  |
|---------------------------------|--|---|--|
| سطح غنی‌سازی اورانیوم           | تا ۳.۶۷%   | تقریباً ۴.۵% در نطنز و فوردو                                  | هنوز سطح پایین و ناچیز است. اندازه‌گیری قابل برگشت   |
| ذخایر اورانیوم غنی‌شده          | حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم UF <sub>6</sub> (یا معادل سایر مواد شیمیایی)  | بیش از ۳۰۰ کیلوگرم  | زمان کوتاه شده برای شروع عملیات نظامی. برگشت پذیر  |
| انبارهای آب سنگین               | تا ۱۳۰ تن  | تقریباً ۱۳۱ تن  | تخلف کوچک. برگشت پذیر  |
| سانتریفیوژ پیشرفته              | در سالهای ۸-۱، آزمایش تعداد محدود سانتریفیوژهای IR-6 (۱۰-20). در سالهای ۸-۱۰، آزمایش ۳۰ سانتریفیوژ؛ در سالهای ۸ تا ۱۰، آزمایش بر روی ۳۰ سانتریفیوژ | تزریق گاز به ۱۱ سانتریفیوژ IR-6 و نصب ۳۳ سانتریفیوژ IR-6 دیگر | پیشرفت‌های تکنولوژیک. افزایش مقدار ماده غنی‌شده - بسته به موفقیت آزمایش‌ها. اندازه‌گیری غیرقابل بازگشت |
| سایت غنی‌سازی اورانیوم در فوردو | غنی‌سازی ممنوع است؛ استفاده از آن فقط به عنوان یک مرکز تحقیق و تولید ایزوتوپهای پایدار مجاز است  | غنی‌سازی اورانیوم تا سطح حدود ۴.۵% (بیش از ۳.۶۷%)             | کاهش چشمگیر زمان فروپاشی هسته‌ای نظامی. اندازه‌گیری قابل برگشت   |

### فعالیت منطقه‌ای

در سال ۲۰۱۹، ایران به تقویت نظامی خود در سوریه، عراق، لبنان و یمن ادامه داد تا نفوذ خود را عمیق‌تر کند، نفوذ آمریکا را کاهش دهد و پایگاه‌هایی برای فعالیت‌های بالقوه برای آسیب رساندن به اسرائیل و عربستان سعودی به عنوان بخشی از ایجاد بازدارندگی ایجاد کند. برای این کار، ایران به عوامل محلی وابسته است که آزادی عمل (نه تنها نظامی) را ممکن می‌سازد - اولین و مهم‌ترین حزب‌الله در لبنان و رژیم سوریه، و همچنین شبه نظامیان شیعه طرفدار ایران در عراق و لبنان و حواین در یمن. در عرصه فلسطین نیز، حمایت ایران از جهاد اسلامی و حماس ادامه دارد، که در سرمایه‌گذاری و دانش فنی برای تولید موشک و راکت نمود پیدا کرده‌است.



عراق با توجه به مرز طولانی تهران با ایران، موقعیت آن به عنوان پل زمینی و هوایی به سوریه و لبنان، اماکن مقدس شیعیان در نجف و کربلا و ارتباطات تاریخی بین بخش‌هایی از جامعه و گروه‌های شیعه در ایران، یک سرمایه استراتژیک برای تهران است. این زمینه تا حدی تمایل ایران به ادامه تضعیف نفوذ آمریکا در عراق و پایان دادن به حضور آمریکا در آنجا را تحریک می‌کند. با این حال، انتقاد رو به افزایش مردم از دولت عراق به دلیل هویتش با ایران باعث ایجاد ناآرامی شده‌است که تهدید می‌کند دستاوردهای تهران را که مبتنی بر تلاش‌های ویژه برای ایجاد نفوذ اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و امنیتی در عراق است، به خطر می‌اندازد. احساسات ضد آمریکایی که اعتراضات در عراق را القا می‌کند و خطری که این اعتراضات برای منافع ایران به وجود می‌آورد، عزم تهران و شبه نظامیان شیعه برای پایان دادن به این اعتراضات را تقویت می‌کند.

ترور سلیمانی هیچ تغییر اساسی در راهبرد کلی منطقه‌ای ایران ایجاد نمی‌کند، اما توانایی تهران برای رسیدن به اهدافش را به چالش می‌کشد. در نتیجه، ایران و ایالات متحده گام‌های بعدی خود را سبک و سنگین می‌کنند. معضل ایران بین نیاز به پاسخ قاطع (به طور مستقیم یا از طریق پروکسی‌های آن) علیه اهداف آمریکایی و ترس از یک ضد پاسخ قدرتمند آمریکایی نهفته‌است. بنابراین، اقدام علیه متحدان ایالات متحده در منطقه نیز ممکن است.

سوریه به کانون فعالیت‌های نظامی غیرمعمول ایران در برابر پس‌زمینه جنگی تبدیل شده‌است که رژیم بشار اسد، متحد مهم ایران، را تهدید به نابودی می‌کند. حضور ایران باعث ایجاد اصطکاک شدید با اسرائیل شده‌است، که فعالیت نظامی خود را افزایش داده تا مانع تقویت ارتش ایران شود. تئاتر سوریه همچنان ادامه خواهد داشت که در درگیری بین اسرائیل و ایران تشدید می‌شود، اگرچه هیچ یک از دو طرف علاقه مند به جنگ همه جانبه نیستند و این می‌تواند گسترش یابد. به موازات آن، ایران در حال سرمایه‌گذاری در حوزه‌های همکاری خود با سوریه است. در کنار همکاری مداوم نظامی و امضای قراردادهای نظامی، از جمله عملیات بخش‌هایی از بندر لاذقیه<sup>۱</sup> و همچنین پروژه‌های تحقیق و توسعه در خاک سوریه با کمک صنعت نظامی سوریه، تلاش‌هایی برای تعمیق دخالت در مسائل اقتصادی، آموزشی و فرهنگی وجود دارد.

ایران نیز شاهد موفقیت‌هایی در یمن بود: پیروزی‌های «حوثی‌ها» بر روی زمین؛ کاهش درگیری نظامی امارات متحده عربی، منجر به درگیری با عربستان سعودی می‌شود و فشار بر خود عربستان سعودی، به ویژه در کنگره آمریکا، علیه پس‌زمینه نقض حقوق بشر در مبارزات یمن. ایرانی‌ها در واقع حامیان توافقنامه آینده در یمن شده‌اند (فرآیندی که سازمان ملل نیز در آن درگیر است) با ایجاد «چارچوب

1. Latakia

دیپلماتیک» برای حوثی‌ها. این توافقنامه وضعیت خود حوثی‌ها و از طریق آن‌ها نفوذ ایران را تضمین خواهد کرد.

برای اسرائیل، اولین عامل مهم این است که ایران به حفظ دارایی‌های خود در منطقه ادامه می‌دهد و حتی علی‌رغم مشکلاتی که در عراق و لبنان به وجود آمده و در توسعه پروژه موشکی هدایت دقیق خود، همراه با چالش پس از سلیمانی، چندین دستاورد به دست آورده‌است. ایران در نظر دارد در سوریه بماند و در حال ساخت زیرساخت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که نفوذ طولانی‌مدت آن در سوریه را تضمین خواهد کرد. این کشور همچنین در ایجاد همکاری با روسیه در فضای سوریه علی‌رغم تفاوت‌های عقیده و رقابت بین آن‌ها برای نفوذ در عرصه موفق بوده‌است.

دومین عنصر مهم این است که جعبه‌ابزار اسرائیل عمدتاً مبتنی بر فعالیت‌های حرکتی است و محدود به تقویت نظامی ایران و انتشار دانش، فناوری و سلاح به صحنه‌های مختلف (سوریه، عراق، لبنان، یمن و نوار غزه) است. اسرائیل همچنین در حوزه دیپلماتیک کار می‌کند تا تصویر ایران را لکه‌دار کرده و آزادی عمل آن را کاهش دهد، اما این فعالیت جنبه‌های قدرت نرم و اجزای غیر نظامی / اقتصادی که از طریق آن ایران به دنبال افزایش نفوذ خود است را مورد توجه قرار نمی‌دهد. در عوض، سیاست اسرائیل در درجه اول در برابر سیاست و فعالیت ایران واکنش نشان می‌دهد.

## عرصه داخلی

به نظر می‌رسد در طول سال گذشته رژیم ایران در تثبیت عرصه اجتماعی - اقتصادی موفق بوده‌است. در کنار ادامه شاخص‌های ضعیف اقتصادی در زمینه تورم و بیکاری، نرخ رشد منفی بالا، و فروپاشی پول رایج در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ و اوایل سال ۲۰۱۹، به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در حال تثبیت و تطبیق با رژیم تحریم‌ها باشد. صندوق بین‌المللی پول برآورد می‌کند که تورم در ایران از سال ۲۰۲۰ شروع به کاهش خواهد کرد و رشد واقعی، حتی اگر حداقل باشد، آغاز خواهد شد. با این حال، این ارقام اقتصادی کلان، زندگی شهروندانی را که در اعتراضات عمومی گسترده مردم در نوامبر ۲۰۱۹ (در حدود ۱۵۰ منطقه در سراسر ایران) شرکت داشتند، که معطوف به مسائل اقتصادی و مخالفت با رژیم بود، بهبود نمی‌بخشد. مانند گذشته، این بار نیز ایران موفق شد تا اعتراضات را سرکوب کند.

سال گذشته نیز با تقویت اردوگاه محافظه‌کاران به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران مشخص شد که برای تقویت کنترل محافظه‌کارانه دولت انتصابات مهمی را ترتیب داده بود. برجسته‌ترین آن‌ها انتصاب ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس قوه قضائیه (مارس ۲۰۱۹) بود که برخی آن را نشانه جانشینی بالقوه رهبر در آینده می‌دانند. علاوه بر این، حسین سلامی به عنوان فرمانده سپاه پاسداران و چهره‌های

محافظه کار به عنوان روسای کمیته‌های پارلمانی منصوب شدند. تمامی این اقدامات پیش‌زمینه‌ای برای انتخابات مجلس در فوریه ۲۰۲۰ و انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۲۱ و همچنین زمینه‌ای برای رهبر آینده کشور بود. در واقع این انتصاب‌ها باعث تضعیف اردوگاه عمل‌گرایی می‌شود که نمایندگان آن عبارتند از روحانی، رئیس‌جمهور و ظریف، وزیر امور خارجه که با توجه به سیاست سخت‌گیرانه‌ای که توسط آیت‌الله خامنه‌ای رهبری می‌شود، مجبور به مقابله با آن هستند.

### چالش‌های اصلی برای اسرائیل

در آستانه سال ۲۰۲۰، مقیاس کلی تعادل برای ایران ترکیبی است، اما دستاوردهایی بر شکست‌ها برتری دارد. ایران اعتماد به نفس بیشتری در اعمال قدرت خود در عرصه منطقه‌ای و حتی در برابر ایالات متحده نشان می‌دهد؛ این موضع پس از ترور سلیمانی مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. وقتی مساله هسته‌ای مطرح می‌شود، ایران احساس انزوای نمی‌کند و حتی معتقد است که در منزوی کردن ایالات متحده موفق بوده‌است. این گزارش ارزیابی می‌کند که قادر به مقابله با بحران اقتصادی و تحریم‌های مداوم خود خواهد بود، در حالی که ایالات متحده نزدیک به از بین بردن ذخایر تحریم‌ها است؛ این کشور برنامه هسته‌ای خود را گسترش داده و برای آینده در حال افزایش است.

تمامی این موارد بر شکست سیاست غرب تاکید دارد که براساس تحمیل خسارت اقتصادی است که موجب ایجاد ناآرامی در میان مردم ایران و به نوبه خود بر سیاست رژیم خواهد شد.

چالش اصلی اسرائیل در برابر ایران تدوین یک استراتژی است که امکان استفاده از زور را در صحنه‌های مختلف و در سطوح مختلف بدون تبدیل شدن به یک درگیری گسترده فراهم آورد. در پشت سر هم، اسرائیل باید یک گزینه معتبر برای استفاده از نیروی مستقیم در ایران و تنظیم تفاهم با واشنگتن در مورد سه سناریو که برای اسرائیل مشکل‌ساز هستند، ایجاد کند.

- اولی مذاکرات بین آمریکا و ایران است که می‌تواند به تهران حق غنی‌سازی اورانیوم را بدون هیچ امتیازی در مقابل موشک‌های زمین‌به‌زمین و فعالیت‌های منطقه‌ای بدهد.

- دومین مورد افزایش درگیری بین اسرائیل و ایران است.

- سومین مورد، پیشرفت ایران در برنامه هسته‌ای خود است در حالی که این کشور همچنان به جمع‌آوری مواد شکاف‌پذیر و رسیدن به سطوح بالاتر غنی‌سازی ادامه می‌دهد که این امر منجر به تغییر قابل توجهی در زمان مورد نیاز برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای خواهد شد.

در مورد این سه موضوع اصلی، بین منافع اسرائیل و منافع ایالات متحده و به ویژه منافع رئیس‌جمهور ترامپ فاصله وجود دارد.

## ۴. منطقه شمالی: به سوی درگیری در مقیاس بزرگ

یودی دکل<sup>۱</sup>، کارمیت والنسی<sup>۲</sup> و اورنا میزراهی<sup>۳</sup>

| توصیه‌ها:   | نگاهی کوتاه:  |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>پاسخ به پروژه موشکی هدایت دقیق ایران و حزب‌الله، از جمله یک حمله پیشگیرانه احتمالی</li> <li>تحت فشار قرار دادن رژیم اسد و جلب حمایت ابرقدرت‌ها برای ممانعت از نفوذ منطقه‌ای ایران</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>خطرات مشهود تشدید ناشی از مبارزات مداوم اسرائیل بین جنگ‌ها</li> <li>رژیم اسد قلمرو خود را بازیابی و دوباره بدست آورد، اما همچنان به روسیه، ایران و حزب‌الله وابسته است.</li> </ul> |

### مقدمه

مهم‌ترین تهدید نظامی متعارف برای اسرائیل در شمال به ویژه از جانب ایران و کسانی است که تحت حمایت آن هستند: حزب‌الله در لبنان، به دنبال رژیم اسد و شبه نظامیان فعال در سوریه و عراق تحت هدایت ایران و نیروهای ایرانی (و حزب‌الله) فعال در عرصه سوریه. علاوه بر این، اسرائیل باید در نظر بگیرد که ترور هدفمند سلیمانی چگونه ممکن است بر عرصه شمالی تاثیر بگذارد.

در سال‌های اخیر، اسرائیل استراتژی «مبارزه بین جنگ‌ها» را به منظور کاهش تهدید در عرصه شمالی و ممانعت از اقدامات دشمن که به دنبال تقویت قابلیت‌های نظامی ایران و ایران و شبه نظامیان در طول مرزهای اسرائیل، در عین تقویت بازدارندگی و از بین بردن جنگ است، اتخاذ کرده‌است. تاکنون، اسرائیل در مختل کردن پیشرفت ایران موفق بوده‌است، اما در سال گذشته، خطر تشدید جنگ افزایش یافته است، زیرا فعالیت اسرائیل بر دو تلاش اصلی متمرکز شده است: پروژه موشکی هدایت دقیق حزب‌الله در لبنان و ایران در سوریه؛ و ایران برای ایجاد یک کریدور زمینی از ایران از طریق عراق و سوریه حرکت می‌کند. در طول سال ۲۰۱۹ مشخص شد که سرزمین عراق نیز توسط ایران به عنوان یک سکوی ممکن برای حمله به اسرائیل با موشک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. Udi Dekel  
2. Carmit Valensi  
3. Orna Mizrahi

## روندها و انتظارات اصلی برای سال ۲۰۲۰

سوریه هنوز به عنوان یک کشور متحد عمل نمی‌کند. بشار اسد به عنوان رئیس‌جمهور همچنان در قدرت است، اما کاملاً وابسته به ایران، روسیه، دستگاه‌های امنیت داخلی، ارتش، شبه نظامیان است. به نظر او، بقای رژیم او در اولویت است: او تلاش می‌کند تا یک نظم سیاسی و نظامی ایجاد کند که شبیه به آنچه قبل از جنگ داخلی وجود داشت؛ ترجیح می‌دهد به جای بازسازی زیرساخت‌های دولتی در بازسازی ارتش سرمایه‌گذاری کند؛ با حذف یا تضعیف جمعیت ناخواسته (به ویژه بی‌وفایی) و جلوگیری از بازگشت پناهندگان به «پاک‌سازی» جمعیتی ادامه خواهد داد؛ و قابلیت‌های جنگی شیمیایی خود را حفظ خواهد کرد. ارتش سوریه تحت نفوذ روسیه و ایران، با تاکید بر پدافند هوایی، آتش مسیر حرکت شامل موشک‌های دقیق، تحرک بالا و نیروهای ویژه در حال بازسازی است.

هنوز خیلی زود است که ارزیابی کنیم ترور سلیمانی چگونه بر فعالیت‌های منطقه‌ای ایران تاثیر خواهد گذاشت. انتظار می‌رود که ایران به بهره‌برداری از ضعف اسد برای تحکیم نفوذ چند بعدی خود در سوریه ادامه دهد: ساخت ماشین جنگ در صحنه و تقویت محور تامین شیعیان از ایران از طریق عراق به سوریه و لبنان. ایران همچنان به انتقال قابلیت‌های موشکی پیشرفته به سوریه و تقویت آمادگی شبه نظامیانی که تحت کنترل آن هستند، شامل ده‌ها هزار از عوامل مستقر در میدان سوریه، ادامه خواهد داد. برخی از آن‌ها برای مبارزه با اسرائیل و برخی دیگر برای انجام ماموریت‌های مداوم برای حفظ قلمرو در منطقه، به همراه ارتقا و تقویت مواضع حزب‌الله در بلندی‌های جولان در نظر گرفته شده‌اند.

بعید به نظر می‌رسد روسیه در سال ۲۰۲۰ ایران را از سوریه خارج کند. شبکه منافع آن در برابر ایران گسترده‌تر است و از دیدگاه آن، ایران در تثبیت رژیم اسد نقش دارد. با این حال، به احتمال زیاد مسکو به ایران اجازه نخواهد داد به گونه‌ای در سوریه مستقر شود که منافع روسیه - هم منافع اقتصادی و هم منافع مرتبط با ثبات رژیم اسد - را تهدید کند.

در شمال و شمال شرقی سوریه، به نظر می‌رسد که متوقف کردن ترکیه از تقویت نفوذش دشوار خواهد بود، به خصوص با توجه به کاهش حضور آمریکا در آنجا در اواخر سال ۲۰۱۹. ترکیه یک عملیات نظامی را برای ساخت یک منطقه امن ۳۲ کیلومتری در طرف مرز سوریه به منظور ایجاد یک مانع بین کردها و سوریه و کردهای ترکیه انجام داد. به این ترتیب، به دنبال دستیابی به دو هدف است: کاهش بار سنگین آوارگان و کاهش تسلط کردها در منطقه. پاسخ سریع کردها تمایل به به توافق با رژیم اسد با میانجیگری روسیه، در مقابل تضمین روسیه و رژیم حق خودمختاری در شمال شرقی سوریه بود. علاوه بر این، توافق روسیه و ترکیه منجر به آتش‌بس و توافق نیروهای کرد برای عقب‌نشینی از مرز شد، به

طوری که نیروهای روسیه و ترکیه گشت‌های مشترک در منطقه را انجام دادند.

تنها شانس کمی در سال ۲۰۲۰ وجود دارد که شاهد اصلاحات دولتی در سوریه یا توافق پایدار بین مخالفان و رژیم اسد با حمایت مالی کشورهای روسیه، ایران و ترکیه و جامعه بین‌المللی بزرگ‌تر باشیم. علاوه بر این، به نظر نمی‌رسد که بودجه‌ای یا انگیزه‌ای برای بازسازی غیر نظامی سوریه وجود داشته باشد. این مسئله برای چین، اروپا، ایالات متحده یا دولتهای سنی از اولویتهای اصلی نیست.

در لبنان، پس از بن‌بست سیاسی گسترده، دولت جدیدی در اوایل سال ۲۰۱۹ شکل گرفت، اما در گرفتن تصمیمات و پیشبرد بهبود در وضعیت شدید داخلی (بحران اقتصادی عمیق، فقدان زیرساخت‌ها، بیکاری، فساد، و حضور پناهندگان سوری) مشکل داشت. پریشانی فزاینده جمعیت، همراه با فلج شدن سیستم سیاسی، منجر به شیوع خود به خود (۱۷ اکتبر) اعتراضات مردمی در مقیاس بزرگ شد، که ماهیت منحصر به فردی داشت، چرا که آن‌ها بین جوامع تفاوت قائل نبودند و همه عناصر دولت را هدف قرار دادند (هم اردوگاه سنی به رهبری نخست‌وزیر حریری، که استعفا داد، و هم اردوگاه مسیحی - شیعه، که شامل میشل عون به عنوان رئیس‌جمهور و حزب‌الله به عنوان یک جنبش سیاسی است). تظاهرکنندگان خواستار تغییر اساسی در سیستم سیاسی و رهبری و حذف فساد دولتی هستند. حزب‌الله علاقه‌ای به تغییر ندارد زیرا سیستم کنونی به نفع خود عمل می‌کند. به هر حال، در سناریوهای مختلف، حزب‌الله احتمالاً استقلال و تاثیر فزاینده خود را بر فرآیند تصمیم‌گیری در لبنان حفظ خواهد کرد. بنابراین ممکن است که سیستم لبنان سقوط کند و حتی به یک جنگ داخلی دیگر تبدیل شود.

### اهمیت و توصیه‌ها برای اسرائیل

اسرائیل می‌تواند به بسیاری از دستاوردهای عملیاتی در سال‌های اخیر در عرصه شمالی اشاره کند، به دلیل فعالیت‌های تهاجمی شدید با سطح قابل توجهی از کارایی عملیاتی در مبارزات بین جنگ‌ها، که به اسرائیل اجازه داده‌است تا از جنگ اجتناب کند. با این حال، در سطح استراتژیک، اسرائیل مانع از تحکیم مداوم ایران در عرصه شمالی و ساخت ماشین جنگی خود در سوریه، لبنان و عراق نشده است.

### کمپین اسرائیل بین جنگ‌ها

انتظار می‌رود که ایران در سال ۲۰۲۰ سنگربندی خود در سوریه را در سطوح اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی افزایش دهد. ایران همچنین در حال توسعه قابلیت‌های تهاجمی برای حمله به اسرائیل از خاک سوریه و احتمالاً از خاک عراق است، در حالی که قوانین بازی شبیه به مبارزه اسرائیل بین جنگ‌ها را اتخاذ می‌کند. در این زمینه، فعالیت ایران و قابلیت‌های عملیاتی سطح بالای آن در پشتیبانی حمله به تاسیسات نفتی در عربستان سعودی و در تلاش برای پرتاب موشک و هواپیماهای

بدون سرنشین به سمت اسرائیل از سوریه مشهود بود. به طور کلی، افزایش پتانسیل برای تشدید بین اسرائیل و ایران و شاخص‌های آن از حوزه‌های سوریه و عراق، به ویژه پس از ترور سلیمانی وجود دارد. این حرکت، چالش اسرائیل برای به راه انداختن «کمپین در حال پیشرفت زیر آستانه جنگ» علیه بسیج ایرانیان در مناطق شمالی و نیاز به هماهنگی با ایالات متحده را برجسته می‌کند. در سال ۲۰۲۰، به نظر می‌رسد که اسرائیل در کنترل سطوح تشدید مشکل خواهد داشت، زیرا دشمن در حال حاضر با قابلیت‌های ارتش اسرائیل آشنا است و دفاع خود را بهبود بخشیده در حالی که قابلیت‌های واکنش تهاجمی را توسعه داده است. علاوه بر این، تا حدی که ثبات در سوریه بیشتر تضعیف شود، روسیه می‌تواند محدودیت‌هایی را بر آزادی عملیات اسرائیل در حریم هوایی سوریه تحمیل کند. اسرائیل به خوبی می‌تواند به سیاست ابهام عمدی بازگردد، قابلیت‌های پنهان بیشتری را به کار گیرد، و از تکبر عمومی در مورد عملیاتش در عرصه شمالی خودداری کند. اسرائیل باید سیاست عدم مداخله خود در جنگ داخلی سوریه را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. توانایی اسرائیل در آسیب رساندن به رژیم اسد به عنوان ابزاری برای نفوذ به خصوص در برابر روسیه بود که آن را قادر ساخت تا در عرصه سوریه علیه ایران فعالیت کند.

اما این سیاست همچنین منجر به رسمیت شناختن غیر رسمی رژیم اسد به عنوان پیروز جنگ داخلی شد. مبارزه مداوم و توانایی اسرائیل در آسیب رساندن، زمینه را برای یک فرآیند سیاسی مکمل فراهم کند که می‌تواند توانایی‌های ایران را که اسرائیل را از سوریه تهدید می‌کند، چه از طریق فشار روسیه بر ایران و چه از طریق درک رئیس‌جمهور اسد که فعالیت ایران در سوریه تلفات زیادی را متحمل می‌شود، از بین ببرد.

ترور سلیمانی باعث تقویت نیروهای آمریکایی در منطقه شد. با این حال، این ممکن است مقدمه‌ای برای عقب‌نشینی سریع نیروهای آمریکایی از عراق و شرق سوریه باشد. توسعه این نوع پیروزی را به دشمنان آمریکا در رقابت بر سر شکل دادن به حوزه سوریه اعطا خواهد کرد: روسیه، ایران و رژیم اسد، که با هم در شمال شرقی سوریه تسلط قوی خواهند داشت. علاوه بر این، ممکن است که دولت اسلامی علی‌رغم دستاوردهای عملیاتی و اخلاقی ایالات متحده در ترور رهبر خود ابوبکر البغدادی دوباره ظاهر شود.

### ضرورت بهبود آمادگی برای جنگ در منطقه شمالی

از دست دادن کنترل سطح تشدید، افزایش اعتماد به نفس ایران و حزب‌الله، و مهمتر از همه، افزایش تعداد موشک‌های دقیق آن‌ها احتمال جنگ بین اسرائیل و حزب‌الله و محور شیعه در میدان شمالی را افزایش می‌دهد. اسرائیل باید تصمیم بگیرد که آیا تعداد خاصی از موشک‌های دقیق در اختیار حزب‌الله



نیازمند یک حمله پیشگیرانه برای حذف یا کاهش قابل توجه تهدید است. حمله موفقیت‌آمیز اسرائیل برای جلوگیری از ساخت زرادخانه موشک‌های دقیق در لبنان خطر جنگ را افزایش می‌دهد.

سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله به عنوان بخشی از مدیریت ریسک، برآورد می‌کند که اقدامات این سازمان در لبنان از «مصونیت» مبتنی بر بازدارندگی متقابل با اسرائیل از سال ۲۰۰۶ برخوردار است. براساس این فرض، حزب‌الله به همراه قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پروژه تبدیل موشک را پیش برد و طی یک دهه به حفر تونل حمله (که توسط اسرائیل در عملیات سپر شمالی در معرض خطر و خنثی شده بود) پرداخت. نصرالله با توجه به آشنایی با توانایی‌های اسرائیل و مشکلات داخلی و اقتصادی این سازمان و وضعیت بی‌ثبات لبنان نسبت به جنگ محتاط است. این سازمان بین افزایش مسئولیت دولت لبنان و تعهد آن به ایران حامی و تعهد آن برای پاسخ به حملات اسرائیل در لبنان و شاید حتی حملات جدی به نیروهای ایرانی در سوریه تقسیم شده است. محدود کردن جنگ بعدی به جبهه لبنان دشوار خواهد بود و احتمالاً در چندین جبهه همزمان آشکار خواهد شد: لبنان، سوریه، عراق و احتمالاً خود ایران. کابینه امنیتی اسرائیل امسال تصمیم گرفت تا قابلیت‌های دفاعی اسرائیل را به ویژه در برابر حملات موشکی و هوایی بدون سرنشین تقویت کند. در عمل، اسرائیل همچنین باید آمادگی جبهه داخلی را تقویت کند، توانایی دفاع و ابزار حفاظت خود را بهبود بخشد و ستون‌های مقاومت غیر نظامی را در جوامع شمال تقویت کند. به دنبال آن، تلاش سیاسی - اقتصادی - شناختی برای تضعیف حزب‌الله (که در طول سال گذشته با تحریم‌ها علیه ایران به ثمر رسید، به رسمیت شناختن حزب‌الله به عنوان یک سازمان تروریستی توسط تعداد بیشتری از کشورها و ناآرامی‌های داخلی در لبنان) باید حفظ شود، حتی اگر ممکن است عملکرد دولت لبنان را تضعیف کند.

### هماهنگی با قدرت‌های جهانی

اسرائیل باید روابط نزدیک و هماهنگی خود را با هر دو قدرت جهانی مرتبط با زمینه سوریه - روسیه و ایالات متحده - ادامه دهد. روسیه به کاهش نفوذ طولانی‌مدت ایران در سوریه علاقه دارد، اما به دلیل پیچیدگی روابط استراتژیک بین کشورها در سطوح دیگر نمی‌خواهد و نمی‌تواند آن را از سوریه حذف کند. با این حال، مسکو با توجه به افزایش نفوذ خود در بازسازی ارتش سوریه، توانایی آن را دارد که حداقل سرعت ساخت ماشین جنگی ایران در سوریه را که به سیستم‌ها و زیرساخت‌های ملی و نظامی سوریه وابسته است، کاهش دهد. هماهنگی با روسیه همچنین برای حفظ آزادی عمل اسرائیل، جلوگیری از اصطکاک نظامی و تدوین تصویر مشترکی از چالش‌های پیش روی آن‌ها ضروری است.



اسرائیل باید به اعمال فشار سیاسی بر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ادامه دهد تا از تامین سیستم‌های دفاعی هوایی پیشرفته برای رژیم اسد جلوگیری کند، به خصوص تا زمانی که ایران را قادر سازد تا در قلمرو خود مستقر شود.

با وجود تمایل ایالات متحده به عقب‌نشینی نیروهایش از شمال شرق سوریه، اسرائیل باید به تلاش‌های خود برای قرار دادن ایالات متحده در فرآیند ایجاد ترتیبات در سوریه و ترویج تعهد آمریکا برای مسدود کردن محور تامین شیعه بین عراق و سوریه (و لبنان) ادامه دهد. انتظار می‌رود که ایالات متحده به حمایت سیاسی از اسرائیل ادامه دهد (به شرطی که اسرائیل آن را در درگیری‌های عراق و شرق سوریه درگیر نکند) اما از وارد شدن به جنگ دیگری در خاورمیانه خودداری خواهد کرد. در نتیجه، اسرائیل و ایالات متحده خوب است که در ازای تخفیف تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و ایران، پیشنهاد روسیه برای حذف توانایی‌های ایران که اسرائیل را از سوریه تهدید می‌کند، بررسی کنند. اگر فرمولی برای بازگشت ایران به مذاکرات در مورد یک قرارداد هسته‌ای به روز شده (برجام) ایجاد شود که شامل کاهش دخالت ایران در منطقه است، چنین توافقی امکان پذیر خواهد بود.

هدف اسرائیل تلاش برای توسعه یک گروه گسترده از شرکا برای جلوگیری از تحکیم محور کشتی ایران از تهران به دریای مدیترانه است. جدا از ایالات متحده، شرکای بالقوه آن کشورهای عرب سنی و اروپایی هستند. بخشی از این روند همچنین باید شامل تقویت کنترل گذرگاه‌های مرزی بین سوریه و لبنان باشد - که ایرانی‌ها و حزب‌الله را محدود خواهد کرد و در عین حال (حداقل به ظاهر) قدرت حاکمیت لبنان را تقویت خواهد کرد. یک طرح جایگزین برای بازسازی سوریه به رهبری غرب و کشورهای عربی سنی باید آماده شود به جای این که بازسازی را به طور پیش‌فرض به ایران واگذار کند. اسرائیل همچنین می‌تواند در چنین تلاشی شرکت کند و از طریق شخص ثالث، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم به سمت جنوب سوریه، به ویژه استان‌های قنیطره<sup>۱</sup> و درعا<sup>۲</sup> در طرف سوریه ارتفاعات جولان را هدایت کند.

## جمع بندی

روشن شده است که ارزیابی‌های انجام‌شده توسط اسد مبنی بر شکست مخالفانش پیش از موعد بوده و انتظار می‌رود که جنگ داخلی در سوریه با شدت کمتری ادامه یابد. ایران از مبارزات میان بازیگران داخلی و خارجی برای ادامه تقویت خود در سوریه استفاده خواهد کرد و عناصر جهادی سلفی نیز ممکن است از این وضعیت برای احیای خود بهره‌برداری کنند. بحران اقتصادی و بشردوستانه به دلیل عدم وجود یک عنصر غربی که مایل به سرمایه‌گذاری در سوریه باشد در حالی که ایران درگیر است و اسد

1. Quneitra  
2. Daraa

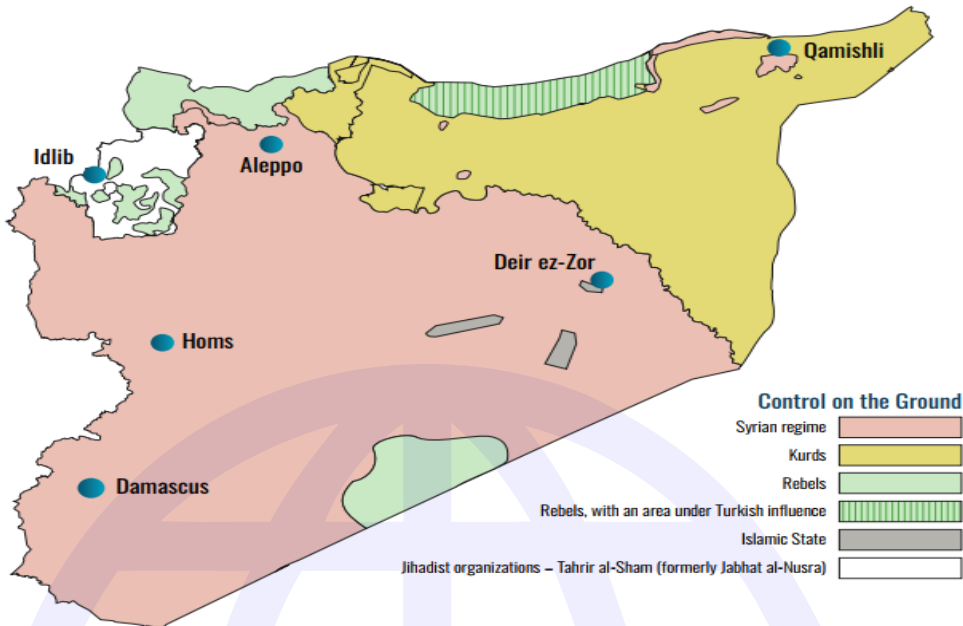
در قدرت باقی می‌ماند، ادامه خواهد یافت. همه بازیگران مربوطه در تنظیم یک حل و فصل سیاسی و اجرای اصلاحات دولتی در سوریه که قطعاً یکی از آن‌ها پایان دادن به حکومت اسد است، دچار مشکل خواهند شد.

بادهای جنگ در میدان شمالی قوی‌تر از سال‌های قبل می‌وزد. اسرائیل ممکن است دو مزیت عمده خود را از دست بدهد: اول، توانایی آن برای فعالیت آزادانه در برابر ساخت ماشین جنگ ایران در سوریه، بدون خطر تشدید؛ و دوم، دانشی که آمریکا با اسرائیل خواهد ایستاد و محور تامین شیعیان از ایران از طریق عراق به سوریه و لبنان را مسدود خواهد کرد. در نتیجه، اسرائیل باید یک برنامه به روز شده برای مبارزه در حال پیشرفت علیه تحکیم ایران در منطقه شمالی تدوین کند، و در عین حال، برای چالش نظامی چند تئتری آماده شود که ممکن است به تنهایی با آن مواجه شود. دولت بعدی اسرائیل با چهار تصمیم استراتژیک جدی مواجه است:

- اولی شامل مجموعه‌ای از پاسخ‌ها به حمله ایران به زیرساخت‌های نظامی و ملی در اعماق اسرائیل با استفاده از موشک‌های کروز، سلاح‌های با مسیر بلند و وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین است.
- دوم در نظر دارد که آیا سیاست در قبال رژیم اسد را تغییر دهد و آن را مسئول تحولات سوریه از جمله دخالت ایران بداند.
- سومین بحث این است که آیا خط قرمزی در مورد انبار موشکی دقیق حزب‌الله وجود دارد که نیازمند یک حمله پیشگیرانه اسرائیل برای حذف تهدید جبهه داخلی تحت شرایطی است که برای اسرائیل مطلوب‌تر از به تعویق انداختن جنگ به زمان نامعلوم در آینده است.

مورد چهارم چگونگی تشدید مبارزات انتخاباتی علیه نفوذ ایران در عراق را بررسی می‌کند در حالی که از تاثیر ترور سلیمانی و هماهنگی نزدیک با ایالات متحده استفاده می‌کند.

## The Situation in Syria, Early 2020



Fatalities  
500,000



Refugees  
6 million



Displaced persons  
6.3 million



Cost of reconstruction  
\$400 billion (est.)



Unemployment  
50-60%



Currency exchange rate  
\$1=900 Syrian pounds (all-time low)

وضعیت سوریه، اوایل سال ۲۰۲۰

## ۵. نظام فلسطینی: ضعیف شده و در آستانه فروپاشی

یودی دکل، نوآ شوسترمن<sup>۱</sup> و آنات کورز<sup>۲</sup>

| نگاهی کوتاه:  | توصیه‌ها:  |
|---|--|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>چالش‌های رو به رشد سیستم تقسیم شده فلسطین</li> <li>پیش‌بینی روز بعد از عباس و طرح ترامپ</li> <li>خطرات تشدید درگیری در غزه نیاز فوری برای رسیدن به توافق با حماس را تشدید می‌کند.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>تصویب طرح INSS برای عرصه فلسطین</li> <li>گام‌های جداسازی اولیه و تقویت تشکیلات خودگردان</li> <li>استفاده از کمک مصر برای ایجاد ثبات در نوار غزه</li> <li>ایجاد مکانیسم‌هایی برای جلوگیری از افزایش توان نظامی فلسطین</li> </ul> |

### یک سیستم تقسیم شده

سیستم فلسطینی به دو زیر سیستم تقسیم می‌شود: تشکیلات خودگردان فلسطین که بر کرانه باختری حکومت می‌کند و حماس که بر نوار غزه حکومت می‌کند. اگرچه ایده آشتی درون فلسطینی از مدت‌ها پیش مطرح بوده و از حمایت عمومی گسترده‌ای برخوردار است، تا زمانی که محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی باقی بماند، عملی نخواهد شد. عباس همواره خواستار برچیدن جناح نظامی حماس و تحقق چشم‌انداز «یک قدرت، یک قانون، یک سلاح» است. حماس شدیداً با این تقاضا مخالف است.

دو رهبر فلسطینی با یکدیگر رقابت می‌کنند، در تحکیم مشروعیت خود در سرزمین تحت کنترل خود مشکل دارند، و درگیر مسائل فوری هستند. با این حال، این سازمان به دلیل ناتوانی در تامین نیازهای اساسی جمعیت غزه، در معرض فشارهای داخلی قرار دارد. تشکیلات خودگردان به همین ترتیب هم از نظر سیاسی و هم از نظر افکار عمومی تضعیف شده است و بحران اقتصادی شدیدی را تجربه می‌کند.

1. Noa Shusterman

2. Anat Kurz

## تشکیلات خودگردان

اهداف فوری تشکیلات خودگردان (PA)، بقا، تحکیم حکومت فتح و تضمین میراث عباس است. در حال حاضر شورای مردمی بدون از دست دادن دستاوردهایی که از زمان پیمان اسلو به دست آورده‌است، بر سر دوراهی قرار دارد که چگونه می‌توان به سوی اهدافش پیش رفت. در حالی که چهره‌های ارشد هر چند وقت یک‌بار تهدید می‌کنند که PA را منحل کنند و «کلیدها را به اسرائیل بازگردانند»، در عمل به نظر می‌رسد که PA در مورد چنین حرکتی محتاط است.

چالش اقتصادی یک مساله اصلی است. در اوایل سال ۲۰۱۹، PA اعلام کرد که دریافت درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری‌شده توسط اسرائیل را متوقف خواهد کرد، به دنبال تصمیم دولت اسرائیل مبنی بر کسر مجموع پرداخت‌هایی که به خانواده‌های زندانیان و افراد کشته‌شده در عملیات (شهادت) منتقل می‌شود. وجوه مالیاتی اسرائیل بخش قابل توجهی از درآمد کلی دولت فلسطین و بخشی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. در حالی که در PA فراخوان‌هایی برای قطع کامل ارتباط مالی اش با اسرائیل وجود دارد، با توجه به وابستگی PA به اسرائیل از نظر اشتغال و تجارت، آن‌ها قابل دوام نیستند: بیشتر صادرات از PA برای اسرائیل در نظر گرفته شده‌است، و یک دهم نیروی کار در اسرائیل به کار گرفته شده‌است. این وابستگی مشکل‌ساز با کاهش بودجه آمریکا و آژانس امدادسانی و کاریبی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (اونروا) ۱، و با مشکلات در به دست آوردن کمک‌های مالی خارجی از منابع دیگر، به ویژه کشورهای عربی ترکیب می‌شود. در تلاش برای کنترل بحران قریب‌الوقوع، اسرائیل و PA راه‌حل موقت را برای انتقال وجوه تنظیم کردند که PA را قادر ساخت تا سال ۲۰۱۹ را با آرامش نسبی تحمل کند. با این وجود، در برابر این مشکل مالی، تشکیلات خودگردان مجبور شد حقوق را به نصف کاهش دهد و هزینه‌ها را کاهش دهد. کسانی که در بخش عمومی استخدام شده‌اند - و بخش قابل توجه اشتغال را تشکیل می‌دهند - تلفات اصلی شامل اعضای دستگاه‌های امنیتی هستند که به هیچ وجه مسئول ثبات فعلی در کرانه باختری نیستند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، دستگاه‌های امنیتی با جمعیتی مواجه هستند که نقش خود را به عنوان مجریان قانون و نظم به چالش می‌کشند، در حالی که اعتماد عمومی به PA به دلیل شکست عملکرد و فساد به نقطه پایینی رسیده‌است.

در عین حال، هماهنگی میان نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان و ارتش اسرائیل، مطابق با علاقه تشکیلات خودگردان به جلوگیری از شیوع خشونت و با توجه به رد مداوم عباس از مسیر تروریسم ادامه دارد. این امر علی‌رغم نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده حمایت فزاینده مردم فلسطین از مبارزه خشونت‌آمیز است. توانایی دولت فلسطین برای به چالش کشیدن اسرائیل، از طریق قطع همکاری اقتصادی و توقف

1. United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East (UNRWA)

همکاری امنیتی یا از طریق مبارزه سیاسی در مجامع بین‌المللی، محدود است. علاوه بر این، مساله فلسطین به تدریج مرکزیت و اهمیت خود را در گفتمان منطقه‌ای و بین‌المللی از دست می‌دهد. در حالی که تشکیلات خودگردان هنوز به عنوان نماینده رسمی فلسطین و به عنوان حلقه اتصال فلسطینی‌ها به طور کلی با جامعه بین‌المللی و به طور خاص با جهان عرب شناخته می‌شود، تاثیر آن کاهش یافته است، چرا که مساله فلسطین به حاشیه رانده شده است.

## اهمیت و نگاهی به آینده

با وجود رهبری بلامنازع محمود عباس به عنوان رئیس ساف، تشکیلات خودگردان و جنبش فتح، سن و سال او و سلامتی اش ایجاب می‌کند که به آینده نگاه کنیم. در زیر این ظاهر، یک روز پس از عباس رقابت بر سر رهبری در جریان است که می‌تواند به یکی از سناریوهای زیر منجر شود:

- تجزیه قدرت در میان سه پست (رئیس ساف، رئیس تشکیلات خودگردان و رئیس فتح) و انتخاب یک رهبری جمعی (احتمال متوسط - بالا)
- انتخاب یک رهبر واحد از فتح توسط کمیته مرکزی به عنوان وارث عباس (با احتمال متوسط)
- سقوط تشکیلات خودگردان و تقویت بنیادهای قبیله‌ای و رهبری منطقه‌ای به جای آن (احتمال کم)
- ظهور یک گزینه سیاسی برای رهبری موجود. این سناریو بسیار بعید است، اگر چه نشانه‌هایی از برخی از مردم به دنبال یک مسیر جدید هستند.

مساله جان‌شینی، و نیز از دست دادن مشروعیت رهبری از دید عموم، باعث شده است که عباس و همکارانش انتخابات را در ماه‌های آینده در دو مرحله، ابتدا برای شورای قانونگذاری، با توجه به سیستم متناسب، و سپس برای ریاست‌جمهوری ارتقا دهند. حماس و سایر جناح‌ها در اصل برای ایده انتخابات توافق کرده‌اند، اما آن‌ها مخالف قانون انتخابات هستند (که توسط عباس در سال ۲۰۰۷ اصلاح شد)، که شرایط برگزاری انتخابات برای به رسمیت شناختن ساف و توافق‌نامه‌هایی که امضا کرده است. به نظر می‌رسد که طرفین در «بازی سرزنش<sup>۱</sup>» شرکت خواهند کرد تا مسئولیت عدم برگزاری انتخابات را به طرف دیگر نسبت دهند. در هر صورت، حماس احتمالاً به تلاش برای تسلط بر نهادهای PA و نفوذ به صفوف ساف ادامه خواهد داد و سپس از عزیمت عباس برای درخواست مشارکت در رهبری فلسطین و تعمیق نفوذ آن در کرانه باختری بهره‌برداری خواهد کرد. اسرائیل توانایی به حداقل رساندن آسیب با ممانعت از حماس در کرانه باختری و حتی ارتقای فرصت‌ها پس از خروج عباس را دارد، تا زمانی که رهبر بعدی «تاجگذاری» نکند، اما به تقویت رهبری که توسط دستگاه فتح یا در انتخابات عمومی انتخاب می‌شود، کمک می‌کند.

1. blame game

## حماس در نوار غزه

حماس بین مسئولیت خود برای اداره نوار غزه و هویت آن به عنوان یک جنبش مقاومت گیر کرده است، و در این زمینه با چالش‌هایی در سه سطح مواجه است:

- اول این که خود حماس به گروه‌هایی تقسیم می‌شود که در مورد سوالات اساسی مخالف هستند، به عنوان مثال، حمایت از روابط با مصر در مقابل حمایت از ایران؛ و حمایت از توافق محدود با اسرائیل در مورد آتش‌بس، در مقابل حمایت از نیروهای مسلح. در نتیجه، رهبری با سختی‌هایی در هدایت و اتخاذ اقداماتی ویژه روبروست.

- سطح دوم سختی یا بی‌تمایلی نسبت به محدود کردن دیگر سازمان‌های مقاومت بصورت اجباری است، که تحت تاثیر علایق دیگر قرار گرفته‌اند.

- سطح سوم این است که حماس هدف افزایش انتقاد عمومی برای حاکمیت نامناسب است. با این وجود، در سال ۲۰۱۹، حماس توانایی سرکوب موثر اعتراضات اجتماعی و هدایت خشم به سوی اسرائیل را نشان داد.

از مارس ۲۰۱۸، نوار غزه به یک درگیری نزدیک شده است، حتی اگر اسرائیل و حماس به تشدید درگیری علاقه‌ای نداشته باشند. رهبری حماس در غزه به اسرائیل اتمام حجت تشدید یا ترتیبات را ارائه کرده است. این امر امکان تنظیم محدود با اسرائیل را فراهم کرد که شامل ورود پول قطر به غزه، در عوض تعهد به کاهش مقاومت مردمی در امتداد حصار می‌شود. در پشت سر هم، رهبران حماس در حال تشدید بازدارندگی نظامی خود علیه اسرائیل هستند - این سازمان در پاسخ به فعالیت نظامی اسرائیل به آتش موشک شلیک می‌کند و عمدتاً به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل در مذاکرات، به منظور تسهیل وضعیت غیر نظامی در غزه.

## اهمیت و نگاهی به آینده

گزینه‌های مختلفی برای سیاست اسرائیل در قبال حماس و نوار غزه وجود دارد.

- رسیدن به تفاهم با حماس از طریق میانجیگری مصر و توافق بر سر آتش‌بس گسترده، در عوض تسهیل قابل ملاحظه بستن غزه.

- ایجاد شرایط برای آشتی درون فلسطینی به عنوان اهرمی برای بازیابی کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین بر غزه (جایگزینی که به دست اسرائیل نیست)

- ادامه سیاست فعلی مدیریت تعارض، همزمان با تطبیق با تغییرات در موقعیت

- قطع کامل غزه از اسرائیل و کرانه باختری

### ● راه‌اندازی یک کمپین نظامی برای شکست جناح‌های نظامی حماس و جهاد اسلامی

گزینه ارجح و امکان پذیر، آتش‌بس طولانی‌مدت بین اسرائیل و حماس است که با میانجیگری مصر، ترجیحاً در هماهنگی با مقامات فلسطینی - اگرچه احتمال این امر کم است - که شامل بسته شدن غزه و پیشبرد پروژه‌های زیربنایی می‌شود. تحت شرایط فعلی، به نظر می‌رسد که یک عملیات نظامی گسترده به اسرائیل یک مزیت مذاکره تصمیم گرفته یا شرایط بهتر مذاکره نسبت به آنچه که امروز می‌توان به آن دست یافت نخواهد داد، و حتی خطر فروپاشی ظرفیت دولتی در نوار غزه وجود دارد. علاوه بر این، یک حرکت نظامی از این نوع به راه حلی منجر نمی‌شود که در برابر حماس و تجمع نظامی جهاد اسلامی تضمین کند.

در این زمینه، مصر نقش اساسی در ایجاد ثبات در غزه دارد و خود را به عنوان میانجی انحصاری بین اسرائیل و حماس و جهاد اسلامی قرار داده‌است. قاهره به آرامی تلاش می‌کند تا منافع مخالف را متعادل کند: از یک سو، به دنبال ایجاد یک توافق گسترده و آتش‌بس بین اسرائیل و حماس - بدون درگیر شدن و مسئولیت برای غزه - به منظور ارتقای ثبات و امنیت است که می‌تواند به احیای گردشگری در سینا و پروژه‌های اقتصادی در شمال سینا کمک خواهد کرد. از طرف دیگر، حماس را بخشی از یک راه حل دائمی نمی‌داند و علاقه مند به بازگشت تشکیلات خودگردان در غزه است. در همین زمان، قاهره در تلاش است تا از دخالت سایر بازیگران سیاسی در غزه، به ویژه رقبای قطری، ترکی و ایرانی خود جلوگیری کند.

### چالش‌های اصلی برای اسرائیل

اسرائیل تاثیر قابل توجهی بر سیستم فلسطین دارد. اقدامات آن نشان می‌دهد که در عمل، این کشور تصمیم گرفته است که تشکیلات خودگردان فلسطین را تضعیف کرده و افزایش در مورد «شریک بودن» خود در توافق تردید ایجاد کند، هرچند که PA هماهنگی امنیتی با اسرائیل را حفظ کرده و اجازه آزادی عملیاتی ارتش اسرائیل در کرانه باختری را می‌دهد. رویکرد دولت اسرائیل طی یک دهه گذشته بازی در زمان بوده و در نتیجه تأسیس کشور فلسطین را تا آنجا که ممکن است به تعویق انداخته است. با این ایده که «زمان به نفع اسرائیل است» در عرصه فلسطین، هدف از این سیاست - در غیاب یک گزینه دیگر - حفظ حماس به عنوان یک نهاد سیاسی ضعیف است که هم بازیگران سرکش را مهار می‌کند و هم از یک حمله بزرگ جلوگیری می‌کند. در عمل، سیاست مدیریت مناقشه اسرائیل نیازمند تمایز غزه از کرانه باختری است، بنابراین به طور ضمنی برای جلوگیری از پیشرفت آشتی بین شورای مردمی و حماس کار می‌کند. این استراتژی تقسیم بین زیرسیستم‌ها می‌تواند منجر به افزایش هرج و مرج شود، به ویژه اگر وضعیت پس از خروج عباس بی‌ثبات شود و اگر مشکلات اساسی نوار غزه بدتر شود.



این زمان دشوار برای ایده ملی فلسطین است. از یک سو، تشکیلات خودگردان به پایبندی به راه حل دو دولت ادامه می‌دهد، در حالی که از سوی دیگر، در میان فلسطینیان جوان، صداهای بیشتر و بیشتری وجود دارد که خواستار تعیین اولویت‌های جدید با تمرکز بر ترک اصل دو دولت و به جای آن اتخاذ ایده «دولت همه شهروندان» است که حقوق مدنی برابر برای فلسطینی‌ها در دولت اسرائیل اعطا می‌کند. این صداها می‌تواند پس از تحقق یک یا چند سناریوی زیر را تقویت کند: اگر تشکیلات خودگردان فلسطین خود را در برابر جنگ داخلی جان‌شینی عباس تسلیم کند یا دچار بحران شدید اقتصادی و بشردوستانه شود؛ اگر اسرائیل اقدامات الحاقی را در کرانه باختری دنبال کند؛ یا اگر طرح ترامپ برای توافق بین اسرائیل و فلسطین عملی شود و مربوط به کشور فلسطین نباشد یا شامل به رسمیت شناختن الحاق اسرائیل باشد.

در سال ۲۰۲۰، انتظار می‌رود که حماس به سازماندهی تظاهرات علیه اسرائیل و ارتکاب حوادث خشونت‌آمیز در امتداد مرز به منظور دستیابی به درک بهتر برای یک توافق، از جمله حذف «محاصره» و برنامه‌های بازسازی و زیرساخت‌های جدید در غزه، با تاکید بر یک بندر دریایی ادامه دهد. در عوض، حماس با آتش بس گسترده و جامع موافقت خواهد کرد. در چارچوب یک توافق گسترده و در عوض آزادی گسترده زندانیان اسرائیلی، این امکان وجود دارد که با آزادی غیر نظامیان اسرائیلی و اجساد سربازان اسرائیلی موافقت کند. با این حال، حماس تلاش‌های خود را برای توسعه و حفظ ابزار مبارزه در اختیار خود (از کیت‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین انفجاری گرفته تا موشک‌ها، پهپادها و تونل‌ها) - که هدف آن جلوگیری اسرائیل از مبارزات نظامی در غزه و تحت فشار قرار دادن آن به عنوان بخشی از مذاکرات با میانجیگری مصر برای یک توافق است، تسلیم نخواهد کرد. در این زمینه، عدم تمایل حماس به پیوستن به جهاد اسلامی در تشدید جنگ با اسرائیل در نوامبر ۲۰۱۹ را می‌توان منعکس کننده علاقه این کشور به یک توافقنامه دانست.

اگر اسرائیل و حماس به توافق بر سر آتش بس گسترده نرسند و آن را اجرا نکنند، احتمال درگیری نظامی بزرگ در نوار غزه افزایش خواهد یافت - به شکل تشدید نامطلوب که بر خلاف منافع هر دو طرف رخ می‌دهد (مانند عملیات تیغه حفاظتی در تابستان ۲۰۱۴). هدف اسرائیل در یک عملیات نظامی، وارد کردن خسارات جدی به جناح‌های نظامی حماس و جهاد اسلامی تا حد از بین بردن آن‌ها خواهد بود، در حالی که حماس را به عنوان یک مقام اجرایی حاکم و اجتناب از سناریویی که به موجب آن یکی از سازمان‌های سرکش سلفی مسئولیت را به عهده می‌گیرد یا IDF برای از سرگیری کنترل بر غزه کشیده می‌شود، در جای خود باقی می‌گذارد.



در حالی که IDF برای عملیات نظامی گسترده در غزه آماده است، مشخص نیست که استراتژی خروج آن چه خواهد بود. اگرچه ارتش اسرائیل بلافاصله پس از یک کارزار تلاش می‌کند تا تمام نیروهای خود را بیرون بکشد، اما تثبیت نوار غزه در روز بعد از کارزار همچنان یک سوال باز است. در این مورد، دو سناریوی ممکن وجود دارد: اولی یک دستاورد نظامی واضح برای اسرائیل است، که شامل خسارات سنگین خواهد بود، و پس از آن ایجاد یک توافق مشابه در اصل با آنچه که حماس مایل است امروز در مورد آن به توافق برسد. دومین مورد، سرنگونی حماس است، چه عمدی باشد و چه نباشد، که خلا حکومتی در غزه باقی می‌گذارد که منجر به هرج و مرجی خواهد شد که می‌تواند اسرائیل را به نوار غزه بازگرداند.

### توصیه‌هایی برای سیاست اسرائیل

مشکل فلسطین در آستانه اسرائیل بود و هست. پیامدهای بحران استراتژیک در سیستم فلسطین به نفع اسرائیل نیست و احتمال تشدید آن در نوار غزه و کرانه باختری را افزایش می‌دهد. با این حال، وضعیت فعلی اسرائیل را قادر می‌سازد تا با ترویج جدایی سیاسی، ارضی، و جمعیتی و یک نهاد مستقل و متمایز فلسطینی در کرانه باختری، حتی بدون یک توافق جامع، ساختار مطلوب تری از روابط با فلسطینی‌ها را شکل دهد، همراه با گام‌های محدود در آرایش در نوار غزه که حداقل امکان به تعویق انداختن درگیری آینده را فراهم می‌کند. برای رسیدن به این هدف، اسرائیل باید از دو طریق عمل کند:

- اولی تقویت تشکیلات خودگردان فلسطین به عنوان تنها نهاد مشروع برای توافق آینده است، در حالی که آن را به عنوان یک مقام مسئول، کارآمد و پایدار و رشد اقتصادی تقویت می‌کند. اسرائیل باید یک هدف سیاسی برای دستیابی به ترتیبات انتقالی تنظیم کند که تفکیک را شکل دهد و شرایط را برای واقعیت آینده دو کشور، براساس طرح INSS، یک چارچوب استراتژیک برای منطقه اسرائیلی - فلسطینی، طرح‌ریزی کند.

- دومین مورد، دیدن حماس به عنوان نهادی است که به طور موقت مسئول نوار غزه است و دستیابی به آتش‌بس گسترده با آن، در عوض تسهیل قابل توجه بستن نوار غزه؛ و به موازات آن، حفظ هماهنگی نزدیک با مصر و سازمان ملل یا گروه چهارجانبه برای پیشبرد پروژه‌های حیاتی بشردوستانه در غزه، با کمک جامعه بین‌المللی.

دولت ترامپ راه‌حل متفاوتی نسبت به دولت‌های قبلی ارائه کرده‌است، از جمله کاهش مرکزیت راه‌حل دو دولت و تغییر رویکرد به غیرقانونی بودن شهرک‌ها. مشخص نیست که آیا و چه زمانی این طرح عملی خواهد شد، اما در هر صورت، به احتمال زیاد توسط رهبری فلسطین و اردن رد خواهد شد و با شک

و تردید سایر کشورهای عربی مواجه خواهد شد. در مقابل، دولت اسرائیل احتمالاً اصول این طرح را می‌پذیرد. منطق زیربنایی این طرح، که بر این باور است که واقعیت روی زمین را نمی‌توان نادیده گرفت، منافع اسرائیل را هم به عنوان راهنمایی برای مذاکرات آینده و هم برای تشویق به رسمیت شناختن این واقعیت که زمان به نفع آن‌ها نیست، تامین می‌کند. دولت اسرائیل باید از این طرح برای کمک به ایجاد واقعیت دو نهاد سیاسی متمایز استفاده کند - نه با قرار دادن PA به عنوان مخالف صلح، بلکه با گنجاندن آن به عنوان یک شریک ضروری در فرآیند جدایی تدریجی در کرانه باختری.

علاوه بر این، در سال‌های اخیر، زمینه قانونی در اسرائیل برای الحاق شهرک‌ها در کرانه باختری در حال آماده شدن است و به وعده نتانیاهو مبنی بر الحاق دره اردن می‌پیوندد. اعلام تمامی یا بخشی از کرانه باختری نشان‌دهنده تغییر در دیدگاه اساسی دولت اسرائیل به عنوان یک کشور یهودی، دموکراتیک، امن و اخلاقی با مرزهای به رسمیت شناخته‌شده و مشروعیت بین‌المللی است. اقدامات الحاق اسرائیل احتمالاً با تشدید اپوزیسیون فلسطینی و بین‌المللی مواجه خواهد شد. علاوه بر این، اقدامات در این جهت احتمالاً به روابط اسرائیل با اردن و مصر آسیب خواهد رساند، منجر به افزایش خشونت و تروریسم و پایان دادن به همکاری امنیتی با PA خواهد شد. بنابراین، از مراحل الحاق باید اجتناب شود، حتی اگر توسط طرح ترامپ تسهیل شود.

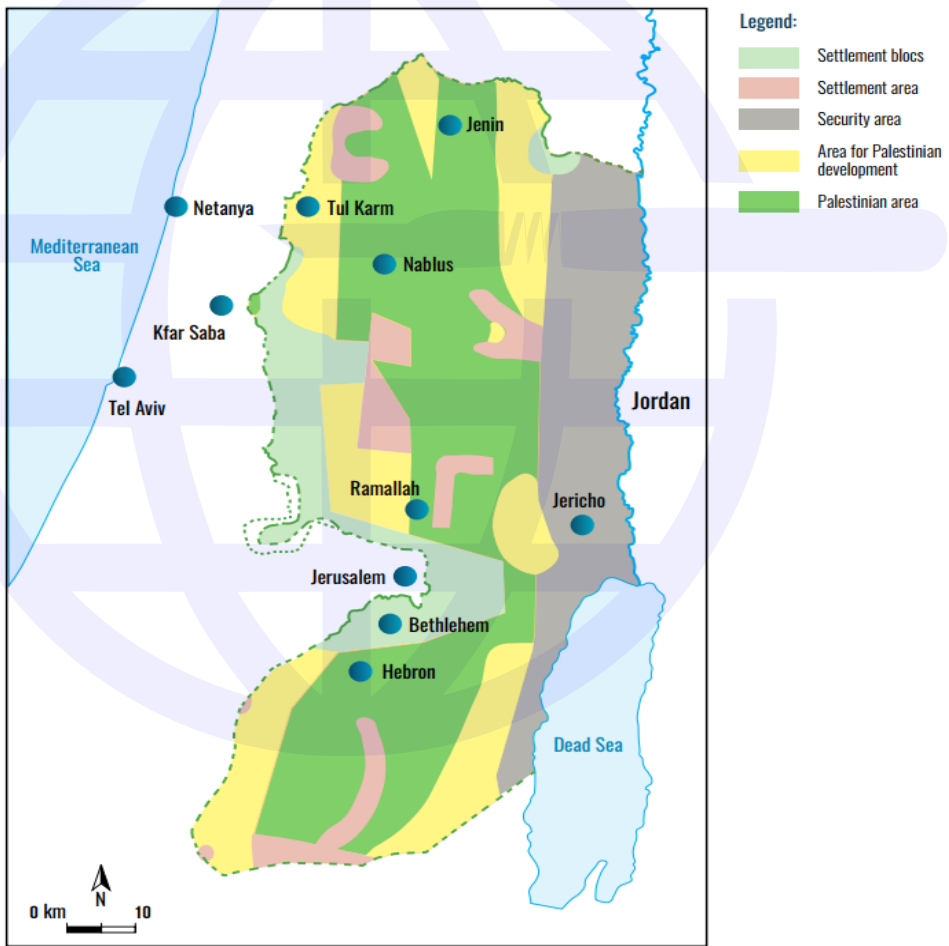
با توجه به روابط با اردن، اسرائیل در این پادشاهی به عنوان مسئول بن‌بست سیاسی و طرح ترامپ دیده می‌شود که به نفع آن جانبدارانه است. بیشتر مردم اردن متقاعد شده‌اند که جناح راست اسرائیل اردن را به عنوان سرزمین جایگزین برای فلسطینی‌ها می‌بیند. گسترش الحاق این مفهوم را تشویق می‌کند در نتیجه آینده روابط صلح‌آمیز را تهدید می‌کند. چالش دیگر حفظ وضعیت موجود در کوه معبد و ناتوانی بالقوه اردن در ایفای نقش خود به عنوان متولی مکان‌های مقدس است. بنابراین، همراه با ارائه یک دیدگاه سیاسی به مناقشه اسرائیل و فلسطین، دولت اسرائیل باید به اردن کمک اقتصادی کند، ثمرات صلح را پرورش دهد و گفتگوهای استراتژیک دو جانبه را تقویت کند.



### گزینه‌های سیاسی اسرائیل در قبال حماس در نوار غزه

- مدیریت تعارض
- تنظیم طولانی‌مدت آتش‌بس بین اسرائیل و حماس
- قطع تماس بین غزه و اسرائیل و کرانه باختری
- مبارزه برای سرنگونی شاخه نظامی حماس و حماس
- شرایط و حمایت از آشتی درون فلسطینی

### طرح: INSS یک چارچوب استراتژیک برای منطقه اسرائیلی-فلسطینی (نقشه شماتیک)



## ۶. جامعه اسرائیلی: چالش‌های سازگاری جامعه

میر الران<sup>۱</sup>، کارمیت پادان<sup>۲</sup>، پنینا شارویت باروخ<sup>۳</sup>، ساسون حداد<sup>۴</sup>، زیپی اسرائیلی<sup>۵</sup>، شموئل اِون<sup>۶</sup> و یهودا بن میر<sup>۷</sup>

| نگاهی کوتاه:  | توصیه‌ها:   |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>● بحران سیاسی مداوم و گفتمان تفرقه‌انداز، تضاد در جامعه اسرائیل را تشدید کرده و همبستگی را تضعیف می‌کند،</li> <li>● انعطاف‌پذیری اجتماعی در مواجهه با چالش‌های شدید امنیتی مختل می‌شود.</li> </ul> | <p>سرمایه‌گذاری پیشرفته در آمادگی، با توجه به یک برنامه چند ساله آگاهانه که می‌تواند جامعه اسرائیل و جبهه مدنی را با ایجاد و تقویت مکانیسم‌های مقاومت جدید و موجود تقویت کند.</p> |

### بحران سیاسی

جامعه اسرائیل در سال ۲۰۱۹ پس از دو دوره انتخابات ملی و آماده‌سازی برای دور سوم در مارس ۲۰۲۰، اولین و مهم‌ترین ویژگی بحران سیاسی جاری را داشت. این بن‌بست انتخاباتی، که در اسرائیل بی‌سابقه بود، نه تنها شامل ناتوانی در تشکیل دولت ائتلافی می‌شد، بلکه عملکرد عادی ادارات دولتی و توانایی تصمیم‌گیری در مورد مسائل بحرانی را نیز محدود می‌کرد. فراتر از این، بن‌بست سیاسی، مجموعه‌ای از کمبودهای عمیق در جامعه و چارچوب‌های سیاسی و قانونی آن را آشکار ساخت. این امر حتی بیشتر از طریق گفتمان سیاسی تفرقه‌انداز، افراطی و سطحی - هم در میان سیاستمداران و همکاران آن‌ها و هم در رسانه‌ها - با تمرکز بر مسائل شخصی و قانونی مربوط به نخست‌وزیر تشدید شد. در نتیجه، انجام هر گونه بحث عمومی واقعی در مورد مسائل اصلی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که برای شخصیت و آینده دولت اسرائیل ضروری هستند، دشوارتر شده‌است.

علاوه بر این، مسائل امنیتی و سیاسی «سنتی» مانند برنامه هسته‌ای ایران، تقویت نظامی ایران در منطقه، روابط با دولت فلسطین، یا سیاست اسرائیل در قبال حماس در نوار غزه - به سختی هر گونه

1. Meir Elran
2. Carmit Padan
3. Phina Sharvit Baruch
4. Sason Hadad
5. Zipi Israeli
6. Shmuel Even
7. Yehuda Ben Meir



بحث عمومی را با تفاوت‌های بین «راست» سیاسی و «چپ» کم‌تر قابل تشخیص ایجاد کرد.

به دنبال آن، سال گذشته با عمیق‌تر کردن اختلافات عمومی ناشی از جهان‌بینی‌های مختلف، به ویژه با توجه به توازن لازم بین ارزش‌های ملی و مذهبی و آرمان‌های دموکراتیک، لیبرال و سکولار مشخص شد. چالش‌های بیشتری در مورد نیاز به احترام به حقوق بشر و تضمین محدودیت قدرت دولت وجود داشت. در زیر پرچم حکومت تقویت‌شده، گام‌های اجرایی و قانونی برداشته شد. مشروعیت انتقاد از دولت را در بخشی از موسسات تاسیس شده مانند دادگاه‌ها، مشاوران حقوقی، وکلای عمومی، مسئول دولتی، پلیس اسرائیل، یا ارگان‌های جامعه مدنی محدود می‌کند. در حال حاضر، روند ارائه چهره‌های خاص و سیستم‌های حاکم به عنوان مخالفان دولت و سیاست‌های آن ادامه دارد. منتقدان نام تجاری به عنوان مخالفت شدید می‌توانند تاثیر سردی بر ارزیابی خود داشته باشند و در موارد خاص حتی منجر به محدودیت‌های نقش خود شوند.

چنین فرایندها و روندهایی پایه‌های دموکراسی اسرائیل را تهدید می‌کند. براساس شاخص سالانه امنیت ملی INSS، که در نوامبر ۲۰۱۹ اجرا شد، کسانی که با بیانیه «دموکراسی اسرائیل در خطر است» موافق بودند از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۵۵ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافتند. حتی اگر سیستم دموکراتیک اسرائیل قوی به نظر برسد، نگرانی وجود دارد، به خصوص با توجه به روندهای مشابه جهانی که شامل اتهامات (معمولاً از طرف رهبران پوپولیستی و ضد استقرار) از «دولت عمیق» و انتقاد از «نخبگان» و نظم لیبرال است که سال‌ها به عنوان مبنای محکم دموکراسی غرب پذیرفته شده بودند.

### تضعیف همبستگی اسرائیل

سال گذشته نیز شاهد تضعیف بیشتر احساس همبستگی در جامعه اسرائیل بودیم. این امر با شکاف اقتصادی - اجتماعی بین فقیر و غنی و بین مرکز و پیرامون مشخص می‌شود. شاخص امنیت ملی INSS دریافت که ۷۰ درصد از کسانی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند با این ادعا موافق هستند که «حس همبستگی در جامعه اسرائیل کاهش یافته است». حفره‌های انسجام اجتماعی در سال گذشته در اعتراض به جامعه اتیوپی، که علیه «سیاست گذاری بیش از حد» مردم خود، و در اعتراض به بی‌کفایتی دولت در پرداختن به افزایش جرم و خشونت در جامعه خود نشان داد، مشهود بود. هر دو مثال دارای یک ویژگی مشترک هستند، چرا که اعتراضات توسط مردم اسرائیل به عنوان یک پدیده اجتماعی بخشی درک شده‌است. در مورد اول، اتوپیایی‌ها حمایت محدودی برای مبارزه خودشان از مردم اسرائیل دریافت کردند، در حالی که در مورد دوم، اقلیت عرب به سختی حمایت عمومی از جامعه یهودی دریافت کردند. به طور کلی به نظر می‌رسد که حتی اگر اسرائیل کشوری با قدرت داخلی قابل توجه باشد، سال گذشته

نشانه‌های نگران‌کننده‌تر را مشاهده کرده‌است که به روند تسریع شده تضعیف همبستگی اجتماعی در گروه‌های اجتماعی، بین گروه‌های اجتماعی و دولت، و بین فرد و دولت اشاره می‌کند.

روابط حساس دولت اسرائیل با اقلیت عرب چند جانبه نوسانات و تغییرات عمیقی را تجربه کرده‌است. این رابطه با سه روند اصلی شکل می‌گیرد که مملو از تناقضات داخلی است: اول، آرزوی روشن در میان اعراب در اسرائیل، به ویژه در میان نسل جوان، برای ادغام مدنی و حتی سیاسی - علی‌رغم نقطه شروع پایین و موانع قابل توجه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی - همراه با تمایل آن‌ها به حفظ یک هویت ملی جداگانه است. دومی خصومت و فاصله بخش بزرگی از مردم یهودی نسبت به اقلیت عرب را نشان می‌دهد، که به نوبه خود با لفاظی‌ها و اقدامات انحصاری توسط دولت و بسیاری در رهبری سیاسی تقویت می‌شود (برای مثال: قانون دولت ملی، و تصمیم به مقاومت در برابر گنجاندن احزاب عربی در ائتلاف دولتی). این امر با لفاظی‌های تند رهبران عرب اسرائیلی تکمیل می‌شود. گرایش سوم اجرای نسبتاً موفقیت‌آمیز تصمیم دولت در توسعه اقتصادی جمعیت‌های اقلیت در اسرائیل ۲۰۲۰ - ۲۰۱۶ است (تصمیم ۹۲۲)، که در حال حاضر به تسریع ادغام جامعه عرب در چارچوب نقش اجتماعی اسرائیل کمک کرده‌است. این مثلث پیچیده پیشرفت واضحی به سمت یکپارچگی اقتصادی و اشتغال همراه با نشانه‌هایی از تمایل به یکپارچگی اجتماعی و حتی سیاسی در بافت چند لایه دولت ایجاد می‌کند. در دراز مدت، این گرایش‌ها ممکن است مشروعیت (هنوز محدود) جامعه عرب در اسرائیل را افزایش دهد. یک آزمون اساسی از روابط حساس دولت با بخش عرب این خواهد بود که چگونه به افزایش خشونت و جنایت در جامعه می‌پردازد. موفقیت احتمالی در این زمینه حیاتی تا حد زیادی به تلاش‌های مشترک - هنوز در مراحل اولیه خود - بین موسسات دولتی و جامعه عرب و رهبران آن بستگی دارد.



یوسترهای حزب آبی و سفید و لیکودها. بحران فعلی باعث ضعیف شدن جامعه اسرائیلی و چارچوب‌های سیاسی متعدد آن شده است.

## درس رسانه

تغییرات قابل توجهی نیز در حوزه رسانه بسیار مشهود است. یک مثال، افزایش تعداد خروجی رسانه‌ها و روزنامه نگاران است که با جریان مذهبی / جناح راست / محافظه کار مشخص شده‌اند، که به متنوع سازی گفتمان کمک می‌کند و سکویی را برای مردمی فراهم می‌کند که صدایشان در گذشته در ملا عام کم‌تر شنیده می‌شد. در عین حال، گفتمان رسانه‌ای، به ویژه در طول دوره‌های انتخاباتی در حال پیشرفت، افراطی‌تر شده است، در نتیجه اختلافات را در جامعه اسرائیل تشدید می‌کند.

در حوزه امنیت، اکثریت رسانه‌ها همچنان خط استقرار خود را ادامه داده‌اند، به ندرت رویکردهای جایگزین را بیان کرده‌اند و به طور کلی به احساس وحدت در جامعه یهودی کمک می‌کنند. این بیشتر در طول بحران‌های نظامی آشکار است. به طور کلی، رسانه‌ها در چارچوب مرزهای اجماع ملی صحبت می‌کنند، مفاهیم ملی را که معمولاً در مورد حقوق سیاسی بیان می‌شوند، تقویت می‌کنند، که نشان‌دهنده حالت «کل جهان علیه ما است»، «ما همیشه با شمشیر زندگی خواهیم کرد»، «ما فقط می‌توانیم به خودمان تکیه کنیم» و مانند آن. با نگاهی به آینده، در مورد یک درگیری گسترده نظامی، لازم است تعادلی در رسانه بین تنوع صدا بدون از بین بردن تفاوت‌های رویکرد در جامعه از یک سو و خودداری از تشدید اختلافات از سوی دیگر، یافت شود.



## زمینه اقتصادی

اسرائیل در سال ۲۰۱۹ نسبت به کشورهای توسعه‌یافته در حال شکوفایی است. تولید در حال رشد است، بیکاری در یک نقطه پایین است، رتبه‌بندی اعتباری در همه زمان‌ها بالا است، صادرات خالص برای سال‌ها مثبت بوده‌است، و تورم پایین است. با این وجود، اقتصاد اسرائیل از یک سری نقاط ضعف رنج می‌برد که چالش‌هایی را برای جامعه ایجاد می‌کند. مهم‌ترین آن‌ها شکاف اقتصادی بزرگ میان بخش‌های مختلف مانند بین اعراب و یهودیان، ارتدوکس افراطی و سکولار، جوامع پیرامونی و مرکزی و بین بخش‌های مختلف اشتغال است.

دولت باید راه‌هایی را برای کاهش شکاف‌های اجتماعی - اقتصادی و افزایش ادغام مردان ارتدوکس افراطی و زنان عرب در بازار کار و افزایش بهره‌وری آن‌ها در نظر بگیرد. علاوه بر این، ضروری است که تراکم ترافیک حل شود، که مانع بهره‌وری می‌شود چون بر کیفیت زندگی تاثیر منفی می‌گذارد، و هزینه‌های مسکن را کاهش می‌دهد. در مورد این مسائل، هیچ پیشرفت قابل توجهی در سال گذشته مشهود نبود، تا حدی به دلیل بن‌بست سیاسی است. فراتر از آن، اقتصاد اسرائیل تا حد زیادی وابسته به صادرات است، به طوری که رکود جهانی ممکن است تاثیر منفی بر جایگاه اقتصاد محلی بگذارد. در حوزه نظامی - اقتصادی، دولت باید هر چه زودتر یک طرح IDF چند ساله را تصویب کند که قرار است به از یک سو، به چالش‌های رو به رشد امنیتی پاسخ دهد و از سوی دیگر، پاسخگوی نیازهای اقتصادی باشد.

## نگاهی به آینده

بدون راه حلی برای بن‌بست سیاسی در حال پیشرفت، بدون حفظ تعادل لازم هویت ملی دولت اسرائیل، و بدون افزایش همبستگی اجتماعی، نگرانی جدی در مورد تضعیف بالقوه جامعه اسرائیل به وجود خواهد آمد. در حال حاضر نشانه‌هایی از خطر و بحران در چهار حوزه اصلی وجود دارد: تضعیف تعادل ظریف با توجه به هویت اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی و دموکراتیک، به ویژه در تمایل آن به سمت قطب یهود به هزینه ستون دموکراتیک؛ تعمیق شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی به ویژه در صورت وقوع یک بحران عمده اقتصادی؛ تحول گفتمان عمومی در اسرائیل به مبارزه خشونت‌آمیز نفرت و محرومیت از «دیگری»؛ و در نتیجه تضعیف تاب آوری اجتماعی در اسرائیل.

این خطرات می‌تواند حتی شکاف بزرگتری را بین بخش‌های مختلف در جامعه اسرائیل ایجاد کند و احتمالاً تاثیر منفی بر رابطه بسیار حساس بین اسرائیل و شبه نظامیان دارد. هم‌گرایی این گرایش‌های محسوس می‌تواند منجر به کاهش سرمایه اجتماعی و انسانی در اسرائیل شود و ممکن است ظرفیت آن برای ایستادگی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی را تضعیف کند.



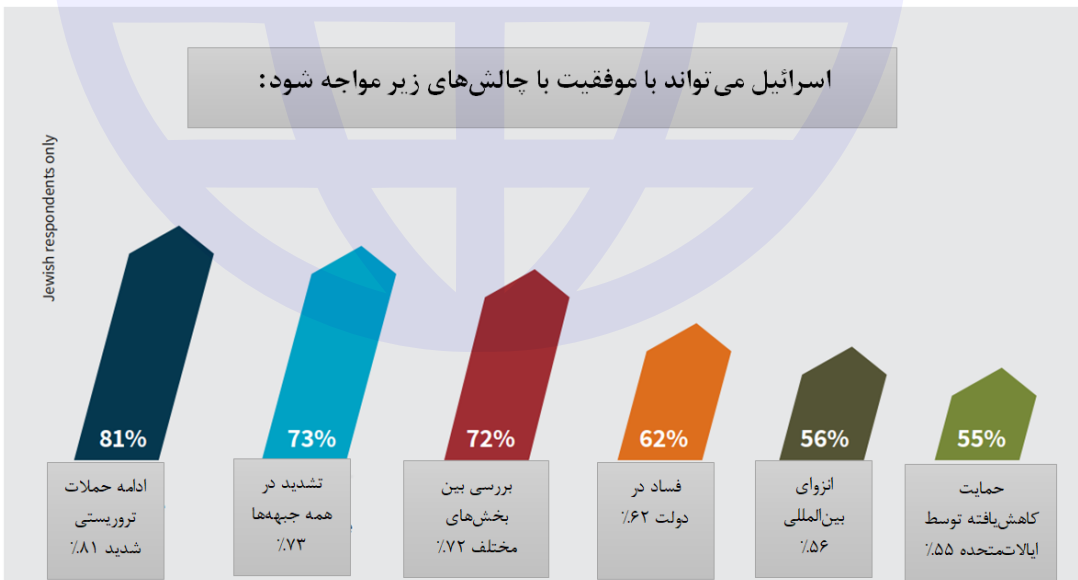
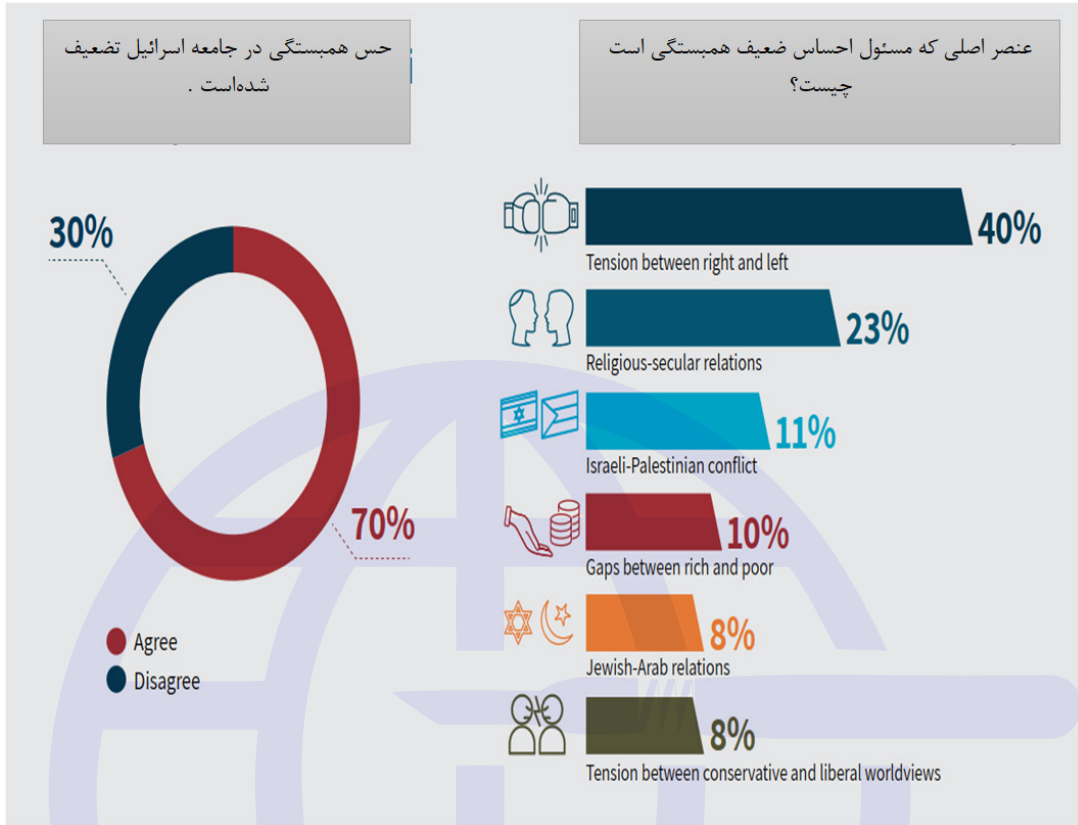
تحت شرایط یک درگیری بزرگ نظامی، بسیج عمومی و تظاهرات حمایت از IDF مانند گذشته انتظار می‌رود. با این حال، بدتر شدن وضعیت نظامی و مدنی به دنبال درگیری‌های طولانی و آسیب گسترده به جبهه داخلی، به ویژه بدون آمادگی مدنی کافی، می‌تواند انعطاف‌پذیری اجتماعی در اسرائیل را به خطر بیندازد. این امر می‌تواند در کاهش توانایی‌های اقتصادی و مدنی ایالت برای مدیریت موفق زندگی روزانه در طول مواقع اضطراری و حفظ تداوم عملکردی در طول یک درگیری منعکس شود. حتی می‌تواند فرآیند بهبود پس از آن را به دنبال تخریب شدید احتمالی سیستم‌های اجتماعی و زیرساختی ملی مختل کند.

در نتیجه، اسرائیل باید در تلاش برای آماده‌سازی در سیستم گسترده، مطابق با یک برنامه طولانی مدت موجود سرمایه‌گذاری کند، تا آمادگی جبهه غیر نظامی در اسرائیل را تقویت کند. این طرح شامل ساخت و توانمندسازی مکانیزم‌های انعطاف‌پذیری جدید و موجود است که ارتباط نزدیکی با ابعاد اجتماعی بحث شده در بالا دارند.



دادگاه عالی اسرائیل در اورشلیم. چالش حاکمیت قانون و نهادهای آن، آزمونی از اصول اساسی دموکراتیک است که بخش ذاتی هویت اسرائیل هستند.

## شاخص امنیت ملی: بررسی افکار عمومی





موسسه مطالعات امنیت ملی بیش از چند دهه است که نظرسنجی عمومی را در مورد مسائل مربوط به امنیت ملی اسرائیل انجام داده‌است. جدیدترین نظرسنجی در نوامبر ۲۰۱۹ انجام شد و شامل ۷۰ سوال بود. کار می‌دانی توسط پوری انجام شد. پروژه افکار عمومی INSS توسط زیپی اسرائیلی هدایت می‌شود.



## ۷. محیط عملیاتی: قابلیت های جدید محور شیعه رادیکال

ایتای برون<sup>۱</sup> و ایتای شاپیرا<sup>۲</sup>

| توصیه‌ها:  | نگاهی کوتاه:  |
|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• یک برنامه چند ساله را برای IDF نهایی کنید؛</li> <li>• آمادگی برای یک جنگ چند مرحله‌ای؛</li> <li>• شکافهای عمومی در مورد ویژگی های جنگ آینده را کاهش دهید؛</li> <li>• بحث «تصمیم» و «پیروزی» در عصر کنونی</li> </ul> | <p>افزایش توانایی دشمن برای آسیب رساندن به زیرساخت‌های ملی اسرائیل و اجزای عملیاتی ارتش اسرائیل با استفاده از سلاح‌های دقیق، سیستم‌های پیشرفته هوایی و دریایی، و قابلیت‌های سایبری جدید</p> |

### مقدمه

محیط عملیاتی پیچیده و چالش برانگیز امروز، که در آن اسرائیل قابلیت‌های نظامی و دیگر قابلیت‌های خود را به کار می‌گیرد، حاصل مجموعه‌ای از پیشرفت‌های تکنولوژیکی، نظامی، اجتماعی و سیاسی در هم تنیده است. این تحولات، که در طول چند دهه گذشته آشکار شده‌اند، شامل تغییرات عمیق جهانی در ویژگی‌های جنگ هستند؛ تغییرات ژئواستراتژیک در خاورمیانه - که بیشتر آن‌ها حاصل تحولات منطقه‌ای و رویدادهای مربوط به آن (شامل اعزام نیروهای نظامی به منطقه توسط قدرت‌های جهانی)؛ تغییرات اساسی در مفهوم عملیات و سلاح‌های دشمنان اسرائیل، به ویژه محور رادیکال شیعه؛ تغییرات در شیوه اعمال نیروی نظامی اسرائیل عمدتاً در ترجیح قدرت آتش (براساس اطلاعات دقیق) بر مانور نیروهای زمینی منعکس می‌شود؛ و پیامدهای انقلاب اطلاعاتی که جهان و موسسات نظامی را تحت تاثیر قرار داده‌است.

1. Itai Brun  
2. Itai Shapira

در سطح عملیاتی، رویدادهای متعددی در سال ۲۰۱۹، فرآیندهای عمیق مرتبط با بسیج نظامی دشمنان اسرائیل و رویکرد آن‌ها به استفاده از نیروی نظامی را منعکس کرد. در میان آن‌ها:

- حمله ایران به تاسیسات نفتی عربستان سعودی در سپتامبر ۲۰۱۹ با موشک‌های کروز با هدایت دقیق و هواپیماهای بدون سرنشین، جسارت ایران و پیشرفت در قابلیت‌های حمله دقیق محور شیعه رادیکال را نشان داد.

- دو رویداد تشدید با نوار غزه که شامل تعداد زیادی موشک به خاک اسرائیل بود، توانایی سازمان‌های تروریستی در غزه را برای لغو روال عادی غیرنظامیان اسرائیل نشان داد. در مه ۲۰۱۹، زمانی که حدود ۷۰۰ موشک شلیک شد، چهار اسرائیلی با موشک و یک موشک ضد تانک شلیک شده توسط حماس کشته شدند. در پاسخ به حمله سایبری حماس، اسرائیل به یک مجموعه سایبری از هوا حمله کرد. در ماه نوامبر، پس از کشته شدن یک رهبر جهاد اسلامی، حدود ۴۵۰ راکت شلیک شد و جهاد اسلامی موفق شد تا زندگی روزمره خود را در منطقه تل‌آویو برای یک روز کامل تعطیل کند. این حوادث همچنین شامل استفاده از موشک‌های سنگین است که آسیب آن‌ها به طور قابل توجهی بیشتر از آن چیزی است که توسط موشک‌های معمولی ایجاد می‌شود.

- در سپتامبر ۲۰۱۹ پس از حمله اسرائیل به هواپیماهای بدون سرنشین ایرانی و حمله دیگری که به اسرائیل در پروژه موشکی هدایت دقیق حزب‌الله نسبت داده شد، حزب‌الله اقدام به پرتاب موشک‌های ضد تانک به یک خودروی IDF و پاسگاه مرزی شمالی (بدون هیچ آسیبی) کرد. این رویداد خطرات تشدید جنگ در مرز شمالی، توانایی حزب‌الله در سازماندهی عملیات تهاجمی به سرعت با استفاده از ابزارهای «ساده» و نقش کنونی هواپیماهای بدون سرنشین به عنوان سلاح‌های تهاجمی را نشان داد.

- عملیات اسرائیل که در دسامبر ۲۰۱۸ برای خنثی‌سازی تونل‌های حمله که توسط حزب‌الله در امتداد مرز لبنان حفر شده بود، آغاز شد، اهمیت قرار دادن تعداد زیادی از جنگجویان در خاک اسرائیل در جنگ را آشکار ساخت.

### مفهوم عملیاتی محور رادیکال شیعه

در سال‌های اخیر، حزب‌الله و حماس، با حمایت ایران، نقش مهمی را به عنوان دشمنان با قابلیت‌های نظامی قابل توجه بر عهده گرفته‌اند. الگوهای جنگی این سازمان‌ها (و گروه‌های دیگر) مخرج مشترکی دارند، و ریشه در ایده‌های عملیاتی و استراتژیک مشابه دارند که در دهه‌های اخیر در میان گروه‌های مختلف «در آن سوی حصار» توسعه یافته‌اند، آن‌ها در شناخت عمیق برتری نظامی - تکنولوژیکی

اسرائیل ریشه دارند، و این ارزیابی که این برتری می‌تواند با حمله به نقاط ضعف اسرائیل جبران شود: حساسیت آن به تلفات؛ دشواری آن در برابر یک جنگ طولانی دشوار است؛ و محدودیت‌هایی که ناشی از برتری آن بر نیروی هوایی و عدم تمایل به انجام مانورهای زمینی است.

این دکترین، که در طول سال‌ها پیچیده‌تر شده‌است، بر نیاز به بهبود قابلیت زنده ماندن و توانایی حفظ ضربات، به منظور اجازه دادن به تحمل بیشتر و توانایی حفظ نیروی نظامی در برابر قابلیت‌های اسرائیل تأکید دارد. همچنین بر نیاز به ایجاد قابلیت بازدارندگی معتبر - در درجه اول به منظور جلوگیری از درگیری‌های در مقیاس بزرگ که آن‌ها ترجیح می‌دهند از آن اجتناب کنند - و ایده فرسایش به عنوان کلید پیروزی، به دلیل حساسیت اسرائیل به جنگ طولانی مدت و تلفات، تأکید شده‌است. این دکترین همان چیزی است که باعث شد این سازمان‌ها (و نهادهای اضافی از جمله کشورهای چون ایران و سوریه) خود را با سلاح‌های بالیستیک (موشک و موشک) و با موشک‌های پیشرفته ضد تانک و ضد هواپیما مسلح کنند. برای به دست آوردن و توسعه سیستم‌های پیشرفته دفاع هوایی؛ اتخاذ روش‌های جنگی با تأکید بر اختفا، دفاع، پراکندگی نیروهای جنگی، کاهش امضا و پنهان شدن در محیط غیر نظامی و تاسیسات غیر نظامی؛ و حتی از تلاش‌های کشورهایمانند ایران و سوریه برای مسلح کردن خود با سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای استقبال کنند.

درگیری‌ها از زمان جنگ دوم لبنان (۲۰۰۶) به دشمنان اسرائیل نشان داده‌است که این دکترین، در بسیاری از موارد، به بن‌بست رسیده‌است. در حالی که در ایجاد بازدارندگی علیه اسرائیل موفق بوده‌است و منجر به ناتوانی اسرائیل در شکست قاطعانه و بدون ابهام آن‌ها شده‌است، برخوردهایی که در آن اسرائیل قدرت نظامی شدیدی را اعمال کرد هزینه‌های شدیدی را برای دشمنانش به همراه داشته و محدودیت‌های دکترین و آن‌ها را منعکس کرده‌است. این نتایج از جمله عواملی بودند که منجر به تقویت بازدارندگی اسرائیل و دوره‌های طولانی سکوت در مرز لبنان از زمان جنگ دوم لبنان، و در مرز با غزه (در سه سال و نیم پس از عملیات تیغ حفاظتی، و تا حد زیادی پس از آن) شد.

چند سال اخیر منعکس‌کننده تلاش دشمنان اسرائیل برای تدوین و اجرای یک دکترین نظامی بهبود یافته و به روز شده با استفاده از عناصر اضافی است: افزایش تعداد موشک‌ها و راکت‌ها، هر دو به منظور بهبود بقای سازمانی و اشباع سیستم‌های دفاع هوایی اسرائیل؛ موشک‌ها و راکت‌های هدایت‌شونده با دقت بالا که می‌توانند به مناطق غیرنظامی آسیب‌پذیر (برق، گاز و دیگر زیرساخت‌های ملی) و مناطق نظامی آسیب‌پذیر (پایگاه‌های نیروی هوایی و مناطق نظامی مرکزی) حمله کنند؛ هواپیماهای بدون سرنشین نیز به منظور حملات دقیق؛ بهبود اقدامات دفاعی هوایی به منظور خنثی کردن تاثیر نیروی

هوایی اسرائیل، با توجه به نقش محوری آن در دکترین نظامی اسرائیل؛ بهبود سیستم‌های دفاعی ساحلی و جنگ دریایی توسعه قابلیت‌های سایبری؛ و برنامه‌هایی برای عملیات نیروهای زمینی در خاک اسرائیل، از جمله از طریق تونل‌های حمله (که برخی از آن‌ها در سال جاری در معرض خطر قرار گرفته و خنثی شده‌اند)، به منظور بر هم زدن قابلیت‌های تهاجمی و دفاعی IDF و افزایش آسیب به پرچم جبهه داخلی اسرائیل.

این تلاش‌های انباشت نیروهای نظامی ظاهراً به یک تغییر اساسی در جریان در تفکر نظامی کسانی که با محور شیعه رادیکال شناخته شده‌اند، مرتبط است. این تغییر آن‌ها را از یک دکترین پیروزی براساس فرسایش جمعیت اسرائیل (پیروزی با عدم شکست) به دکترین متفاوتی هدایت می‌کند که به دنبال آسیب رساندن به زیرساخت‌های ملی اسرائیل و قابلیت‌های ضروری نظامی از عرصه‌های مختلف است تا تعادل سیستم اسرائیل را از بین ببرد.

### ویژگی‌های جنگ آینده

نمایشی که در آن این مفهوم بیش از همه مشهود است عرصه شمالی است که در آن IDF در حال آماده شدن برای دو سناریوی اصلی است: «جنگ سوم لبنان» علیه تنها حزب‌الله لبنان، که بسیار شدیدتر و مخرب‌تر از جنگ دوم لبنان خواهد بود؛ و «جنگ اول شمالی» با حزب‌الله در لبنان و نیروهای سوریه و عراق، و شاید ایران و دیگر حوزه‌ها. سناریوی چند جانبه «جنگ اول شمالی» نیز می‌تواند شامل درگیری با نیروهای نوار غزه باشد.

در هر دو سناریو، اسرائیل احتمالاً با آتش موشکی زمین‌به‌زمین عظیم در جبهه داخلی، برخی دقیق و برخی موفق در نفوذ به سیستم‌های دفاع هوایی مواجه خواهد شد؛ حملات از جبهه داخلی از طریق هواپیماهای بدون سرنشین؛ نفوذ نیروهای زمینی به داخل خاک اسرائیل در مقیاس هزاران جنگجو؛ و یک جنگ شناختی گسترده برای تضعیف قدرت عمومی و اعتماد به رهبری سیاسی و نظامی. مولفه تهاجمی - IDF در زمین، هوا و دریا - با سیستم‌های دفاعی هوایی و دریایی پیچیده‌تر و سیستم‌های دفاع زمینی پیچیده مواجه خواهد شد که همچنین شامل استفاده از جنگ زیرزمینی و موشک‌های ضد تانک پیشرفته نیز می‌شود. بنابراین، چنین جنگی شامل احتمال آسیب جدی به قابلیت‌های اصلی IDF مانند نیروی هوایی، پدافند هوایی، اطلاعات، لجستیک و سیستم‌های ذخیره است. زیرساخت ملی ضروری نیز ممکن است صدمه ببیند و ممکن است در شهرهای اسرائیل ویرانی و مرگ وجود داشته باشد.



## تغییرات در IDF و بحث بر سر «تصمیم» و «پیروزی»

در دهه‌های اخیر، تغییراتی نیز در مفهوم عملیاتی IDF و تفکر اسرائیل در مورد جنگ رخ داده‌است. از دهه ۱۹۹۰، اسرائیل استفاده از قدرت آتش خود را بر استفاده از نیروهای زمینی ترجیح داده‌است. این موضوع در جنگ دوم لبنان آشکار شد، زمانی که اسرائیل تمایل زیادی به استفاده از مانور دادن نیروهای زمینی نداشت. در حالی که نیروهای زمینی در عملیات‌های غزه مورد استفاده قرار گرفتند (عملیات سرب گداخته در اواخر ۲۰۰۸ - اوایل ۲۰۰۹ و عملیات تیغ حفاظتی در سال ۲۰۱۴)، روشی که آن‌ها مورد استفاده قرار گرفتند نیز این روند را منعکس کرد.

دلایل زیادی برای این فرآیند وجود دارد، که به امکانات جدیدی که تکنولوژی فراهم می‌کند نیز مرتبط است. با این حال، عوامل اصلی به ظاهر محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی هستند که طی چند دهه گذشته توسعه یافته‌اند، و به ویژه تغییر در نگرش جامعه اسرائیل نسبت به جنگ و هزینه‌های آن. برای چندین دهه، در IDF در مورد سوالات مربوط به معنای فعلی «تصمیم نظامی» و «پیروزی» و نحوه تحقق آن‌ها در دوره معاصر با دکترین عملیاتی به روز بحث شده‌است. در اساس این مباحث این سوال مطرح است که آیا یک پیروزی روشن و قاطع، که ظاهراً مشخصه جنگ‌های گذشته است، در جنگ‌های کنونی امکان پذیر است؟ استراتژی IDF (۲۰۱۸) و ژنرال عقیف کوچافی<sup>۱</sup>، رئیس ستاد شیوه‌های عملیات («یک ارتش کشنده، موثر و خلاق») را اعلام کردند که پاسخ مثبتی می‌دهند. برای این، و درست به همین خاطر آن‌ها دکترین عملیاتی فعلی برای جنگ را براساس یک حمله کشنده چند بعدی توصیف می‌کنند که همزمان شامل آتش دقیق (در برابر هزاران هدف برنامه‌ریزی شده و مناسب) و مانور زمینی سریع و انعطاف‌پذیر است که به معنای نفوذ به قلمرو دشمن به سوی اهدافی است که ارزش دارند و باعث شکست دشمن می‌شوند.

در حالی که متون مشابه در گذشته ترکیب شده بودند، در عمل، در تمام درگیری‌های اخیر، اسرائیل ترجیح داده‌است که قدرت آتش خود را با استفاده از نیروی هوایی و توپخانه به کار گیرد. این تاکید بر قدرت آتش (براساس هوش دقیق) صحیح است، اما کاملاً واضح است که IDF باید قابلیت‌های مانور قابل توجهی داشته باشد تا به عنوان جز اصلی شکست دشمن در صورت جنگ عمل کند. بنابراین در برنامه چند ساله جدید IDF باید اطمینان حاصل شود که ارتش توانایی مقابله با دشمنانی مانند حزب‌الله و حماس و توانایی مقابله با روند طولانی مدت فشارهای اجتماعی و سیاسی که اعمال زور را محدود می‌کند را دارد.

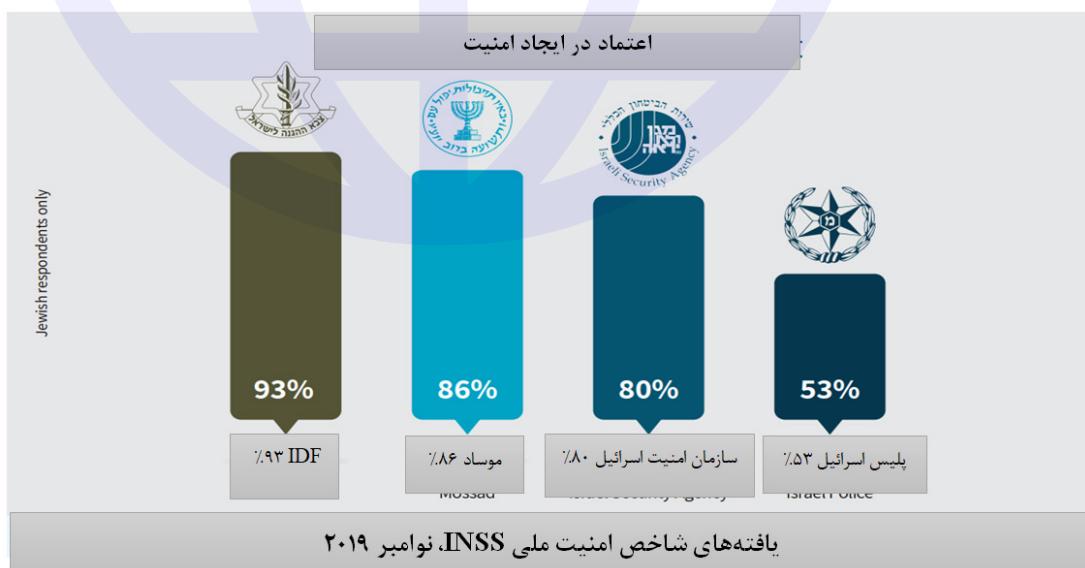
1. Aviv Kochavi

## اعتماد به ارتش اسرائیل

مردم اسرائیل اعتماد زیادی به ارتش و تشکیلات امنیتی دارند، به ویژه در مورد مسائلی که حرفه‌ای و عملیاتی در نظر گرفته می‌شوند (مانند آمادگی رزمی). در مقابل، در مورد نگرش نسبت به IDF، به ویژه در مورد مسائل مربوط به ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها، مانند ادغام زنان، مذهب و ارتش، و حتی قوانین درگیری، اختلافاتی وجود دارد. با توجه به ویژگی‌های دوره کنونی و تشدید بحث‌های ایدئولوژیک و سیاسی در جامعه اسرائیل، تشخیص بین مسایل حرفه‌ای - عملیاتی و مسائل مربوط به ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و حتی سیاست دشوار است. این مشکل می‌تواند اعتماد عمومی به IDF را تضعیف کند.

چالش دیگر برای اعتماد عمومی می‌تواند مربوط به نتایج یک درگیری بزرگ نظامی باشد. تصویر یک پیروزی واضح و بدون ابهام در یک جنگ کوتاه و سریع موفق شده‌است در طول زمان دوام بیاورد، و هنوز هم به شدت روش قضاوت مردم اسرائیل در مورد جنگ و نتایج آن را شکل می‌دهد. در این وضعیت از امور، پیچیدگی و چالش‌های تعارضات فعلی با سرخوردگی مداوم از شکاف آشکار بین تصویر و واقعیت به هم می‌پیوندند. ویژگی‌های درگیری‌های آینده می‌تواند این شکاف را تشدید کند.

جامعه اسرائیل درک می‌کند که در جنگ تلفات در میان سربازان و در جبهه داخلی وجود دارد، اما این تردید وجود دارد که آیا مردم در حال حاضر از نظر روانی برای واقعیت تخریب در مقیاس بزرگ در شهرها آماده هستند یا خیر. در این زمینه، به نظر می‌رسد که تعداد نسبتاً زیادی موشک و موشک با کلاهک‌های سنگین که مراکز جمعیتی را مورد حمله قرار می‌دهند می‌تواند باعث آسیب شدید و طولانی مدت به حس امنیت عمومی اسرائیل شود.



## نتیجه گیری

از تجزیه و تحلیل تغییرات در محیط عملیاتی و واکنش IDF به آن‌ها نیاز فوری به نهایی کردن یک برنامه چند ساله جدید برای IDF برای جایگزینی (تا حدودی دیر، با توجه به بحران سیاسی) برنامه جدعون<sup>۱</sup> که از سال ۲۰۲۰ شروع می‌شود، پدیدار می‌شود. چنین برنامه‌ای، از جمله یک بودجه چند ساله، باید توسط دولت تصویب شود.

علاوه بر این، نیاز است که برای یک جنگ چند صحنه‌ای به عنوان یک سناریوی مرجع اصلی آماده شود، هم در مورد اعمال نیرو و هم در مورد تقویت نیروی نظامی. چنین سناریویی نیاز به بسته شدن شکاف در انتظارات عمومی از جنگ در عصر حاضر و نتایج احتمالی آن را افزایش می‌دهد. همچنین نیازمند تعمیق بحث در مورد معنای کنونی اصطلاحات «شکست دشمن» و «پیروزی» و راه رسیدن به آن‌ها در چنین جنگی است. «شکست دشمن» با استفاده از اقدامات گسترده نظامی برای ضرب و شتم دشمن از جهان ناپدید نشده است، و ممکن است IDF نیاز به این کار داشته باشد. بنابراین، IDF همراه با تاکید صحیح مداوم بر اعمال قدرت آتش در مقیاس بزرگ براساس هوش دقیق، همچنین باید قابلیت‌های مانوری داشته باشد که بتواند با تغییرات در ویژگی‌های جنگ، با حالت فعلی عمل دشمنان اسرائیل، و با تغییرات در جامعه اسرائیل و نگرش آن نسبت به جنگ و هزینه‌های متحمل آن مقابله کند.



## نتیجه گیری:

### ارزیابی و توصیه‌های سیاسی برای سال ۲۰۲۰

آموس یادلین<sup>۱</sup>

#### شکاف قدرت

با ورود به دهه جدید، دولت اسرائیل دارای قدرت نظامی، سیاسی، تکنولوژیکی و اقتصادی قابل توجهی است. با این حال، اسرائیل به سختی می‌تواند این مزایا را به نفوذ استراتژیک تبدیل کرده و به اهداف کلیدی امنیت ملی خود دست یابد: کاهش تهدیدها، پیشبرد صلح، ایجاد اتحاد، و دیکته کردن شرایط برای نتیجه‌گیری رضایت‌بخش از درگیری‌ها. این واقعیت از این مزیت محدود ناشی می‌شود که اقدام نظامی می‌تواند اسرائیل را در برابر دشمنان اصلی خود و همچنین حساسیت بالای اسرائیل به تلفات و هزینه‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی جنگ فراهم کند.

حتی زمانی که اسرائیل چالش را به درستی شناسایی و تعریف می‌کند، اغلب در شکل دادن به یک استراتژی موثر و مرتبط مشکل دارد، زیرا یک پیروزی نظامی شدید لزوماً دستاوردهای جنگ را به اهداف سیاسی تعبیر نمی‌کند. به طور مشابه، برخورد با عواقب جنگ در «روز بعد» به طور کلی پیچیدگی کمتری از مدیریت عملیات‌های نظامی ندارد. عدم تقارن در اهداف کمپین و انتظارات عمومی مربوطه (برای دشمنان اسرائیل، عدم شکست پیروزی است، در حالی که مردم اسرائیل انتظار پیروزی قطعی را دارند) و همچنین تفاوت در قوانین تعامل، تحقق اهداف کمپین را دشوار می‌کند، یا حداقل به تعیین آن‌ها در شرایط مینیمالیستی<sup>۲</sup> نیاز دارد.

#### پیامدهای ترور سلیمانی

ارزیابی استراتژیک INSS برای ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰، بلافاصله پس از ترور هدفمند قاسم سلیمانی نهایی شد. این توسعه یک بافت جدید ایجاد می‌کند و پتانسیل مشخص کردن یک تغییر استراتژیک را دارد که دامنه و پارامترهای آن هنوز تعیین نشده‌اند.

● با توجه به ایالات متحده، آیا این سند توسعه یک تغییر اساسی در سیاست ایالات متحده است، که حرکت به سوی یک کمپین نظامی پیش‌کنشگری علیه فعالیت منطقه‌ای ایران را نشان می‌دهد؟ یا، این یک اقدام واقعی برای اهداف پیشگیرانه و بازدارندگی با تحمیل تلفات سنگین به فعالیت‌های عناصر طرفدار ایران، تحت راهنمایی سلیمانی بود که با مرگ یک شهروند آمریکایی (۲۷ دسامبر ۲۰۱۹) و حمله به سفارت در بغداد در چهار روز بعد به اوج خود رسید.

1. Amos Yadlin  
2. minimalist

● ایران مجبور شد تا گزینه‌های خود را در پاسخ به اقدام آمریکا بدون دخالت سلیمانی که مسئول تفکر تحلیلی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های از این دست در عرصه منطقه‌ای بود، ارزیابی کند. پاسخ محدود و سنجیده ایران به ترور سلیمانی، به درک تهران از این مساله که رئیس‌جمهور ترامپ قابل‌پیش‌بینی نیست، گواهی می‌دهد. آگاهی از ضعف نظامی متعارف خود نسبت به آمریکا و برتری آن برای حرکت‌های سیاسی برای بیرون راندن ایالات‌متحده از عراق به جای اقدامات نظامی. در عین حال، هنوز برای ارزیابی تاثیر حذف سلیمانی بر روابط ایران با نماینده‌های منطقه‌ای و بر عزم و اراده ایران در ماه‌های اخیر بسیار زود است.

### تعادل استراتژیک

اسرائیل در سال ۲۰۱۹، درگیر دو کارزار انتخاباتی بود و به سختی اقداماتی را برای بهبود موقعیت استراتژیک خود آغاز کرد. دولت در گام‌هایی مانند جشن به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان - به دنبال به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل در اواخر سال ۲۰۱۷ - درگیر بود، اما رکود و حتی رگرسیون قابل‌توجهی در مورد مسائل اصلی امنیت اسرائیل وجود داشت. در تصویر استراتژیک کلی، بسیاری از مولفه‌ها بدتر شدند.

یک پیشرفت منفی، محدود کردن شکاف‌های تکنولوژیکی و از بین رفتن مزیت کیفی اسرائیل نسبت به دشمنانش است. واضح‌ترین بیان این پدیده پروژه موشکی دقیق ایرانی است که قابلیت‌های تولید و ارتقا را ایجاد کرده است. حزب‌الله در حال حاضر ده‌ها موشک دقیق در اختیار دارد.

عرصه فلسطین را می‌توان به عنوان یک بن‌بست سیاسی توصیف کرد که شامل فقدان کامل ارتباط بین اورشلیم و رام‌الله است. در همین حال، در غزه، حماس و جهاد اسلامی به تقویت نیروهای نظامی خود ادامه می‌دهند؛ جوامع اسرائیلی در نزدیکی مرز غزه از ادامه درگیری‌ها رنج می‌برند؛ و سازمان‌های تروریستی تهدید به فلج کردن زندگی روزانه بیش از نیمی از جمعیت اسرائیل از جمله منطقه تل‌آویو می‌کنند. دیدگاه وسیع‌تر نشان می‌دهد که روابط اسرائیل با جهان عرب سنی در حال پیشرفت نیست - شاید حتی نقطه مقابل آن درست باشد. هیچ پیشرفت دیپلماتیک با کشورهای خلیج در سال ۲۰۱۹ حاصل نشد؛ زوال تدریجی روابط با اردن ادامه دار؛ و تنها روابط با مصر پایدار باقی می‌ماند.

بودجه اسرائیل از کسری قابل‌توجه رنج می‌برد، و نیاز به افزایش بودجه دفاعی به دلیل بدتر شدن وضعیت استراتژیک اسرائیل تنها مشکل را تشدید می‌کند. در نهایت، با نگاه به داخل، جامعه اسرائیل تقسیم می‌شود و دولت مشغول مبارزات انتخاباتی غیر قاطعانه است، که منجر به هدر رفتن منابع، فلج سازمانی، و ناتوانی در تدوین استراتژی و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مرکزی می‌شود.

با این حال، برخی تغییرات مثبت در محیط جهانی و منطقه‌ای وجود دارد که پتانسیل بهبود وضعیت

امنیت ملی اسرائیل را دارند. نشانه‌های موج دوم قیام در خاورمیانه در سال ۲۰۱۹، به ویژه در ماه‌های اخیر، به وجود آمد، این بار به طور عمده در کشورهای با گرایش به ایران (عراق و لبنان) و حتی در خود ایران. ادامه فشار اقتصادی بر ایران می‌تواند موجب کاهش منابع موجود برای فعالیت‌های هسته‌ای و منطقه‌ای شود.

انزوای گرایبی نسبی که توسط ایالات متحده پذیرفته شده است، با وجود خطرات آن برای اسرائیل، در نهایت ممکن است اعتبار و ارزش اسرائیل را از نظر رهبران ایالات متحده و همچنین کشورهای عربی عملگرا افزایش دهد. علاوه بر این، اسرائیل خود را به عنوان یک بازیگر اساسی در صحنه سوریه جای داد و در مورد لزوم حذف نیروهای ایرانی از سوریه با ایالات متحده و روسیه توافق اساسی کرد - اگرچه تاکنون این توافق عملی نشده است.

در نهایت، به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از درک جدید در سیستم فلسطین وجود دارد. تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری به نظر می‌رسد که تصدیق می‌کنند که حل و فصل این مناقشه توسط سیستم بین‌المللی تحمیل نخواهد شد، و حماس که نوار غزه را کنترل می‌کند، تصدیق کرده‌است که تروریسم درگیری را حل نخواهد کرد.

## ارزیابی

هنگام بررسی و مقایسه پیشرفت‌های مثبت و منفی سال گذشته، بینش‌های متعددی ظهور می‌یابند. اولین آگاهی این است که سردرگمی استراتژیک اسرائیل از گفتمان سیاسی سازنده در سطح رهبری ملی جلوگیری می‌کند. دو کمپین انتخاباتی در سال ۲۰۱۹ و افزایش مذاکرات برای تشکیل دولت منجر به شکست در تدوین مفاهیم امنیتی به روز شد. دوم، درک روشنی است از اینکه با پایان دادن به مبارزات بین جنگ در مناطق شمالی، رفتار فعلی اسرائیل به افزایش شدت جنگ اشاره دارد. این امر مستلزم تنظیم ابزارها، روش‌ها، میادین، و سرعت عملیات‌ها، با تغییرات لازم در آماده‌سازی و تخصیص منابع است. سوم، شرایط امروز نیازمند بحثی در اصل ارتباط یک حمله پیشگیرانه، به ویژه در برابر پروژه موشکی هدایت دقیق ایران در لبنان و سوریه است.

مفاهیم اساسی امنیت ملی: رهنمودهایی برای ۲۰۲۰

- بازدارندگی - با توجه به دینامیک تشدید و چالش‌های متعدد «زیر آستانه»، آیا این مفهوم هنوز هم معتبر یا مرتبط است؟ آیا واقعا عناصر ثبات‌دهنده تضعیف شده‌اند؟
- تشدید - آیا سیاست فعلی منجر به تشدید می‌شود؟ تصویر تشدید (روزهای جنگ، درگیری‌های گسترده، جنگ) چیست؟ تفاوت‌ها و مرزهای بین عرصه‌های مختلف چیست؟ چه عواملی می‌تواند ناشی

از تشدید باشد؟

● حمله پیشگیرانه - آیا یک حمله پیشگیرانه با توجه به تهدید در جبهه شمالی ضروری است؟ پیش نیازهای چنین اقدامی چیست؟ چه زمانی مناسب خواهد بود؟ چه دستاوردهایی باید حاصل شوند؟ چه پیامدهایی می‌تواند وجود داشته باشد؟

● مدیریت - آیا راهی برای خنثی کردن تهدیدها بدون درگیری وجود دارد؟ اگر چنین است، فرمت صحیح برای هر صحنه چیست؟ هزینه‌های فوری و بلند مدت که برای یک ترتیبات توجیه می‌شوند چه هستند؟

● تصمیم - این به چه معناست؟ آیا در دنیای امروز تصمیم کاملاً واضح و مشخص امکان پذیر است؟ چه مدت طول می‌کشد؟ به چه هزینه‌ای؟ چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

### نیاز به یک استراتژی بزرگ جدید اسرائیلی

پس از یک دهه و نیم رکود در تفکر استراتژیک، استراتژی بزرگ اسرائیل باید به روز شود. دولت جدید اسرائیل باید فرآیند تجدید مفهوم امنیت و سیاست دفاعی اسرائیل را با تمرکز بر نکات زیر رهبری کند:

● شناخت تنش بین اهمیت و فوریت: آنچه ضروری است (نوار غزه و تجمع ایران در سوریه) باید از اولویت کمتری نسبت به آنچه مهم است برخوردار باشد - پروژه هسته‌ای ایران و پروژه موشکی هدایت دقیق در لبنان.

● در هر صورت وخامت یا تشدید، باید مشخص شود که چه کسی باید هدف قرار گیرد: نیروی نیابتی ایران، کشورهای میزبان، یا خود ایران.

● تجزیه و تحلیل موفقیت‌ها و شکست‌های دو دهه گذشته ضروری است. بعد سیاسی و بعد مشروعیت را در تفکر استراتژیک ادغام کنیم؛ تا مکانیسم‌های ارتباطی را قبل از شروع یک درگیری شکل دهند؛ که استراتژی‌ها و مکانیزم‌های خروج را طراحی کنند؛ و به مسائل مربوط به تقویت نیروهای نظامی بپردازند.

آنچه در ادامه می‌آید، ده توصیه اصلی برای دولت جدید اسرائیل است که از مرور کلی بالا به دست می‌آید - برخی نیاز به بحث فوری و برخی دیگر نیاز به فوریت کم‌تر هر چند شاید مهم‌تر دارند. مهم‌تر از همه، توصیه اساسی برای نیاز به تدوین یک استراتژی بزرگ به روز شده برای اسرائیل است. مفاهیم اساسی مانند بازدارندگی، تصمیم‌گیری، تشدید، حمله پیشگیرانه، و ترتیبات سیاسی باید روشن و معتبر شوند. دولت جدید در اسرائیل باید فرآیند تجدید مفهوم امنیت و سیاست امنیتی را رهبری کند.

### ۱. برنامه هسته‌ای ایران

عقب‌نشینی آمریکا از قرارداد هسته‌ای ایران و تجدید تحریم‌ها براساس این انتظار بود که یکی از سه



سناریوی زیر اتفاق بیفتد: فروپاشی رژیم ایران؛ تغییری در رفتارش؛ یا حمله آمریکا به ایران در پاسخ به پیشرفت ایران به سمت آستانه هسته‌ای. این سه سناریو تحقق نیافته‌اند و بعید به نظر می‌رسد که در آینده محقق شوند، حتی پس از اینکه یک سری تحریکات ایران در حوزه متعارف منجر به حمله ایالات متحده به پایگاه‌های شبه نظامیان شیعه در عراق و سوریه و ترور قاسم سلیمانی شد. اسرائیل باید برای سناریوهای واقع‌گرایانه‌تر آماده شود - مذاکرات تجدید شده (که اکنون احتمال کمتری پس از ترور سلیمانی وجود دارد)؛

ایران به سمت آستانه هسته‌ای شدن پیش می‌رود؛ و تشدید درگیری بین ایران و ایالات متحده، به ویژه پس از قتل‌های هدفمند، که ممکن است شامل اسرائیل باشد. این احتمالات نیازمند آن هستند که درک نزدیک و یک استراتژی مشترک بین اسرائیل و ایالات متحده هماهنگ شود. در صورت مذاکرات بین آمریکا و ایران، لازم است که اسرائیل با واشنگتن در مورد محتوای یک معامله هسته‌ای بهبود یافته با ایران در مقایسه با توافق سال ۲۰۱۵، همراه با رسیدن به «توافق موازی» در مورد سیاست مشترک علیه ایران و استراتژی برخورد تدریجی ایران با پیشرفت سلاح‌های هسته‌ای به توافق برسد. به دنبال آن، مهم است که با ایالات متحده بررسی کنیم که چگونه به مردم ایران که علیه حکومت قیام می‌کنند، کمک کنیم. با این حال، اسرائیل باید برای احتمال بی‌علاقگی یا حواس پرتی ایالات متحده آماده شود و اینکه برای مقابله با مساله هسته‌ای ایران تنها خواهد شد و بنابراین باید از داشتن گزینه نظامی معتبر اطمینان حاصل کند. ایجاد چنین گزینه‌ای فرایندی دشوار است که مستلزم انحراف منابع از سایر موضوعات مهم و تخصیص آن‌ها به تقویت قابلیت‌های حمله تهاجمی است.

## ۲. تحکیم ایران در سوریه و پروژه موشکی هدایت دقیق

موفقیت اسرائیل در جلوگیری از تثبیت ایران در سوریه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نسبی، موقتی و نه نهایی است. همچنین حفظ چارچوبی استراتژیک مشابه در حالی که واقعیت در حال تغییر می‌باشد، اشتباه است. تثبیت ایران تا حد زیادی به عراق و لبنان تغییر مسیر داده‌است، عرصه‌هایی که در آن فعالیت برای اسرائیل دشوارتر است، و توسط سیاست واکنشی که بی‌شمارانه‌تر و فوری از طرف تهران است (حداقل تا زمان ترور سلیمانی) تقویت شده‌است. اکنون مهم است که ارتباط کاهش‌یافته مبارزات بین جنگ‌ها را به رسمیت بشناسیم و راه حلی عملیاتی را علیه عناصر مهم تحکیم در لبنان و عراق و همچنین پروژه موشکی هدایت دقیق ایجاد کنیم. برداشتن گام‌هایی به سوی آن هدف، پتانسیل تشدید قابل توجه را دارد.

تهدید صدها یا هزاران موشک دقیق از لبنان، سوریه، عراق و ایران یک تهدید استراتژیک از مرتبه اول است که اگر به موقع برخورد نشود می‌تواند به یک تهدید وجودی تبدیل شود. این نوع تهدید نیازمند



بررسی عمیق است و باید توسط مفهوم امنیتی اسرائیل رفع شود. پنج استراتژی ممکن برای مقابله با آن وجود دارد:

- ادامه مبارزه بین جنگ‌ها - ایجاد اختلال و تاخیر، که در آن جلوگیری از تشدید یک اولویت است، و درک این مساله تنها تا حدی و با بازده کمتری به مشکل می پردازد.

- استراتژی دفاعی فعال و منفعل - بهبود کارایی و خرید باتری‌ها و رهگیرهای اضافی: سیستم‌های پیکان<sup>۱</sup>، فلاخن داود<sup>۲</sup>، و گنبد آهنین<sup>۳</sup>؛ و بهبود انعطاف‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی. ایراد واضح آن هزینه و این واقعیت است که یک راه‌حل جامع یا کاملاً موثری ارائه نمی‌دهد.

- بازدارندگی - یک تهدید واضح و آشکار که اسرائیل با تمام قدرت به حمله به زیرساخت خود و IDF پاسخ خواهد داد. نقطه‌ضعف این استراتژی توانایی دشمن، پس از جمع کردن صدها یا هزاران موشک پیشرفته، برای ادامه استراتژی «اولین حمله» برای از بین بردن اجزای قدرت IDF است که هسته بازدارندگی اسرائیل را تشکیل می‌دهد.

- حمله پیشدستانه - حمله‌ای مبتنی بر این درک که حزب‌الله در کوتاه‌مدت در حال آماده شدن برای حمله به اسرائیل است. اشکال این استراتژی، مبهم بودن اطلاعات و آمادگی بالای حزب‌الله برای جنگ در آن نقطه است.

- حمله پیشگیرانه - یک حمله غافلگیرانه موثر و پیشگیرانه به دارایی‌های عملیاتی، تولیدی و انبار دشمن، خطر افزایش جنگ تمام‌عیار را به دنبال دارد. مشروعیت چنین گامی باید مورد بحث قرار گیرد. هیچ یک از این احتمالات منحصر به فرد نیستند و برخورد صحیح با ترکیب آن‌ها می‌تواند پاسخ مناسبی به شدیدترین تهدید ناشی از پروژه موشکی هدایت دقیق باشد.

رهبری سیاسی باید زمینه ایجاد نیروی اسرائیلی و آمادگی برای مبارزه با سه نهاد در شمال - حزب الله، ایران و سوریه را فراهم کند و همزمان با غزه با سازمان‌های تروریستی درگیر شود.

### ۳. «اولین جنگ شمالی»

ارتش اسرائیل باید به عنوان یک چارچوب مرجع، آمادگی برای جنگ چند منطقه‌ای («آتش در همه جبهه‌ها») را تضمین کند. دوره‌ای که در آن اسرائیل در یک میدان واحد با یک دشمن روبرو خواهد شد، پایان یافته است. بر این اساس، IDF باید مفاهیمی مانند «تصمیم»، «پیروزی» و انکار قابلیت‌های دشمن را مجدداً ارزیابی و شاید تعریف کند. رهبری سیاسی باید زمینه ایجاد نیروی اسرائیلی و آمادگی برای مبارزه با سه نهاد در شمال - حزب الله، ایران و سوریه را فراهم کند و همزمان با سازمان‌های

1. Arrow  
2. David's Sling  
3. Iron Dome

تروریستی از غزه درگیر شود. «سناریوی آتش در همه جبهه‌ها» نیازمند تفکر در مورد اولویت‌ها و ارتباط بین عرصه‌ها و جبهه‌های مربوطه و دستاوردهای مورد نیاز در هر جبهه است. علاوه بر این، تلاش باید هدایت شود تا انتظارات عمومی در مورد تهدیدی که اسرائیل با آن مواجه است و حتی بیشتر - با توجه به پاسخ‌های احتمالی به روز شود.

#### ۴. تشکیلات خودگردان فلسطین

طرح INSS، که برای اولین بار در اکتبر ۲۰۱۸ منتشر شد، همچنان به عنوان رویکرد مطلوب مناقشه اسرائیل و فلسطین باقی مانده است. این سند شامل تلاش بیشتر برای مذاکرات اسرائیل و فلسطین و در صورت شکست، پی‌گیری گام‌های مستقل برای حفظ شخصیت اسرائیل به عنوان یک کشور یهودی، دموکراتیک، ایمن و اخلاقی است. آماده‌سازی برای یک روز پس از پایان حکومت محمود عباس ضروری است، در حالی که به تشویق توسعه اقتصادی در تشکیلات خودگردان ادامه می‌دهد. انتشار طرح ترامپ، که تلاش خواهد کرد تا پارامترهای جدیدی را برای توافق تعیین کند و واقعیت ایجاد شده در طول پنجاه سال گذشته را به رسمیت بشناسد، بسیار مهم است.

#### ۵. سازمان‌های تروریستی در غزه

همانطور که INSS در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد، ممکن است رسیدن به یک توافق با حماس امکان پذیر باشد. در راستای پاک‌سازی از جنگ در عملیات کمر بند سیاه<sup>۱</sup> بین اسرائیل و جهاد اسلامی در نوامبر سال ۲۰۱۹، حماس به عنوان بخشی از حرکت خود برای اولویت‌بندی وضعیت اقتصادی و اجتماعی در غزه در برخورد دیگری با اسرائیل، به این توافق علاقه نشان داد. گفته می‌شود، این سازمان به دلیل ملاحظات داخلی و با هدف گرفتن امتیاز از اسرائیل، اغلب اسرائیل را با سطوح پایین آتش موشک و اصطکاک در طول حصار مرزی به چالش می‌کشد.

آتش‌بس طولانی‌مدت تنها در صورتی ممکن است که خواسته‌های استراتژیک (و نه ایدئولوژیکی) هر دو طرف به طور منطقی برآورده شود. حماس افتتاح غزه به روی جهان و بازسازی و توسعه آن را دریافت خواهد کرد، و اسرائیل آرامش در جنوب، سازوکارهایی برای اطمینان از جلوگیری از تجمع نظامی و قاچاق گروه‌های تروریستی، و یک راه‌حل منطقی برای مساله اسرانیلی‌های اسیر و از دست رفته را دریافت خواهد کرد.

اگر هیچ توافقی حاصل نشود، توصیه INSS از سال ۲۰۱۲ برنامه‌ریزی و اجرای یک کمپین نظامی بوده‌است که اساساً متفاوت از مبارزات دهه گذشته است. باید در مقابل شاخه نظامی حماس، مانور دهد و تمرکز کند - و با یک فرآیند سیاسی به منظور رسیدن به یک توافق از موضع قدرت پایان یابد.

1. Operation Black Belt

## ۱.۶ ایالات متحده

انتخابات ایالات متحده می‌تواند واقعیت فعلی را با جایگزینی دولتی که با اسرائیل دوستانه است با دولتی که مشکل‌ساز است تغییر دهد. در مواجهه با انزوای آمریکایی، که از خطوط حزبی می‌گذرد، اسرائیل باید مکرراً تأکید کند که نمی‌خواهد ایالات متحده در دفاع از خود مبارزه کند و خون بریزد؛ به عنوان یک سرمایه استراتژیک و یک متحد قابل اعتماد برای واشنگتن، به نفع آمریکا است که آن را از نظر نظامی و سیاسی پشتیبانی کند. اسرائیل باید هر کاری که می‌تواند انجام دهد تا به وضعیت خود به عنوان مساله اجماع گسترده در میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به طور یکسان بازگردد. اسرائیل همچنین باید تلاش قابل توجهی برای بازگرداندن روابط نزدیک با بخش بزرگی از جمعیت یهودی آمریکایی انجام دهد که در نتیجه سیاست‌های اسرائیل که نسبت به انواع یهودیت در ایالات متحده حساس نیستند، تا حدی بیگانه شده‌اند.

## ۷. روسیه و چین

روسیه دشمن اسرائیل نیست و گفتگوی استراتژیک بین آن‌ها باید ادامه یابد تا از برخورد در مکان‌هایی که نیروهای نظامی دو کشور در مجاورت یکدیگر عمل می‌کنند و منافع آن‌ها از هم دور می‌شود، جلوگیری شود. به عنوان متحد دو دشمن اسرائیل، ایران و سوریه، روسیه چشم خود را به حمایت از حزب‌الله بسته‌است. پی‌گیری قول روسیه برای خروج نیروهای ایرانی از سوریه می‌تواند نشان‌دهنده پتانسیل روابط نزدیک‌تر بین روسیه و سوریه باشد که احتمالاً منجر به محدودیت‌های بیشتر در آزادی عمل اسرائیل در سوریه می‌شود. در هر صورت، همانند چین، اسرائیل باید آزادانه و با همکاری نزدیک با ایالات متحده در مورد مسائل مربوط به روسیه کار کند.

در واقع، توسعه روابط اقتصادی اسرائیل با چین نیازمند هماهنگی عمیق با واشنگتن است تا به چین اجازه ندهد در رابطه مهم و ویژه خود با چین اصطکاک ایجاد کند. در سال‌های اخیر، INSS به بحران رو به رشد با ایالات متحده در مورد روابط اسرائیل با چین و نیاز به تقویت مکانیسم‌های مدیریت ریسک اشاره کرده‌است.

## ۸. سیستم منطقه‌ای

برای شکستن سقف شیشه‌ای در روابط خود با جهان واقع گرای سنی، به ویژه کشورهای خلیج فارس، اسرائیل باید دو تلاش موازی را انجام دهد: یکی بازاریابی قابلیت‌های تکنولوژیکی، اقتصادی و دفاعی اسرائیل است که می‌تواند به این کشورها در مبارزه علیه عوامل بی‌ثبات کننده مانند ایران و مقابله با چالش‌های اقتصادی و نوآوری در تبدیل آن‌ها به قرن ۲۱ کمک کند. مورد دوم، پیشرفت قابل توجه



در مورد مسئله فلسطین است که به این کشورها امکان می‌دهد روابط عمومی عمیق‌تر و بیشتری با اسرائیل داشته باشند.

احیای روابط با اردن به موازات و از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. در اینجا نیز «ثمره صلح» (آب، امنیت، گاز و پروژه‌های مشترک) خواستار پیشرفت‌های سیاسی با فلسطینیان هستند. چنین اقداماتی ابزاری برای غلبه بر پایین‌ترین نقطه در روابط بین دو کشور از زمان امضای توافقنامه صلح در سال ۱۹۹۴ خواهد بود.

## ۹. تقویت آمادگی ارتش اسرائیل و افزایش بودجه دفاعی

با توجه به فشارهای فزاینده ایران و سنگربندی‌های مداوم آن در سوریه، عراق و لبنان، لازم است که آمادگی IDF برای درگیری در تمام صحنه‌ها - ایران، حزب‌الله، سوریه و جبهه فلسطین - که همگی به درجات مختلفی بی‌ثبات هستند - بهبود یابد. نهایی کردن و سرمایه‌گذاری در برنامه چند ساله IDF، آغاز تملک با استفاده از صندوق‌های فروش نظامی خارجی<sup>۱</sup> (که به مدت دو سال به تاخیر افتاده‌است)، تقویت قابلیت‌ها برای حذف برنامه هسته‌ای ایران، تقویت و پر کردن انبارهای آموزشی و به طور خاص، کار در جهت تدوین برنامه‌های عملیاتی و استراتژی‌های مناسب در برابر توانایی‌ها و شیوه‌های عمل توسعه‌یافته توسط ایران، حزب‌الله و حماس، مهم است.

## ۱۰. حفظ برتری

یک مولفه سنتی اساسی در دکترین دفاعی اسرائیل، حفظ برتری اطلاعاتی، هوایی و فناوری نسبت به دشمنانش است. اسرائیل باید به تقویت مزیت نسبی خود بر دشمنان خود در امنیت سایبری و فناوری هوش مصنوعی به عنوان راهی برای افزایش لبه نظامی کیفی اسرائیل و به عنوان مولفه مرکزی تقویت بازدارندگی، قدرت نرم، اقتصاد و موقعیت بین‌المللی ادامه دهد.

## جمع بندی

پس از چند سال بهبود وضعیت استراتژیک اسرائیل، به نظر می‌رسد که «پنجره فرصت» استراتژیک، که به اندازه کافی مورد استفاده قرار نگرفته بود، بسته شده‌است. افزایش تهدیدات نیازمند بازنگری در مفهوم امنیت اسرائیل، سیاست دفاعی، تخصیص منابع و استراتژی‌های به روز است. دو رویکرد ممکن برای استراتژی اسرائیل وجود دارد: یک رویکرد محتاطانه و پایدار کننده - تاکید بر گفتگو، ترتیبات و مواجهه با تهدیدهای موجود و در حال توسعه، به منظور خنثی کردن آن‌ها به طوری که محقق نشوند. یک پیش‌نیاز برای انتخاب رویکرد درست، بنیاد منسجم داخلی در اسرائیل با تاکید بر همبستگی و انعطاف‌پذیری اجتماعی و ملی است. در پایان یک سال سخنان تفرقه‌انگیز، تحریک و افزایش فاصله

1. Foreign Military Sales

بین بخش‌های جامعه اسرائیل، زمان آن رسیده که سیاستی متفاوت اتخاذ شود. باید بر روی اقدام برای بازگرداندن اعتماد به نهادهای حکومتی، بهبود شکاف‌ها، گرد هم آوردن کمپ‌های مختلف، افزایش همبستگی و آغاز یک تلاش سازمان‌یافته برای افزایش مکانیسم‌های موجود تاب‌آوری اجتماعی و ساخت نهادهای جدید تمرکز شود. دولت بعدی اسرائیل باید یک رویکرد یکپارچه را تدوین کند که به ظهور تهدیدات مهم می‌پردازد در حالی که همزمان فرآیندهای سیاسی و رسیدن به ترتیبات برای کاهش تنش‌ها را انجام می‌دهد. این امر آمادگی برای چالش‌های مهمی که امنیت و رفاه آینده اسرائیل را تهدید می‌کنند را ممکن می‌سازد.

